

پیام به مناسبت چهارمین سالروز تشکیل بسیج مستضعفان / ۱۳۶۳/۰۹/۰۴

عظمت اهداف انقلاب و گستردگی توطئه‌های دشمنان ایجاب می‌کند که برای حفظ و صیانت انقلاب اسلامی و مردمی و بمنظور مقابله با دشمنان و معاندان نیرویی از خود مردم فراهم آید تا از انقلاب اسلامی و ارزش‌ها و اهداف آن در برابر تهاجم و توطئه عمال ابرقدرتها دفاع کند. چرا که دفاع مستمر و همه جانبه از انقلاب تنها با آموزش و سازماندهی مردمی که حاضرند در راه حفظ انقلاب وجود خود و عزیزان خود را فدا کنند می‌توانست کارساز باشد.

بیانات در مراسم بیعت فرماندهان سپاه / ۱۳۶۸/۰۲/۱۷

من از احساسات صادقانه و پاک شما برادران عزیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اظهار وفاداریتان، صمیمانه تشکر می‌کنم. از شما که در عمق وجود، به انقلاب و ارزش‌های آن ایمان آوردید، جز این هم انتظاری نیست. ما سپاه را با همان چشمی نگاه می‌کنیم که امام عزیزمان نگاه می‌کرد؛ به عنوان بازوی قدرتمند نظام و به عنوان گام استوار در مقابله با دشمنان انقلاب اسلامی. ما شما را به معنای حقیقی کلمه، پاسدار انقلاب اسلامی می‌دانیم؛ همیشه هم این‌گونه بوده است و من هم این‌طور فکر می‌کنم.

بیانات در مراسم بیعت دانشجویان / ۱۳۶۸/۰۲/۲۳

دانشگاه جهت‌دار و دین‌دار، به شدت متمایل به ارزش‌های انقلابی و اسلامی است. البته ارزش‌های انقلابی از ارزش‌های اسلامی به هیچ‌وجه تفکیک‌پذیر نیست؛ این‌ها باهم یکی است. کسی نمی‌تواند بگوید من مسلمانم؛ اما انقلاب را قبول ندارم، و یا بگوید من انقلابی هستم؛ اما اسلام را قبول ندارم! امروز زنده‌ترین تپش‌های انقلابی در اینجاست؛ بسیج‌کننده‌ترین نیروهای مردمی، این انقلاب است؛ در حالی که سرتاسر دنیا، انباشته از انقلاب‌های گوناگون است. پس انقلابی غیر اسلامی و اسلامی غیر انقلابی نداریم. ارزش‌های انقلابی، همان ارزش‌های اسلامی است.

بیانات در مراسم بیعت ائتلاف مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۲/۱۵

در کشور ما ملت در صحنه است و خودش را صاحب مملکت و مدافع ارزش‌های انقلاب و کشور می‌شناسد و خود را از مسئولان جدا نمی‌داند؛ لذا در اینجا، قدرت متعلق به مسئولان و دولت‌مردان نیست؛ بلکه قدرت جنبه‌ی عمومی دارد و متعلق به مردم است؛ مسئولان هم به پشتیبانی مردم و- از همه مهم‌تر- به ایمان و توکل به خدا متکی هستند. هر فرد و جمعیتی از این عامل برخوردار باشد، در هیچ میدانی احساس شکست نخواهد کرد. ما این سرمایه‌ها را داریم، و همین سرمایه‌ها بود که ده سال ملت ما را در سخت‌ترین مراحل مبارزه نگهداشت و بر دشمن غالب کرد و پیش برد.

بیانات در مراسم بیعت ائتلاف مختلف مردم / ۱۳۶۸/۰۲/۱۹

صعود انقلاب، به معنای صادر کردن ارزش‌های انقلابی و افشاگری در باره‌ی مستبدها و ظالم‌های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار را نکنیم، کوتاهی کرده‌ایم. جمهوری اسلامی و ملت ایران و آن شخصیت عظیم و عالی‌قدری که دنیا را در مقابل عظمت خودش کوچک و خاضع کرد، نشان دادند که همه‌ی قدرتها عالم برای مقابله با چنین عزم و اراده‌ی معظم و پولادینی- که اسلامی است و متعلق به عموم ملت است- کوچکند.

بیانات در دیدار میهمانان خارجی مراسم اربعین امام خمینی(ره) / ۱۳۶۸/۰۲/۲۳

اگر ما اقدام به گسترش مفاهیم و ارزش‌های اسلامی و انقلابی هم نکنیم، طبیعت این مفاهیم و معارف آن است که مثل هوای لطیف و عطر گل‌های بهاری، خودبه‌خود در فضای ذهنیت جهان گسترش پیدا می‌کنند؛ چه دشمنان بخواهند و یا نخواهند. امروز مسلمانان عالم باید توجه کنند که دستگاه‌های استکباری با جنجال‌آفرینی می‌خواهند آن‌ها را از بیان صحیح‌ترین و صادقانه‌ترین احساسات و معارف بازدارند.

پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی(ره) / ۱۳۶۸/۰۲/۲۳

نهادهای انقلابی که از آغاز نقش موثری در حراست از دستاوردهای انقلاب داشته‌اند- چه آن‌ها که در قالب سازمانها و تشکیلات تولیدی و خدماتی و تبلیغاتی خدمت می‌کنند، و چه انجمنهای اسلامی که در همه جا پرچمدار ارزش‌های انقلابی می‌باشند- روحیه انقلابی را با نظم و انضباط دقیق و توأم با سعه‌ی صدر به کار گرفته، بدون تخطی از وظایف خود، راه و رسم دفاع از انقلاب را زنده نگهدارند.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران / ۱۳۶۸/۰۷/۲۸

نگارید احساس غیبت انقلابی و تکلیف در مقابل انقلاب، در دل‌های شما ضعیف بشود و فرونشیند. مثل کسی که از خانواده و حرم و ناموس خود دفاع می‌کند، از انقلاب و ارزش‌ها و دستاوردهای آن، همین‌طور دفاع کنید. زن و مرد و پیر و جوان، در هر شغلی از شغلها که هستید و در هر گوشه‌ی از این کشور که زندگی می‌کنید- فرق نمی‌کند- بدانید که این انقلاب آسان به‌دست نیامده است. خون دل‌ها خوردند، خون‌ها ریخته شد و کمک‌ها و فیوضات عظیم الهی شامل حال این مردم شد تا این دستاورد عظیم به‌دست آمد. این طور نیست که مردم و ما بنشینیم نگاه کنیم که کسانی ارزش‌های انقلاب را تاراج کنند و یا به آن‌ها اهانت نمایند و آن‌ها را سبک بشمارند. نه، ارزش‌های انقلابی و دستاوردهای انقلاب و فضای اسلامی جامعه، ناموس همه‌ی آحاد مردم ماست و از آن، غیرتمندانه و با کمال قدرت دفاع می‌کنیم و باید بکنیم.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام / ۱۳۶۸/۱۱/۰۹

باید برای خدا حرکت کرد و در چارچوب اهداف الهی تلاش نمود. «و فی ذلک فلیتنافس المتنافسون». آدم بایستی تلاش کند، زحمت بکشد، کار بکند؛ و الا وجود او بی‌فایده است. این همه کشور در دنیا هست، بعضی آباد، بعضی ویران؛ اما آنچه که ما دنبالش هستیم، تحقق ارزش‌ها و اهداف الهی است. ارزش‌های عمده‌ی برای ما وجود دارد که باید دنبال آن‌ها باشیم. باید آرمان‌ها و اهداف انقلاب را با قیام‌لله تأمین کنیم. ارزش‌هایی که ما در انقلاب برای آن‌ها می‌خواهیم تلاش کنیم و کارمان برای آن‌هاست، دو مبنا و پایه دارد: مکتب و مردم. مکتب بدون مردم منصور نیست؛ چون مکتب ما مکتبی نیست که از مردم جدا بشود. اصلاً این یک فریب است که ما بیایم اسلام را از نفع و خیل مردم جدا کنیم و بگوییم مردم و سرنوشت آن‌ها را رها کنید و به دین و خدا و اسلام بچسبید! این، همان اسلام تحریف شده است. این، همان چیزی است که امام (ره) از اول شروع مبارزه با آن جنگید. بسیاری از آدم‌های خوب و عالم، حرف امام را در این راه فهمیدند و البته بعضی از متحجران و نادانها هم تا آخر نفهمیدند و هنوز هم بعضی این حقیقت را نمی‌فهمند. تفکر اسلامی، از خیل مردم و برای مردم بودن جدا نیست. هر چیزی که شما دیدید به نظرتان اسلامی است، اما از صلاح مردم مجرد است، بدانید در شناخت و فهم اینکه آن اسلام است، اشتباه می‌کنید یا در فهم خود آن شی محققاً اشتباهی وجود دارد. پس، پایه ارزش‌های اسلامی و انقلاب ما، بر دو پایه مکتبی و مردمی است.

پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۴۹/۰۳/۱۰

ملت ایران باید بدانند که حفظ انقلاب و برپانگهداشتن پرچم عزت و شرف و ادامه‌ی راه پرافتخاری که مجاهدات این ملت شریف در برابر ملت‌های جهان، مخصوصاً مسلمانان گشود و به عنوان تنها راه غلبه بر فشار و ظلم قلدان شناخته شد، و تنها باطل السحر توطئه‌های دشمنان بر علیه انقلاب و جمهوری اسلامی، همانا حراست از اصول بنیانی انقلاب و پاسداری از ارزش‌های انقلاب است. این، آن نقطه‌ی روشنی است که شعار ضدیت با سلطه‌ی جهانی استکبار را عالم‌گیر ساخته و ارکان نظام سلطه‌ی جهانی را متزلزل کرده است و همین است که از این پس ملت ایران را بر همه‌ی توطئه‌های دشمنان فایق خواهد ساخت. و این همان وصیت جاودانی است که امام راحل عظیم‌القدر (اعلی‌الله کلمته) در بیانیه‌ها و اخیراً در وصیت‌نامه‌ی خود، همه‌ی ما را بدان توصیه فرموده است.

بیانات در مراسم اولین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۴۹/۰۳/۱۴

امام بزرگوار ما، مجسمه‌ی بی‌ارزش‌های انقلاب ما بود. از یکی از همسران پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) خواستند که آن بزرگوار را توصیف کند. در جواب گفت: «کان خلقه القرآن». یعنی قرآن مجسم بود. ما امروز در باره‌ی امام بزرگوارمان باید عرض کنیم که او اسلام انقلابی مجسم، اسلام ناب مجسم در زندگی و اخلاق و احساسات و تصمیم‌گیری‌ها و نیز فانی برای خدا بود. خدای متعال هم به او پاداش داد. کاری که به دست این بزرگوار در این دوران انجام گرفت، کاری بی‌نظیر بود. بعد از کار پیامبران اولوالعزم، کسی چنین حرکت عظیمی انجام نداده بود.

بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۴۹/۰۵/۰۱

نباید بگذارید چهره‌ی انقلابی جمهوری اسلامی، در آن کشوری که شما هستید، اندکی مخدوش بشود. انقلاب، یک ارزش است. آن کسانی که تلاش می‌کنند انقلاب و انقلاب‌گری را ضد ارزش کنند، همان کسانی هستند که بیشترین ضربه را از انقلاب خورده‌اند. تردید در مفاهیم انقلابی، ضد ارزش است. تردید در مبارزه‌ی با قدرتهای ستمگر و سلطه‌گر و ظالم، ضد ارزش است. راه نجات ملت‌ها، در استقلال آن‌ها از قدرتهای ستمگر است. همیشه سعی قدرتهای ستمگر این بوده که به ملت‌ها ثابت کنند بی‌خود تکان می‌خورند و اشتباه می‌کنند. راه نجاتشان این است که زیر بال ما بیایند و پلکان دیگری از پلکان عروج در امور مادی و سلطه‌ی نابحق بشوند! این را تفهیم می‌کنند. ما باور نمی‌کنیم و نمی‌خواهیم بگذاریم ملت‌های دیگر هم باور کنند.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان و اقبشار مختلف مردم / ۱۳۴۹/۰۷/۱۱

مبادا در گوشه و کنار کشور، خدای نکرده آدم جاهل یا مغرضی پیدا بشود و به بعضی از علمای محترم و باارزش و خدمتگزار که عمرشان را در راه این انقلاب صرف کرده‌اند و فقط نیامده‌اند امتحان بدهند، بگوید که شما امتحان ندادید، پس چنین و چنان. نه، امتحان ندادن، دلیل مجتهد نبودن نیست. امتحان ندادن، ارزششان هم در جای خودش محفوظ است. بعضی از این کسانی که در امتحانات شرکت نکردند، کسانی هستند که من وظیفه‌ی خود می‌دانم، برای سلامت و بقای عمر آن‌ها دعا کنم که خدای متعال برکاتشان را حفظ کند.

البته اگر عضو مجلس خبرگان هم نباشند، طوری نمی‌شود و اشکالی هم ندارد و ارج و شخصیت خود را هم دارند و کسی هم حق تعرض به آن‌ها را ندارد. بعضی هم امتحان دادند و ممتحنان شورای نگهبان فضیلت محترم و مجتهدان عالی‌مقام قم که از این‌ها امتحان کردند، گفتند شما مجتهد نیستید. مجتهد نبودن، چیزی نیست که کسی آن را برای تضعیف یک نفر مستمسک قرار بدهد. بسیاری از کارهای بزرگ در این کشور هست که ارزشش اگر از عضویت در مجلس خبرگان بیشتر نباشد، قطعاً کمتر نیست؛ شرطش هم اجتهاد نیست. در این مملکت، مشاغل اساسی و بزرگی مثل تصدی کارهای اجرایی، تصدی وزارت، تصدی ریاست دستگاه‌های گوناگون هست که شرطش هم اجتهاد نیست؛ اما برای این کار بخصوص یعنی عضویت در مجلس خبرگان آقایان تصویب کردند که کاندیدا باید مجتهد باشد؛ حق هم داشتند. اما اگر کسی مجتهد نبود، نقیصه‌ی نیست که کسی بخواهد به آن ایراد بگیرد و بعضی جنجال کنند که معلوم شد فلانی مجتهد نبوده است. نباشد، از ارزش انقلابی و ایمانی و شان او در انقلاب و در مسئولیت‌های بالا، چیزی کاسته نمی‌شود.

پیام به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی / ۱۳۴۹/۰۸/۱۳

به فرزندان و برادران عزیز و انقلابییم، جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان که این روز بزرگ به نام آنان است، عرض می‌کنم که شان و وضع شما، چه در حال و چه بیشتر در آینده، به گونه‌ی بی‌استی که بار اصلی انقلاب بر دوش شماست و اسلام عزیز و اولیای شهیدان و امام بزرگوار و صالحان ملت، به شما نظر و امید و از شما انتظار دارند بکشید و برای رسیدن به کمالات و اهداف انقلاب اسلامی عظیم، فرصت‌ها را مغتنم شمارید و معرفت و فهم دینی را در ذهن و دل خود، وسعت و عمق بخشید. با تهذیب نفس و تقویت روح مسئولیت، صحنه‌های انقلاب را خصوصاً آنچه به پاسداری از ارزش‌ها و فرهنگ و روحیه انقلابی است، پر کنید و پیوند خود را با جامعه و اقشار مختلف و بخصوص روحانیت معظم تقویت کنید و از حیل‌های شیطان‌ی و دسایس و ترفندهای ابلیسی که گاه حتی در لحن و قالب دلسوزی است، برحذر باشید. در مسیر مبارزه‌ی افتخارآمیز ملت ایران، جوانان همیشه باید پیشاهنگ و پیشرو باشند. خود را آماده‌ی پیشاهنگی در خط صحیح و بی‌انحراف نگهدارید و هوشمندانه خط صحیح و مستقیم را از کج‌راه‌های انحرافی بازشناسید و صبغی الهی را ترویج و شعایر اسلامی را تعظیم کنید.

بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی و اخذ سردوشی در دانشگاه هوایی / ۱۳۴۹/۰۸/۲۸

امروز ملت ایران به معنای حقیقی کلمه، به خود مومن و متکی است. ملت ایران فهمیده است که می‌تواند گر‌ها را باز کند، راه‌ها را بگشاید، مانع‌ها را بردارد، سدهای ممانعت‌کننده‌ی راه تکامل را بران کند، از حیثیت و دین و ارزش‌های انقلابی و اسلامی و شرف دیرین تاریخی و علمی خود دفاع کند. این را ملت ایران آسان به دست نیآورد. نیروهای مسلح در طول سال‌های جنگ تحمیلی و پیش از آن و تا امروز، در این راه تلاش زیادی کردند. نیروهای مردم هم همیشه پشت سر نیروهای مسلح و در بسیاری از موارد در کنار آنان، در مقدم‌ترین صفوف خطر حضور داشتند. یعنی ملت ما یکپارچه از خود و از شرف و حیثیت و آینده و از موجودیت خود دفاع کرد.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و پرستاران و پرسنل نیروی دریایی ارتش / ۱۳۴۹/۰۹/۰۷

شاید تا مدتی تصور می‌کردند که بعد از رحلت امام بزرگوار ما (رضوان‌الله تعالی علیه)، شعله‌ی آرمان‌خواهی در جمهوری اسلامی کم بشود، یا فرونشیند و یا خاموش گردد. خیال می‌کردند که بعد از رحلت امام (رضوان‌الله علیه)، تدریجاً همه چیز تمام خواهد شد. یعنی احساسات انقلابی و روح مجاهدت و فداکاری در مردم و نیز دشمنی آن‌ها با ایادی ظلم و استکبار و استعمار در دنیا، تمام خواهد شد.

چنین چیزی را انتظار داشتند؛ ولی دیدند که این‌طور نشد و هرچه می‌گذرد، پایندی این مردم نسبت به خطی که امام راحل و پیشوا و معلم بزرگ ما ترسیم کرده‌اند و نیز علاقه‌ی آن‌ها به امام و انقلاب کم نمی‌شود. احساس کردند که دولت و ملت، مردم و نمایندگان آن‌ها و مسئولان گوناگون، در هر جای این کشور محکم ایستاده‌اند، تا از اسلام و انقلاب دفاع کنند.

آن‌ها خوب فهمیده‌اند که مردم حاضر نیستند ارزش‌های عزیز اسلامی و انقلابی را با چیزی معامله کنند. سر فضایی تجاوز عراق به کویت هم این معنا برایشان روشن شد و دیدند باینکه در قضیه‌ی کویت، کشور عراق تجاوزکار است و ملت ایران، متجاوز را به هر شکلی و به هر نحوی محکوم کردند از اول هم دولت و ملت ما این را گفتند اما این موضع مانع نشد که مردم و مسئولان ما، از دخالت‌های متجاوزانه‌ی بی‌حای آمریکا انتقاد نکنند. خیال می‌کردند ما بعد از اینکه دیدیم عراق به کویت تجاوز کرد، آمریکا را فراموش خواهیم کرد؛ غافل از اینکه ملت ما دست‌پرورده‌ی انقلاب و امام است و مسئولان ما شاگردان امام هستند.

بیانات در دیدار فرماندهان نظامی و انتظامی / ۱۳۶۹/۱۰/۲۲

امروز ما ملت ایران، واقعا شایسته‌ترین ملت برای ایجاد یک نیروی نظامی حقیقتا کارآمد هستیم. شاید الان کمتر ملتی در منطقه و در سطح جهان وجود داشته باشد که به اندازه‌ی ملت ما، لازم و سزاوار باشد که به فکر تقویت نیروهای مسلح خودش باشد. علت هم این است که ما تنها ملتی هستیم که به خودمان متکی هستیم. ما به هیچ‌کس دیگر متکی نیستیم. ما به نیروی ذاتی و قدرتها و تواناییها و لیاقت‌های خودمان متکی هستیم؛ باید هم متکی باشیم. اگر به این نیروها متکی نبودیم، موجودیت این کشور و این ملت، به شدت مورد تهدید و در خطر می‌بود. معنای این حرف، آن نیست که اگر ملت ما و مجموعه‌ی نظام ایران، از جایی کمک بخواهند، به آن‌ها کمک داده نخواهد شد. خیر، شاید امروز آغوش‌هایی باز و دست‌هایی دراز هست که با کمترین اشاره‌ی، دوستی‌هایی را به جمهوری اسلامی ایران نشان بدهند و کمکهایی را ارایه نمایند؛ منتها آن دوستیها و آن کمکهها، به قیمت گزافی تمام خواهد شد؛ به قیمت وابستگی، به قیمت از دست دادن ارزشهای اساسی که انقلاب برای آن‌ها به وجود آمد، به قیمت از دست دادن این استقلال و این متکی نبودن به هیچ قدرتی. واقعا این‌طور است. بخصوص در دنیای امروز که دوقطبی‌گری بسیار شدیدی وجود دارد؛ قطب قدرتها و قطب وابستگان به قدرتها. فاصله‌ی این‌ها هم از لحاظ نیروی نظامی و سیاسی و اقتصادی، یک فاصله‌ی ژرف و ناپیمودنی است.

بیانات در دیدار جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

خودتان را آماده نگه‌دارید. سازمانتان را روز به روز پیش ببرید. انسجامتان را مثل گذشته و بهتر از گذشته، حفظ کنید. مجموعه‌ی نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دیگر نیروهای دست‌اندرکار دفاع و حفاظت و حراست از ارزشهای انقلاب را با یک چشم نگاه کنید و آن‌ها را یکی ببینید. هر چیزی در جای خود، و همه به عنوان بخشی از یک مجموعه‌ی پرافتخار هستند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۶۹/۱۱/۱۹

تصور اینکه سازندگی کشور، با تعقیب هدفهای انقلاب منافات دارد، تصوری متعلق به دشمنان است؛ دوستان اشتباه این حرف را تکرار می‌کنند. ارزشهای انقلاب، این کشور را باید آباد کند و بسازد؛ این دو باهمند. حفظ و شعارها و هدفهای اصیل انقلاب، در کنار سازندگی و آبادانی و به سروسامان رساندن کشور و نوسازی ویرانه‌های ناشی از جنگ و دوران سلطه‌ی قدرت ظالم رژیم پهلوی قرار دارد. تا کسی گفت که می‌خواهیم کشور را بسازیم، فوراً بعضی آدم‌ها از روی غفلت نگویند، معلوم می‌شود که شعارهای انقلاب فراموش شده است؛ نه، این حرف را دشمنان می‌زنند و القا می‌کنند که ایران شعارهای انقلاب را فراموش کرده است. امروز نمی‌گویند؛ از مدتها پیش این حرف را تکرار می‌کردند. همیشه هم دروغ گفته‌اند، همیشه هم مغرضانه گفته‌اند، همیشه هم غلط کرده‌اند. این ملت، با حفظ ارزشهای انقلاب و با تمسک به شعارهای آن، این راه را ادامه خواهد داد.

بیانات در دیدار اعضای شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما / ۱۳۶۹/۱۲/۱۴

در موسیقی سنتی، شعر حافظ یا سعدی خوانده می‌شود، ولی این کافی نیست؛ باید شعر خوب خوانده شود؛ چیزی که وقتی مستمع شنید، این هنر در خدمت ارزشهای انقلابی و اسلامی قرار گرفته باشد. این، مخصوص انقلاب هم نیست. هر جامعه و هر انسان و هر مجموعه‌ی بشری‌ای، می‌خواهد که هنر در خدمت ارزشهای مقبول خودش قرار بگیرد. این جرم نیست که اسلامیها می‌خواهند هنر در خدمت ارزشهای اسلامی قرار بگیرد. همه‌ی مکاتب و همه‌ی جوامع دنیا، همین‌طورند. ارزشهایی در ذهنشان وجود دارد که با ارزشهای دیگری فرق دارد. آنان هنر نقاشی، طراحی‌های گوناگون، شعر، موسیقی و همه چیز را در خدمت این ارزشها قرار می‌دهند. این، یک توقع زیادی نیست که جامعه‌ی اسلامی چنین انتظاری داشته باشد.

بیانات در دیدار اعضای شورای سیاست‌گذاری صدا و سیما / ۱۳۶۹/۱۲/۱۴

بعد از انقلاب، سرودهای خوب و آهنگ‌های بسیار خوبی در جهت ارزشهای انقلابی ساخته شد؛ ولی در سالهای اخیر، رشد این‌گونه آهنگ‌ها کم شده است. این هم حیف است. باید آهنگ‌های خوب ساخته شود، شعرهای خوب و چیزهای جدید اجرا گردد و همه‌ی آن‌ها ناظر به ارزشهای انقلابی باشد. این‌ها باید در صدا و سیما مرتباً منعکس بشود. این‌طور نباشد که اگر چیز خوبی منعکس می‌شود، حتماً باید یک شعر عاشقانه باشد که فلان خواننده‌ی معروف خوانده و اجرا کرده است؛ و اگر یک چیز انقلابی است، حتماً یک گوشه‌اش مثلاً عیب و ایراد و علتی داشته باشد. نه، برای تهیه و تنظیم آهنگ‌های انقلابی، آهنگ‌های اسلامی و طرح ارزشهای اسلامی، از بهترین موسیقی‌دانها و بهترین خوانندگان استفاده بشود. در این غزلیات، چقدر چیزهای خوب از این قبیل وجود دارد.

پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۰/۰۳/۱۲

آری، در آن روز، نعمت مجاورت عینی و حضور جسمانی امام از دست ما گرفته شد و شعله‌ی برقی که به قدرت الهی در فضای زندگی آلوده و مادی این زمانه درخشیده بود، خاموش گشت؛ اما از سوئی، معرفت امام ابعادی تازه یافت و به برکت یادآوری لحظه‌های تکرارنشدنی سالهای آن رهبری شگفت‌آور و بی‌نظیر، ذهنها به تامل و تدبیر که عادتاً تا کسی زنده و در دسترس است، رخ نمی‌دهد، روی آورد و چشمها خورشید فروزان و گرمابخشی را که اکنون ستاره‌ی دور دست شده بود، به رصد نشست. آنچه در ستایش آن یگانه‌ی زمان و مجدد دوران، در روزی و هفته‌ی چند، بر زبانها و قلمها و در شعرها و مقاله‌ها آمد، در همه‌ی دوران رهبریش نیامده بود، و این برای نسل معاصر که سالها دچار تبلیغات عنادآمیز و فضای غبارآلوده‌ی دوران انقلاب و جنگ تحمیلی بود فوری عظیم به شمار می‌رفت و می‌رود. و از سوی دیگر، احساس خلاء امام کبیر و عظیم، دل‌های اندیشناک از خطرات محتمل را یکدل کرد و همه را بر صراط مستقیم خط امام و دفاع از میراث گرانبهای او یعنی نظام اسلامی و ارزشهای انقلاب ثابت‌قدم ساخت؛ شور و همتی تازه به ملت، و عزم و تلاشی کمرسابقه به خدمتگزاران کشور، و قوت و استحکامی بیش از گذشته به رابطه‌ی ملت و دولت بخشید و برکات پایان‌ناپذیر آن سلاله‌ی پیامبران و منادی راه صالحان، پس از رحلت از این جهان نیز، کشور و ملت و انقلاب را شامل شد؛ «فسلام علیه یوم ولد و یوم ارتحال و یوم بیعت حیا».

پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۰/۰۳/۱۲

همچنین مسئولان نظام، اعم از نمایندگان محترم مجلس و ماموران اجرایی و قضائی، باید مراقب باشند که از عوارضی که در نظامهای طاغوتی و غیر مردمی، بیماری همه‌گیر کارگزاران است، خود را با دقت و وسواس دور نگه‌دارند؛ بیماری رفاه‌زدگی و عشرت‌طلبی؛ بیماری زدوبند نامشروع و فساد مالی و اداری؛ بیماری تکبر و دوری از مردم و بی‌اهمیتی به نیاز و خواست و اراده و حضور آنان؛ بیماری دسته‌بندی‌های ناسالم و ترجیح مقاصد باندی بر مصالح عمومی و امثال این‌ها، که ابتلای به آن، مانند موربانه پایه‌های هر نظامی را سست و پوک می‌کند؛ و یا دل سپردن به سنتهای طاغوتی و رغبت به احیای آن‌ها و بی‌تفاوتی یا بی‌اعتنایی به ارزشهای اسلامی و انقلابی، که دل را می‌میراند و نشاط و شوق خدمت به مردمی را که مخلصانه جان و مال خود را در راه انقلاب داده‌اند، سلب می‌کند و آنان را نومید و غمگین می‌سازد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۰/۰۵/۲۲

طبیعت اهل قلم و آن روشن‌فکرجماعت مادک‌مسلك همین است. حرف که می‌زنند، زمین و آسمان را به هم می‌دوزند. آدم می‌شنود، خیال می‌کند که این سوخته‌جانی است که دارد از اعماق جاننش حرف می‌زند؛ نزدیکش که رفتی، می‌بینی که نخیر، هیچ‌چیز نیست؛ از زبان یک‌ذره فراتر نیست! لذا بسیاری از این‌ها راجع به استعمار و صهیونیسم و ظلم و این قبیل چیزها خیلی اوقات هم قلم زده بودند، اما یک‌قدم حاضر نشدند در میدانی که مردم وارد شده‌اند، وارد بشوند؛ حتی به مردم پشت کردند. این‌ها به‌شدت اسیر پول و اسیر هوسها و خواسته‌های نفسانی هستند. دستگاه‌های تبلیغاتی باید مراقبت کنند و نگذارند؛ بنشینند روی این مسئله فکر کنند؛ سلیقه‌ی هم نیست. این‌طور هم نباشد که دستگاهی پیش خود، یک کار تند ناسنجیده نامناسب با مجموعه‌ی توطئه بکند. البته دوگونه می‌شود کار کرد؛ یکی کار سلیبی، دیگری کار ایجابی. کار سلیبی، مقابله‌ی با آن‌ها و جلوگیری از توطئه‌ی آن‌هاست. کار ایجابی، کار فرهنگی صحیح است؛ منبری خوب، منبر خوب، موعظه‌ی مردم و توجیه فکری آن‌ها. این روزنامه‌های ما، این مجلات ما، این گویندگان ما، این آقایان مسئولان که مرتب در اینجا و آنجا و در مسجدها و پشت تریبون‌ها و این شهر و آن شهر حرف می‌زنند، حرف اصلیشان این باشد.

از انقلاب و برکات انقلاب و قدرت انقلاب و ارزش ارزشهای انقلاب و لزوم پایبندی به این ارزشها به‌جای پریدن به این و آن بگویید؛ این هم مساله‌ی فرهنگی است.

بیانات در دیدار فرزندان ممتاز شاهد / ۱۳۷۰/۰۶/۱۲

همه باید بدانند که توطئه‌ی دشمن نسبت به انقلاب تمام نشده است. بزرگ و کوچک ما، زن و مرد ما، عالم و جاهل ما، همه باید خود را سرباز مدافع از ارزشهای انقلاب به حساب بیاورند. هر کدام ما هر جا مشغول خدمت هستیم، باید آنجا را سنگر بدانیم. اگر اهل جهاد باشیم، هر جا هستیم، سنگر است.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه / ۱۳۷۰/۰۶/۲۷

جلسه‌ی بسیار باشکوه و باعظمتی است؛ هم از لحاظ حضور مجموعه‌ی از جوانان برجسته و دست‌پروردگان خالص انقلاب و امام، و هم از لحاظ یادآوری زنده ارزشهای بزرگ انقلاب یعنی جهاد و شهادت که شما عزیزان سپاهی هر جا حضور داشته باشید، جهاد دشوار ده‌ساله و صحنه‌های خونین و فداکاریهای بزرگ و عطر شهادت را با خود به همراه می‌آورد. ان شا الله که موفق باشید، در سلوک راه بندگی خدا روز به روز جلوتر بروید و خدای بزرگ را از خودتان بیشتر راضی کنید؛ که اصل قضیه هم همین است و بقیه‌ی امور مقدمه‌ی این است.

بیانات پس از بازدید از نمایشگاه فرش / ۱۳۷۰/۰۸/۲۹

این غلط است که ما تصور بکنیم شعر خوب می‌گوییم، یا فرضاً آهنگ خوب می‌سازیم، یا فلان کار هنری خوب را انجام می‌دهیم، فقط برای خود هنر؛ یعنی هنر برای هنر. این، یک مقوله‌ی بسیار غلط و انحرافی است؛ هنر باید در خدمت هدفی باشد. لذا اگر شما نگاه کنید، می‌بینید که هرکدام از هنرمندان بزرگ عالم، هنرهای خودشان را در خدمت اهدافی قرار می‌دادند. اهداف امروز ما، همین مقدسات و ارزشهای ولای اسلام و انقلاب است. این هنر به این برجستگی را باید در خدمت آن هدفها به کار برد.

بیانات در دیدار مدیران شبکه‌ی دوم سیما / ۱۳۷۰/۱۱/۰۷

امروز در عالم فرهنگ و هنر، شبکه‌ی نامرئی در سایه‌ی در داخل کشور فعال است، که هرکس این شبکه را نبیند، به نظر من باید در بینایی خودش شک کند. این شبکه در همه جا هم نفوذ دارد یک جاهایی بیشتر، یک جاهایی کمتر و تصمیمش بر این است که به ارزشهای اسلام و انقلاب هجوم بیاورد. این شبکه در جهت همان سیاستهایی که اشاره کردم در سطح جهان فعال است، در داخل کشور دارد کار می‌کند؛ انصافاً کار سازماندهی شده و خوب و دقیقی هم می‌کند. آن‌ها الآن بر روی ضایع کردن، یا لاف‌ل مسکوت گذاشتن چهره‌های خوب ما در شعر و در ادبیات و در هنر و در علم متمرکز شده‌اند؛ اما شما این‌ها را پیدا کنید و مطرحشان نمایید. من هیچ وجهی برای زنده کردن شخصیتی نمی‌یابم، جز اینکه گفته می‌شود می‌خواهیم دل عده‌ی را به دست بیاوریم! چرا باید این کار را بکنیم؟! چهره‌های خودی را بیاورید، مطرح کنید.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۷۰/۱۱/۱۹

من از پیشرفتهای نیروی هوایی مطلعم و آن‌ها را بسیار پراح می‌دانم. شما کارهای خوبی کرده‌اید. آنچه که امروز در نیروی هوایی جریان دارد، حاکی از زنده بودن و زدن نیض سالم این نیروست. این تهنیتی که امروز در نیروی هوایی هست، چیز خوبی است؛ این را حفظ کنید؛ آن حقیقت ارزشی را همواره به آن برسانید؛ مراقب باشید که این حرکات و این کاری که انجام می‌گیرد، با ارزشهای انقلابی و اسلامی، هماهنگ و دوش‌به‌دوش پیش برود. میادای توری بشود که ارزشهای انقلابی و اسلامی، در گوشه‌ی از گوشه‌های ارتش از جمله نیروی هوایی و سایر نیروهای مسلح، غریب و مهجور باشد. قوت و ریشه‌داری این ملت و شما عزیزان، ناشی از همان انگیزه‌های معنوی و اسلامی و آن روح شجاعت و آن ایستادگی است.

بیانات در دیدار اعضای گروه اجتماعی صدای جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۷۰/۱۱/۲۹

شما باید نگاه کنید ببینید ارزشهای اسلام و انقلاب چیست؛ این ارزشها را به‌دست بیاورید؛ شوخی و خنده‌مان هم باید در این جهت باشد؛ سرگرمی و تفریحان هم بایستی در این جهت باشد؛ کار روی افکار عمومی مردم مثل این برنامه‌های همگانی و برنامه‌های صیحتان، یا برنامه‌های خانواده که از برنامه‌های خیلی خوب این مجموعه است، یا بعضی از برنامه‌های دیگری که دارید همه باید در این جهت باشد. باید مراقب باشیم که اشتباه نکنیم. مثلاً فرض بفرمایید ما سوار ماشینی شده‌ایم و داریم راهی را می‌رویم و به سمتی حرکت می‌کنیم؛ خیلی خوب، قهوه‌خانه است؛ آدم پیاده می‌شود و جای می‌خورد، یا تفریحی می‌کند؛ یک‌وقت هم مثلاً پا را روی گاز می‌گذارد و با سرعت صد و چهل کیلومتر می‌رود؛ یک جا انسان کند می‌کند؛ یک جا سنگین است، بارها را یک‌خرده پایین می‌آورد؛ یک جا یک نفر پیاده دارد می‌رود، انسان سوار می‌کند؛ شکلها و نحوه‌های گوناگونی هست؛ اما آنچه که هرگز گم نمی‌شود، این است که ما داریم به کجا می‌رویم. ممکن است در جایی به طور طبیعی جاده پیچ بخورد؛ مثلاً طرف شرق داریم می‌رویم، اما این جاده به طرف شمال می‌رود؛ حتی طرف غرب می‌رود یعنی علی‌الظاهر در خلاف جهت داریم حرکت می‌کنیم اما آن چیزی که در متن و بطن کار مضمّن است، این است که ما داریم به طرف شرق می‌رویم؛ به همان طرفی که مورد نظرمان است؛ این باید گم نشود؛ این در همه‌ی برنامه‌هاست؛ فرق هم نمی‌کند؛ این از آن چیزهایی است که نسبت به آن باهم رودرپایستی نداریم؛ نه من با شما رودرپایستی دارم، نه شما باید با من رودرپایستی داشته باشید. معروف است که خلیفه‌ی مسلمین در صدر اسلام گفت اگر من کج رتم، با من چه می‌کنید؟ یکی گفت اگر کج رفتی، با شمشیر راست می‌کنیم! اگر من هم که مسئول اول این نظام هستم و بارهای شما هم بر دوش من است، برخلاف این جهت حرکت کردم، شما هم باید به من بگویید.

بارهای شما هم بر دوش من است؛ یعنی این برنامه‌ی «سلام صبح بخیر» را که گاهی گوش می‌کنم، هر کلمه‌ی که آن آقا می‌گوید، احساس می‌کنم که من دارم می‌گویم؛ یعنی با نگرانی گوش می‌کنم؛ این را شما بدانید. همه‌ی برنامه‌های شما را که من گوش می‌کنم، دغدغه‌ای در عمق ذهن من وجود دارد؛ یعنی احساس می‌کنم که شما دارید حرفی را می‌زنید که مسئولیت آن حرف با من است؛ حقیقت قضیه هم این است؛ یعنی مسئول کار شما من هستم؛ البته نه اینکه شما مسئول نیستید؛ اما من احساس مسئولیت می‌کنم؛ نسبت به همه‌ی این نظام هم همین‌طور است. یک مامور نیروی انتظامی هم که در خیابان دارد راه می‌رود، من با نگرانی نگاه می‌کنم؛ چون می‌دانم که مسئول کار او هم من هستم. توجه به ارزشهای اسلام و انقلاب از آن چیزهایی است که در مورد آن نه من با شما رودرپایستی دارم، نه شما باید با من رودرپایستی داشته باشید؛ اگر بنده هم یک‌وقت برخلاف این جهتی که دارم می‌گویم، و برخلاف این اصول حرکت

کردم، شما هم باید به من بگویید؛ این چیزی نیست که ما بتوانیم از یکدیگر اغماض کنیم و بگویم چون این آقا بالاخره آدم شریف، عزیز و مرد خوبی است، یا این خانم مثلا آدم کارآمدی است، پس او را اغماض کنیم؛ نه، این دیگر آن عنصر اصلی قضیه است. ما همه داریم تلاش می‌کنیم تا مثلا آشنی پخته بشود؛ یکی آتش می‌آورد، یکی هیزم می‌گذارد، یکی نخود و لوبیا پاک می‌کند، یکی به هم می‌زند؛ در اینجا ما می‌توانیم از کوتاهیهای یکدیگر هم اغماض کنیم یک‌بار بنده کوتاهی کردم، شما گذشت کردید؛ یک‌بار شما کوتاهی می‌کنید، من بالاخره گذشت می‌کنم اما دیگر این کوتاهیها نباید به این حد برسد که آتش را برداریم و به بیرون خالی کنیم؛ اینکه دیگر نقض غرض خواهد شد؛ دیگر نمی‌شود تا این حد کوتاهی را نادیده گرفت!

پیام به جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم / ۱۳۷۱/۰۸/۲۴

احترام به ارزشهای انقلاب در حوزهی علمیه، اگرچه دارای مظاهر گوناگونی است، لکن مظهر ابتدایی و آشکار آن عبارت است از تکريم طلاب و فضاي اينارگر، جانبازان و آزادگان، که یادگارهای جهاد ملت ایران و نمونه‌های فداکاری در راه هدفهای الهی و سند افتخار حوزهی علمیه در شرکت همه‌جانبه‌اش در آن جهاد بزرگند. بسی شایسته است که این عزیزان و همهی طلاب رزمنده و جبهه‌ای، مورد رعایت قرار گیرند و فضیلت قرآنی «مجاهدان»، در محیط درس قرآن، تحقق و تجسم یابد.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۲/۰۳/۱۹

بعضی کسان گفته‌اند «بعد از گذشت سالها از آغاز پیروزی، ارزشهای انقلاب بتدریج کمرنگ شده است.» این حرف، اگرچه شکل تحلیل دارد، اما در معنا نوعی خطه‌ای از طرف دشمن است. درست است که بعضی دوستان هم، آن را ناآگاهانه تکرار کردند؛ اما دشمن که روی این قضیه پافشاری کرده است و بازهم می‌کند، در حقیقت می‌خواهد یک چیز را در ذهنها مسجل کند و آن اینکه، لازمه‌ی فاصله گرفتن از مبدا انقلاب، کمرنگ شدن ارزشهای انقلاب است.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۲/۰۳/۱۹

خیلی‌ها بودند که در اول انقلاب، های‌وهویی می‌کردند؛ اما بعد، در تجربه‌های اواسط انقلاب نتوانستند راه بیابند. یا خودشان کنار رفتند و یا جریان انقلاب آنها را کنار زد. آنچه که می‌ماند «و اما ما نینفع الناس فیمکت فی الارض» آنکه بادوام است، آنکه کهنگی بردار نیست، آنکه روز به روز جوهر و درخشندگی خود را بیشتر نشان می‌دهد، همان حقایق و ارزشهای اسلامی و انقلابی است. پس، این طور نباشد که بعضی باورشان بیاید که هرچه می‌گذرد، ما باید نسبت به ارزشهای انقلاب بی‌علاقه‌تر، بی‌اهتمام‌تر، در حفظ آنها بی‌مبالا‌تر و نسبت به استقرار آنها در جامعه، بی‌حساسیت‌تر شویم. نه؛ این طور نیست؛ عکس قضیه است. زمانی که ما مثلا سرگرم مسائل جنگ در جامعه هستیم، چیزهایی به‌طور طبیعی ما را به سمت خودش جذب می‌کند. اما وقتی که برای خودسازی، درون‌سازی و جامعه‌سازی فراغت داریم، باید پابندی ما به ارزشهای انقلاب و اسلام بیشتر باشد. استقرار ولایت الهی در جامعه، در آنجا که طعم شیرین ولایت الهی را چشیده است، باید روز به روز روشن‌تر، واضح‌تر، عمیق‌تر و ماندگارتر شود؛ همان‌گونه که در دوران پنج‌ساله‌ی حکومت امیر المومنین، به‌طور قطع و یقین می‌توانیم بگوییم این‌گونه بود.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه / ۱۳۷۲/۰۸/۱۸

۲ - تقویت و ترجیح ارزشهای انقلابی در عرضه کردن منابع مالی و امکانات دولتی یا اولویت دادن به کسانی که این منابع را در راه توسعهی کشور و رشد آرمان‌های انقلابی و اسلامی به کار می‌برند و کسانی که در راه تحکیم انقلاب و نظام اسلامی تلاش بزرگی کرده‌اند از قبیل اینارگران و رزمندگان و بسیجیان.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه / ۱۳۷۲/۰۸/۱۸

۶ - جهت دادن کلیه فعالیت‌های اجرایی و تبلیغی به سمت رشد معنویت و فضیلت اخلاقی در جامعه، تعمیق و گسترش حساسیتها و باور دینی، گسترش ارزشهای انقلابی، حفظ کرامت انسانی، ایجاد نظم و قانون‌پذیری و روحیه کار و تلاش و خود اتکایی و قناعت و جلوگیری از اسراف و مصرف‌گرایی و پرداختن به زواند.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه دوم توسعه / ۱۳۷۲/۰۸/۱۸

توجه و عنایت جدی بر مشارکت عامه‌ی مردم در سازندگی کشور و رعایت جهات زیر در امر واگذاری موسسات اقتصادی به مردم:
الف: امر واگذاری در جهت تحقق اهداف برنامه باشد و خود هدف قرار نگیرد.
ب: در چهار چوب قانون اساسی صورت پذیرد.
ج: موجب تهدید امنیت ملی و یا تزلزل حاکمیت ارزشهای اسلامی و انقلابی نگردد.
د: به خدشه‌دار شدن حاکمیت نظام یا تضییع حق مردم و یا ایجاد انحصار نینجامد.
ه: به مدیریت سالم و اداره درست کار توجه شود.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی / ۱۳۷۲/۰۴/۲۱

مجموعه‌ای که با قدرت و عزت در میان مردم ظاهر می‌شود، همه باید بدانند که بنا دارد از ارزشهای اسلامی دفاع کند. در درون خود نیروی انتظامی هم، ارزشهای اسلامی، باید ارزشهای طراز اول و معیار و میزان باشند. در همه‌ی دستگاه‌ها باید همین‌طور باشد. اگر فرض کنیم در مجموعه‌ای، مثلا نیروی انتظامی یا یک مجموعه‌ی غیر نظامی، عده‌ای که مومن، پرهیزکار، مقید به امانت، پاکدامن و معتقد به انقلابند، و خود را سرباز و مدافع ارزشهای انقلابی و معنوی می‌دانند، احساس کردند که در این مجموعه، غریب و تنها هستند، باید کشف کنید که بر فضای داخلی این مجموعه، ارزشهای اسلامی حاکم نیست. اما به عکس، اگر کسانی که در این مجموعه، ضد ارزشهای انقلابی و اسلامی هستند و اعتنایی به امانت، پاکدامنی، تقوا، حفاظت از احکام و مقررات اسلامی، دین، عبادت، نماز، حضور و سایر نمادها و شاخصهای معنوی نمی‌کنند، احساس کردند که در این مجموعه تنها و بی‌پشتیبان هستند، این حاکی از آن است که بر فضای درونی این مجموعه، ارزشهای الهی و اسلامی حاکم است. این، یک معیار است و در تمام دستگاه‌های دولتی و تمام صحن محیط اجتماع، باید این‌گونه باشد.

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۲/۰۷/۲۳

امروز استان مازندران این است؛ یک جمعیت مومن، پرشور، علاقه‌مند و جوانانی که هیچ خطری نمی‌تواند آنها را از دفاع از ارزشهای این انقلاب بازدارد. پدران و مادرانی که جوانان خود را اینارگران در این راه فرستاده‌اند و می‌فرستند؛ خانواده‌ها و قشرهای مختلف، همه و همه در خطوط مقدم این انقلاب قرار داشتند و دارند. امروز استان مازندران این است.

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۲/۰۷/۲۳

برادران و خواهران عزیز! من این مطلب را بارها گفته‌ام؛ بازهم لازم است بگویم تا خود شما مردم، قدر این ایمان خالص و صمیمی؛ این معنویت و صمیمیتی را که در خطه، نسبت به ارزش‌های انقلاب هست، بدانید. در دوران رژیم گذشته، دو جریان در استان مازندران مشغول فعالیت و تلاش بودند که هریک از این دو جریان برای خراب کردن و بی‌ایمان و فاسد کردن ملتی کافی است.

بیانات در دیدار مردم ساری / ۱۳۷۴/۰۷/۲۳

اگر می‌خواهید این کشور را بسازید، باید ببینید انقلاب، ارزش‌های انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، آن نسخه‌ای را که برای ساختن ایران داده است، چیست- ایرانی که قرنهای متمادی به وسیله پادشاهان ستمگر و حکام وابسته و فاسد، ویران و خراب شده است- شما خیال می‌کنید که پادشاهان پهلوی به این مملکت، کم ضربه زدند و ویرانی در این مملکت ایجاد کردند؟! قبل از آن‌ها پادشاهان قاجاریه- از زمان ناصر الدین شاه به بعد- به این مملکت، کم ضربه زدند و کم ویرانی در این مملکت ایجاد کردند!؟

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۴/۱۱/۲۰

من در عید نوروز امسال، همه‌ی آحاد مردم را به انضباط اجتماعی و اقتصادی دعوت کردم. حال زمان رعایت آن است. همه انضباط را رعایت کنند. همه دقت داشته باشند که درست حرکت کنند. کار غیر قانونی نکنند؛ کار غیر اخلاقی نکنند؛ سواستفاده نشود؛ از بیت‌المال صرف و خرج نشود؛ از یکدیگر بدگویی نکنند؛ به یکدیگر اهانت نکنند. این ملت هم ملت روشن و متدینی است؛ ملتی است که به آرمان‌های انقلاب معتقد است و انقلاب را دوست دارد. انقلاب می‌تواند این کشور را نجات دهد. بدانید! اگر ارزش‌های انقلابی فراموش شد، هیچ قدرتی نخواهد توانست مشکلات این کشور را برطرف کند و آن را بسازد. ارزش‌ها و شعارهای انقلابی، ابزارهای حرکت و تضمین‌کننده‌ی حضور آحاد این ملتند. این‌ها می‌توانند کشور را نجات دهند. این کشور، مدتها به این شعارهای انقلابی احتیاج دارد تا استخوانزهای محکم شود؛ تا آسیب‌ناپذیر و ساخته شود و دشمن از او قطع طمع کند. مردم به کسی رای خواهند داد و دنبال معرفی‌اش خواهند رفت که اطمینان پیدا کنند، متدین، پایبند و وفادار به آرمان‌های انقلاب است. این‌ها ملاک است. اگر کسی چنین افرادی را معرفی کند، از او خواهند پذیرفت. بنابراین، اولاً انتخابات مهم است و همه باید در آن شرکت کنند. ثانیاً کاری است که می‌تواند بدون اندک اشکالی انجام گیرد، کمابینه بحمد الله تا به حال- در دوره‌های قبل نیز همین‌طور بوده است- خوب انجام گرفته است.

بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر / ۱۳۷۴/۱۲/۰۱

آن کسی که اسلام را نمی‌پسندد و مقررات اسلامی را قبول نمی‌کند و برای خاطر دل بیگانگان و خوشامد دیگران، به انقلاب و ارزش‌های انقلابی اهانت می‌کند و یا به خاطر ترس از دیگران، به جای اینکه به ملت گرایش نشان دهد، به دشمن گرایش نشان می‌دهد و آن کسی که تقوای لازم را ندارد و اهل معنویات نیست و اهل دنیاست و فقط برای نام و نشان و استفاده‌ی شخصی، این مسئولیت را می‌خواهد، او لایق و شایسته‌ی این کار نیست. دنبال آدم‌های مومن و شجاع و انقلابی و کسانی که بتوانند قدرت این ملت را- که در سایه‌ی ارزش‌های انقلابی است- حفظ کنند، باشید. کسانی که وقتی قوانینی می‌گذارند و موضعی می‌گیرند و نطقی می‌کنند، همه در این جهت باشند. این طور آدمی، شایسته‌ی آن است که به عنوان وکیل این ملت، به مجلس شورای اسلامی برود؛ آن کسی که بفهمد امام چه می‌گفت، چه می‌خواست و چرا می‌خواست.

پیام به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۵ / ۱۳۷۵/۰۱/۰۱

مسئله‌ی انتخابات هم، مسئله‌ی مهمی است؛ چون در همین هفته‌های آینده، ما مساله‌ی انتخابات را خواهیم داشت. تقریباً نیمی از انتخابات باقی است. همه‌ی آنچه را که راجع به مرحله‌ی اول انتخابات عرض کردیم، در مورد این مرحله، به قوت خود باقی است و بلکه از جهاتی شاید اهمیت بیشتری هم داشته باشد. مردم، مثل مرحله‌ی گذشته، به انتخابات اقبال نشان دهند و در صحنه‌ی انتخابات حضور پیدا کنند و کاندیداهای مناسب را انتخاب نمایند. البته، بهترین کسانی را هم که می‌شود انتخاب کرد، کسانی هستند که انسان نسبت به آن‌ها اطمینان دارد که وقتی وارد مجلس شورای اسلامی شدند، مورد اعتماد و اطمینانند و خدای نکرده، دچار انحراف و فساد نخواهند شد و برای مردم و اسلام و مسلمین و رفاه امور کشور و پیشبرد اهداف انقلاب و گسترش و تعمیق ارزش‌های انقلابی، تلاش خواهند کرد و تحت تاثیر دشمن قرار نخواهند گرفت. نیروهای انقلاب را به مجلس شورای اسلامی بفرستید و ان شا الله مجلس را کامل کنید. آنچه که تا کنون برای این کشور کار شده، به برکت انقلاب بوده است. آنچه هم که بعد از این برای این کشور کار شود، به برکت انقلاب و اسلام انقلابی و احکام نورانی اسلام و دین خواهد شد.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی / ۱۳۷۵/۰۱/۰۲

اگر کسی با گزارش‌های کشور به قدر ما آشنا باشد، خواهد دید همان‌طور که در آن پیام عرض شد، سال گذشته سال پرکار و پرباری بوده است. حقیقتاً در سرتاسر کشور در طول سال ۱۳۷۴، هزاران شعله کار بزرگ و باارزش- در زمینه‌های علمی، اخلاقی و معنوی، در زمینه‌ی آباد کردن و ساختن کشور، احیای ارزش‌های انقلاب، رفع ویرانه‌های بازمانده از دوران جنگ یا رژیم ستم‌شاهی- انجام شده است، یا در حال انجام بوده است که امسال یا سالهای بعد به پایان خواهد رسید. حقیقتاً حرکت عظیمی در کشور- در زمینه‌ی کار، تلاش، پیشرفت، افزایش ثروت عمومی کشور و آبادانی‌های گوناگون- آغاز شده است.

پیام به مناسبت آغاز به کار پنجمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی / ۱۳۷۵/۰۲/۱۱

نخستین نکته ناظر به جهت‌گیری کلی مجلس است که باید در سمت و سوی هدفها و شعارها و ارزش‌های متعالی اسلام باشد. این نکته اگرچه با توجه به اینکه مجلس، عصاره‌ی ملت مسلمان و انقلابی و محصول انقلاب اسلامی است، سخن تازه‌ای نیست و توصیف افتخارآمیز «اسلامی» در دنباله‌ی نام مجلس شورا خود گویای طبیعت و جهت آن هست، لیکن در وضع کنونی کشور که بحمد الله حرکت سازندگی با شتاب و استحکام، در حال اوج‌گیری است، توجه و اعتنا به این خصوصیت، نقش و اهمیت تازه‌ای می‌یابد. شاید یکی از عوارض دوران سازندگی در نظامهای ارزشی آن است که برخی افراد ساده‌اندیش و ظاهرین را از نقش عامل ایمان و عقیده و اصول پایه‌ای نظام غافل می‌سازد و این پندار غلط را بر آنان مسلط می‌کند که گویا با ورود به مراحل پیشرفت سازندگی کشور، دوران شعارهای مقدس و ارزش‌های اصلی به سرآمده است. این تصور باطل همراه با برخی انگیزه‌های مادی و شخصی موجب آن می‌شود که این‌گونه اشخاص ارزش‌ها را مورد بی‌اعتنایی قرار داده، رابطه‌ی تنه و شاخه را با ریشه، انکار کنند. برای پیشگیری از این پدیده‌ی خطرناک، بر زیدگان ملت است که در همه‌ی برنامه‌ریزی‌ها به نقش بنیانی ارزش‌های اسلام و انقلاب تکیه‌های حقیقی- و نه زبانی و ظاهری- نشان دهند.

بدیهی است که هر ملتی برای تامین سعادت و عزت خود نیازمند به حرکت سازندگی در کشور خود می‌باشد. مشکل ملت‌هایی که نمی‌توانند با تلاش سازنده، کشور خود را از حسیض فقر و وابستگی و تبعیض و فساد سیاسی و اخلاقی نجات دهند آن است که: سازندگی را با فراموش کردن اصول ارزشی و اخلاقی و دینی صحیح، طلب می‌کنند و به دنبال سراب سازندگی، خود را در دام بیگانگان یا در ورطه‌ی فساد مالی و سیاسی و اخلاقی می‌افکنند. نتیجه آن است که به نام پیشرفت ظاهری کشور، انسانیت و شرف و استقلال خود را از دست می‌دهند، و غالباً حتی به سازندگی پایه‌های مادی کشور خود هم توفیق نمی‌یابند و دنیا و آخرت و ماده و معنی را یکجا فدای غفلت خود می‌کنند.

جمهوری اسلامی مدعی سازندگی کشور و نجات ایران از عقب‌ماندگی‌های دوران ستم‌شاهی است، و امروز هر گامی در راه پیشرفت علمی و صنعتی و اقتصادی

و هر اقدامی در وادی نوسازی کشور، دلیلی بر حفاقت نظام مقدس جمهوری اسلامی و شاهدی بر درستی آن مدعا است. ولی هر اقدامی در راه توسعه اقتصادی و آبادسازی کشور در صورتی با توفیق همراه خواهد بود که از تفکر و اصول اسلامی مایه بگیرد و در جهت تحکیم آرمان‌ها و ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی باشد. در این صورت است که حرکت سازندگی، حرکتی حقیقی و تضمین شده خواهد بود و کشور به توهّم سازندگی، در ورطه‌ی وابستگی و فساد مالی و سیاسی و اخلاقی نخواهد غلتید.

نمایندگان محترم مجلس پنجم باید به دقت مراقب باشند تا در تصویب برنامه‌ها و طرحهایی که مقصود از آن سازندگی کشور است به این نکته توجه کنند و همچنانکه دولت خدمتگزار و مجلس شورای اسلامی تاکنون عمل کرده‌اند، آبادانی کشور و عزت و اعتلای ملت را در پرتو ارزشهای اسلام و انقلاب دنبال کنند. هرکس به نام سازندگی، ارزشهای انقلابی را مورد بی‌اعتنایی قرار دهد، در دعوی سازندگی نیز دچار خطا و توهّم است، و هرکس به این عنوان که امروز روز عمل است، شعارهای درخشان انقلاب را تحقیر کند، مانند کسی است که بر سر شاخه نشسته و بن می‌برد. لیبرالیسم منحرف غربی که امروزه ملتهای اروپا و امریکا در فضای آلوده‌ی آن دست و پا می‌زنند و اخلاق و فضیلت و روابط انسانی و اساس خانواده و پیوند نسل جدید را با پدران و مادران و بطور کلی معنویت و ایمان خود را در سایه‌ی شوم آن فانی شده می‌یابند، در میدان سیاست و اقتصاد، توقعات نامشروعی را از نظام اسلامی و مسئولان بلند پایه‌ی آن مطرح می‌کند. وظیفه‌ی مجلس شورای اسلامی در مرتبه‌ی اول، ایستادگی در برابر این توقعات و پای فشردن بر راه روشن و صراط مستقیم اسلام و انقلاب اسلامی است. و این مهم‌ترین توقع این‌جانب و ملت بزرگ و شجاع ایران از نمایندگان منتخب مردم است.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیات وزیران / ۱۳۷۵/۰۶/۰۸

آن چیزی که در زمینه‌ی این مسائل ارزشی، خوب است که عرض کنم و باید در همه‌ی بخشها مورد توجه قرار گیرد- که البته این‌ها چیزهایی است که شاید فراگیرنده‌ی همه‌ی آنچه که لازم است در نظر باشد، نیست؛ لیکن بلاشک جزو مهم‌ترین آنهاست- یکی مسأله‌ی اعتماد به نفس مدیران و مسئولان کشور است. این، یک ارزش اساسی انقلاب ماست؛ که اگر این نباشد، به نظر من پایه‌های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد. در تمام مسئولانی که در بخشهای مختلف کشور، مشغول تلاش و کار هستند، باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی و ملت ایران و عناصر خودی این کشور، قادر هستند کشور را به بالاترین حد اعتدالی مورد نیاز و خواستش برسانند، تقویت شود. بعضا ممکن است برخی از مسئولان و بعضی از کسانی که در بخشهای مختلف مشغول کار هستند- چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی و غیره- به تحلیل‌هایی دل‌بسته باشند که دیگران- حتی مثلا یک فرد عالم یا نویسنده‌ای- در یک مجله علمی منتشر کرده باشند. این تحلیل، آن‌چنان نظرها را به خودش جلب کند که اعتماد به نفس را سلب نماید و ذهن را از آن برنامه‌های که ناشی از دیدن واقعیتها در کشور است- چون هر کشوری اقتضانات و واقعیاتی دارد- غافل کند و منصرف سازد!

بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۷۵/۱۱/۱۸

امروز ارتش در جمهوری اسلامی ایران، یک عنصر تعیین‌کننده در دفاع از ارزشهای اسلامی و انقلابی است. نیروهای مسلح- ارتش و سپاه و بسیج- کلا در کشور این گونه‌اند؛ یعنی خودشان ارکان و استوانه‌های نظام ارزشی جمهوری اسلامی هستند. البته این وضعیت، آسان به دست نیامده است. عناصر مومن در داخل ارتش، به گردن همه‌ی ارتش و بخصوص برای پدید آمدن یک چنین وضع مطلوب و رضایت‌بخشی که امروز بحمد الله دارد، حق حیات دارند. یکی از علل خشم دستگاه استکبار از جمهوری اسلامی هم همین است.

اینکه می‌بینید راجع به نظامیگری در جمهوری اسلامی، آن قدر تبلیغات مغرضانه می‌کنند، علتش این است که می‌دانند نیروهای مسلح در جمهوری اسلامی، عناصر بیکاره و بی‌اعتنای به سرنوشت این کشور و ارزشهای اخلاقی و انقلابی نیستند؛ بلکه به شدت پایبندند و در حال آماده کردن خود برای دفاع از این ارزشها هستند. این را می‌بینند و نمی‌پسندند. خشم آن‌ها در قالب تبلیغات دروغشان، خود را نشان می‌دهد. البته تبلیغاتشان واقعا دروغ است. می‌گویند ایران برای کشورهای همسایه، تهدید است. این، دروغ است. می‌گویند ایران با امنیت این منطقه، مخالف است. این، دروغ و بهتان است. نه اینکه ما بخواهیم اثبات کنیم دروغ است؛ هر انسان هوشمندی، هر انسان معمولی‌ای که با مسائل آشناست، می‌فهمد که این‌ها معنا ندارد.

بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور ذوالفقار / ۱۳۷۶/۰۷/۰۵

یکی از سازمانها و دستگاه‌های انقلابی که از آغاز انقلاب تا امروز، به طور یکنواخت و مستمر، به ارزشهای انقلابی نزدیک‌تر و با آن آمیخته‌تر شده است، بی‌شک ارتش جمهوری اسلامی ایران است. طبیعت یک سازمان حقیقتا انقلابی و مومن همین است. هر روزی که می‌گذرد، هر امکانی که پیش می‌آید و هر حادثه‌ای که در سر راه کشور واقع می‌شود، باید آن سازمان و آن افراد و آن مجموعه را به هدفهایی که نظام جمهوری اسلامی ایران ترسیم کرده است، یک‌قدم نزدیک‌تر کند. ارتش این‌گونه بوده است.

بیانات در دیدار مردم کرج / ۱۳۷۶/۰۷/۲۴

یک جریان دیگر مربوط به مسائل فرهنگی و فکری و انقلابی مردم است. این‌طور تبلیغ می‌کنند که گویا نظام جمهوری اسلامی، یا مسئولان و یا دولت، نسبت به ارزشهای انقلابی بی‌اعتنا و بی‌مبالات شده‌اند، یا به این سمت حرکت می‌کنند! تبلیغات عمده‌ی استکبار جهانی در باره‌ی ایران بر روی این دو خط قرار دارد.

بیانات در دیدار مردم کرج / ۱۳۷۶/۰۷/۲۴

این انقلاب و این ارزشهای انقلابی و این اسلام عزتبخش توانسته است این کشور را که یک روز به صورت پانداستکبار جهانی محسوب می‌شد، به عزت برساند. این تهرانی که شما مشاهده می‌کنید، یک روز محل امن صهیونیست‌هایی بود که برای تفریح، به باغهای شمال تهران می‌آمدند و در خانه‌ی اشراف و اعیان رژیم طاغوت استراحت می‌کردند، تا به فلسطین اشغالی برگردند و با برادران مسلمان فلسطینی ما با خیال راحت‌تری مبارزه کنند و به سرکوب آن‌ها بپردازند. صدها هزار اسرائیلی و امریکایی در این کشور، بر همه شئون این کشور مسلط بودند. بهترین مناطق این کشور در دست نوکران جیره‌خوار استکبار جهانی بود. بهترین مناطق و بهترین امکانات این کشور متعلق به بیگانگان بود. ارزش این ملت در صحنه‌ی بین‌المللی و سیاستهای بین‌المللی دنیا، به‌هیچ‌وجه به اندازه‌ی ارزش حتی یک کشور کوچک در فلان گوشه‌ی مناطق اروپایی و امریکایی لاتین نبود.

بیانات در دیدار جمعی از روحانیون / ۱۳۷۶/۱۰/۰۳

یک مرکز دیگر که دشمن روی آن کار می‌کند، ارزشها و پایه‌ها و اساس انقلاب است. دشمن می‌خواهد ایمان مردم به آن عاملی که توانست این حرکت عظیم و معجزآسا را تقریبا نوزده سال قبل به وجود آورد و آن را تا امروز نگه بدارد و جنگ را به نفع اسلام و مسلمین به پیروزی برساند، در دلها و ذهنها از بین ببرد. خیلی باید مراقب باشید. می‌خواهند مردم را به پایه‌ها و به اصول انقلاب و به این حرکت و نهضت عظیم و به پایه‌های جمهوری اسلامی بی‌اعتقاد و آن‌ها را متزلزل کنند. دشمنی آن‌ها با اشخاص نیست. دشمنی آن‌ها با فلان عنوان مخصوص نیست. دشمنی با اصل این حرکت عظیم است؛ دشمنی با انقلاب است. کسی که این را نفهمد، چقدر غافل است!

پیام به مناسبت حلول سال نو / ۱۳۷۷/۰۱/۰۱

بحمد الله در همه‌ی صحنه‌ها موفقیت‌های بزرگی داشتیم که شاید بتوان گفت این انتخابات، بزرگترین آن‌ها بود. در صحنه‌ی مسائل خارجی نیز همین‌طور بود. بعضی از دولت‌های اروپایی، با طرح دعاوی نامعقول، سعی داشتند جمهوری اسلامی را به عقب‌نشینی وادار کنند که ایستادگی، استقامت، درایت و تدبیر و اتکا به ارزش‌های انقلاب و اسلام و گزینش آن راهی که امام بزرگوارمان در طول ده سال اول انقلاب پیمودند، موجب شد که نتوانستند این مقصود خودشان را محقق کنند! آن‌ها عقب‌نشینی کردند و جمهوری اسلامی در آزمایش سفرای کشورهای اروپایی که یکجا از کشورمان خارج شده بودند، سربلند بیرون آمد و همه به این معنا اعتراف کردند!

پیام به گردهمایی مسئولان انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌ها / ۱۳۷۷/۰۵/۱۰

نگذارید با تضعیف ارزش‌های انقلاب و اسلام، به جبهه‌ی دشمن کمک کنید؛ و بخصوص نگذارید غفلت‌زدگانی از این قبیل، در مجموعه‌های شما یعنی در صفوف مقدم جا بگیرند. شعارهای انقلاب را که پرچم‌های راهنما در راه اعتدال و سربلندی و آبادانی این کشور است، گرمی بدارید و با همه‌ی وجود از آن دفاع کنید و سهل‌انگاری نسبت به آن را از بیگانگانی که احیاناً به لباس خودی در می‌آیند و با زبان خودی سخن می‌گویند، تحمل نکنید.

بیانات در دیدار جمعی از آزادگان / ۱۳۷۷/۰۵/۲۷

کسی که این کشور را در همه‌ی مراحل نجات می‌دهد، از دولت حمایت می‌کند، از مسئولان حمایت می‌کند، از انقلاب حمایت می‌کند، از نام امام بزرگوار حراست می‌کند، از ارزش‌های انقلاب پاسداری می‌کند، حاضر است در روز خطر بایستد؛ یعنی همین جوانان مومن، همین نیروهای حزب الله، همین بسیجیان؛ همین‌هایی که امثالشان در میدان جنگ هشت‌ساله، امتحان خودشان را دادند. قدرت ملی، قدرت این‌هاست. امروز هم بحمد الله در سرتاسر کشور ما، غلبه‌ی کامل با نیروهای مومن و علاقه‌مند به اسلام، علاقه‌مند به انقلاب، علاقه‌مند به امام، علاقه‌مند به راه جمهوری اسلامی و دشمنی با امریکا و شیطان‌های گوناگونی است که در اطراف دنیا، چشم طمع به این آب و خاک دوخته‌اند.

پیام به بنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی / ۱۳۷۷/۰۷/۱۲

دانشجوی بسیجی، پیکار فرهنگی و فکری و عقلانی را نیز مانند حضور در میدان‌های جنگ، با تکیه بر هوشمندی و تلاش و توکل به پیش می‌برد و خود را در همه حال، سرباز اسلام و انقلاب و فرزند خمینی کبیر می‌شمرد. بسیج دانشجویی در عین آنکه یک تشکل نظم‌یافته و برخوردار از سازماندهی است، نه در جناح‌های سیاسی، هضم و حل می‌شود و نه خود را رقیب سازمان‌های دانشجویی متعارف می‌شمرد. هر دانشجویی با هر سلیقه‌ی سیاسی، اگر پایبند به ارزش‌های انقلاب و آماده‌ی حضور در عرصه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی و سیاسی با استکبار و ایداد آشکار و نقابدار آن است، می‌تواند در خیل بسیجیان دانشگاه و عضوی از بسیج دانشجویی باشد.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۷/۰۸/۰۸

شما ملت ایران با این انتخابات عظیم و باشکوه، کشورتان را بیمه کردید؛ به دشمن نشان دادید که مردم در صحنه‌اند؛ به دشمن نشان دادید که مردم به آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب و دین پایبندند و به روحانیون معظم و علمای اعلام احترام می‌گذارند و برای سخن مراجع عظیم تقلید و سخن مسئولان دلسوز کشور اهمیت قائلند. این‌ها برای دشمن خیلی معنی‌دار است. تاثیری که این انتخابات گذاشت هم خود انتخابات، هم نتایجی که انتخابات خیرگان به‌رحال دارد از آن تاثیرات بسیار ماندنی و عمیق و شگفت‌آور برای دوست و دشمن است. به همین جهت هم بود که دشمن علیه این مجلس بی‌اندازه تبلیغات کرد. این‌ها قریب یک سال خرج کردند، زحمت کشیدند، تبلیغ نمودند و خواستند اهمیتش را کم کنند. مرتب گفتند تحریم می‌کنند؛ مرتب گفتند شرکت نمی‌کنند؛ اما همه‌ی آنچه که اتفاق افتاد، عکس نظر آن‌ها را ثابت کرد. ملت ایران خیلی هوشیاری نشان می‌دهد. شما برای نظام جمهوری اسلامی و برای انقلاب و کشورتان آبرو شدید. من لازم است از همه‌ی کسانی که در این حرکت عظیم مردمی نقشی ایفا کردند، صمیمانه تشکر کنم.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه / ۱۳۷۸/۰۲/۲۰

رعایت آراستگی سیمای جامعه و کشور و محیط سازندگی به ارزش‌های اسلامی و انقلابی.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه / ۱۳۷۸/۰۲/۲۰

اعتدال و عمق بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی و قرآنی، و تحکیم فکری و عملی ارزش‌های انقلاب اسلامی، و مقابله‌ی با تهاجم فرهنگی بیگانه.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس / ۱۳۷۸/۰۲/۱۰

در این مسائل خطی و خطوطی و نزاعی و دعوا و خطکشی‌ها و امثال این‌ها کاری نداریم که این‌ها درست است یا غلط است مهم این است که اگر همه‌ی اطراف قضیه که معتقد به مبانی اسلام و ارزش‌های انقلاب اسلامی و ارزش‌های اسلامند، چنانچه معیارشان همین باشد که بخواهند رضای خدا را کسب کنند، هیچ‌کدام از این‌ها به انقلاب ضرر نخواهد زد؛ اما اگر این معیار و ملاک نبود؛ دنبال رضای خدا نبودیم، دنبال هواها و هوس‌ها و خواسته‌ها و خودخواهی‌ها و خودبینی‌ها بودیم، طبیعی است که دهها و صدها مشکل به وجود خواهد آمد؛ دهها و صدها منفذ برای نفوذ دشمن به وجود خواهد آمد و خدای متعال هم ما را هدایت نخواهد کرد. اگر ما رضای الهی را هدف قرار ندهیم، از هدایت الهی هم به گمان زیاد محروم خواهیم ماند. البته یک‌وقت هم ممکن است تفضلاً لطفی در حق ما بشود، اما نمی‌توانیم دیگر به هدایت الهی مطمئن باشیم و سکون نفس داشته باشیم. این سکون نفس، آن وقتی پیش خواهد آمد که ما هدفمان را رضای خدا قرار دهیم؛ بخصوص شما برادران و خواهران عزیز نماینده، چون جای مهمی نشست‌اید، این را باید در همه جا معیار خودتان قرار دهید. در درجه‌ی اول، این مسائل دوستیها و دشمنیها را بر اساس این تفسیر کنید؛ نه اینکه رضای خدا را براساس آن‌ها توجیه کنید. شما بحمد الله در این سه سالی که بر عمر این مجلس گذشته است، کارهای بزرگی هم کرده‌اید و در این سال آینده هم کارهای بزرگ و مهمی دارید؛ برنامه‌ی سوم توسعه را دارید، برنامه‌ی قانون بودجه‌ی سال آینده را دارید؛ در همه‌ی این‌ها ملاحظه کنید که رضای الهی چیست؛ آنچه که نشانه‌ی اسلامیت و پیروی از قرآن در این نظام است، چیست؛ آن را بایستی محکم حفظ کنید و نگهدارید. خدای متعال هم کمک خواهد کرد؛ کما اینکه بحمد الله تاکنون هم شما را کمک کرده است.

پیام به گردهمایی ویژه دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی(ره) / ۱۳۷۸/۰۲/۱۲

نقش آفرینی دانشجو و دانشگاه، چه در دوران مبارزات اسلامی و چه در مقابله با فتنه‌ی گروهک‌ها پس از پیروزی انقلاب، و سپس در سال‌های دفاع مقدس، درستی نگاه امام راحل به دانشگاهیان را به اثبات رسانید و همتی را که آن حکیم فرزانه بر بنای دانشگاه مستقل، مبتکر، پیشرو و پایبند به ارزش‌های اسلام و انقلاب، گماشته بود، موجه ساخت.

بیانات در دیدار کارگزاران حج / ۱۳۷۸/۱۱/۲۶

ملت ایران توانسته است با قدرت خود، دشمن خود را گیج کند. به اظهاراتشان نگاه نکنید؛ اظهاراتی که گاهی از روی اقتدار حرفی می‌زنند که ممکن است بعضیها

را مرعوب کند. حقیقت قضیه غیر از این است. ملت زنده است؛ ملت مومن است؛ دلها با اسلام است؛ دلها با امام است. تا امروز هیچ قدرتی نتوانسته است دل‌های مردم را از محبت امام و یاد امام و تعظیم و تجلیل شهدا، شهادت و ارزشهای انقلاب خالی کند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۲۲

انقلاب، یک تحول بنیادین براساس یک سلسله ارزش‌هاست و یک حرکت به جلو محسوب می‌شود. آنچه در کشور ما واقع شد، انقلاب اسلامی است که تحول عظیمی در ارکان سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه و یک حرکت به جلو و یک اقدام به سمت پیشرفت این کشور و این ملت بود. البته در نظامی که براساس انقلاب به وجود آمد، ما از شرق و غرب الگو نگرفتیم. این نقطه‌ای بسیار مهمی است. ما نمی‌توانستیم از کسانی الگو بگیریم که نظامهای آنها را غلط و برخلاف مصالح بشریت می‌دانستیم. بحث تعصب مذهبی و دینی و جغرافیایی مطرح نبود؛ بحث این بود که پایه‌هایی که نظامهای شرقی کمونیستی آن روز بر آنها بنا شده بود که امروز در دنیا دیگر چنین هویتی وجود ندارد همچنین پایه‌هایی که نظامهای غربی بر آنها بنا شده بود، پایه‌های غلطی بود؛ لذا ما نمی‌توانستیم و نمی‌خواستیم از آنها الگو بگیریم. الگوی ما ارزشهای دیگری بود که به مقداری از آن ارزشها اشاره کردم.

اما چرا از آن دو رژیم جهانی رژیم شرقی کمونیستی و رژیم غربی سرمایه‌داری الگو نگرفتیم؟ چون رژیمهای باطلی بودند. رژیمهای کمونیست، رژیمهای مستبدی بودند که با شعار حکومت مردمی سر کار آمده بودند؛ اما اشرافی هم بودند! باینکه دم از ضدیت با اشراف‌گری می‌زدند، اما عملاً حکومتهای اشرافی بودند. از لحاظ استبداد، در نهایت درجه‌ای استبداد بودند و حاکمیت مطلق دولت بر اقتصاد، بر فرهنگ، بر سیاست و بر فعالیتهای گوناگون اجتماعی و غیره به چشم می‌خورد؛ در رژیمهای شرقی، مردم هیچ‌کاری محض بودند. بنده از نزدیک رفته بودم و این کشورها را در اواخر عمرشان دیده بودم. حتی در راس بعضی از کشورهای عقب افتاده و فقیرشان هم یک رژیم به اصطلاح و به قول خودشان کارگری سر کار بود؛ اما همان رفتارهای اشراف‌گری و همان کارهای غلط دربارهای قدیم را تکرار می‌کردند؛ نه انتخاباتی در این کشورها بود، نه رای مردمی در کار بود؛ اما به خودشان دمکراتیک هم می‌گفتند و ادعای مردمی بودن می‌کردند! مردم هیچ‌کاری محض بودند؛ از لحاظ اقتصادی، صد درصد وابسته‌ی به دولت؛ از لحاظ کارهای فرهنگی، صد درصد وابسته‌ی به دولت؛ معلوم بود که چنین رژیمهایی محکوم به فنا بود. البته چون شعارهاشان، شعارهایشان براق و جذابی بود، توانستند در اطراف دنیا جوانانی را به سمت خودشان جذب کنند و حکومتهایی تشکیل دهند؛ اما دیگر نمی‌توانستند عمری بکنند. دیدید آخرش هم به کجا رسیدند؛ بعد از چند ده سال به کلی زایل شدند. طبیعی بود که آن رژیمها برای ما قابل الگو گرفتن نبود. آن روزی که انقلاب ما پیروز شد یعنی بیست و یک سال قبل از این هیچ انقلابی در دنیا وجود نداشت که وقتی پیروز می‌شد، به همین حکومت شرقی یا مارکسیستی و یا سوسیالیستی که مرتبه‌ی رفیق‌ترش بود گرایش نداشته باشد؛ لیکن اسلام و ملت ایران و رهبر این ملت آن را رد کردند و قبول نداشتند و کنار گذاشتند.

از غرب هم نمی‌خواستیم و نمی‌توانستیم الگو بگیریم؛ چون غرب چیزهایی داشت، اما به قیمت نداشتن چیزهای مهم‌تری. در غرب، علم بود، اما اخلاق نبود؛ ثروت بود، اما عدالت نبود؛ فناوری پیشرفته بود، اما همراه با تخریب طبیعت و اسارت انسان؛ اسم دمکراسی و مردمسالاری بود، اما در حقیقت سرمایه‌سالاری بود، نه مردم‌سالاری؛ امروز هم همین‌طور است. این مطلبی که عرض می‌کنم، ادعای من نیست. من از قول فلاّن نویسنده‌ی مسلمان متعصب نقل نمی‌کنم؛ از قول خود غربی‌ها نقل می‌کنم. امروز در کشورهای غربی و در خود آمریکا، آن چیزی که به نام دمکراسی و انتخابات وجود دارد، صورت انتخابات است. باطن آن، حاکمیت سرمایه است. من مایل نیستم که از نویسندگان و کتابهایشان اسم بیاورم؛ اما خود نویسندگان امریکایی تشریح می‌کنند و می‌نویسند که انتخابات شهرداری‌ها، انتخابات نمایندگی مجلس و انتخابات ریاست جمهوری، با چه سازوکاری انجام می‌گیرد. اگر کسی نگاه کند، خواهد دید که در آنجا، آرا مردم تقریباً هیچ نقشی ندارد و آنچه که حرف اول و آخر را می‌زند، پول و سرمایه‌داری و شیوه‌های تبلیغاتی مدرن و همراه با فریب و جذاب از نظر آحاد مردم سطحی‌نگر است! اسم دمکراسی هست، اما باطن دمکراسی مطلقاً نیست. پیشرفتهای علمی در غرب بود، اما این پیشرفتهای علمی وسیله‌ای برای استثمار ملت‌های دیگر شده بود. غربی‌ها به مجرد اینکه یک قدرت علمی پیدا کردند، آن را به قدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل نمودند و به طرف شرق و غرب دنیا راه افتادند. هر جا کشوری ممکن بود رویش دست بگذارند و آن را استثمار کنند، بی‌دریغ کردند. هر جا نکردند، ممکن‌شان نشد! در غرب، آزادی بود، اما آزادی همراه با ظلم و بی‌بندوباری و افسارگریختگی. روزنامه‌ها در غرب آزادند و همه چیز می‌نویسند؛ اما روزنامه‌ها در غرب متعلق به چه کسانی هستند؟ مگر متعلق به مردمند؟! اینکه امر واضحی است؛ بروند نگاه کنند. شما در همه‌ی اروپا و آمریکا یک روزنامه‌ی قابل ذکر نشان دهید که متعلق به سرمایه‌داران نباشد! پس روزنامه که آزاد است، یعنی آزادی سرمایه‌دار که حرف خودش را بزند؛ هر کس را می‌خواهد، خراب کند؛ هر کس را می‌خواهد، بزرگ کند؛ به هر طرف می‌خواهد، افکار عمومی را بکشد! اینکه آزادی نشد. اگر یک نفر پیدا شد و علیه صهیونیسم حرف زد مثل آن آقای فرانسوی

که چند جلد کتاب علیه صهیونیستها نوشت و گفت اینکه می‌گویند یهودیان را در کوره‌های آدم‌سوزی سوزاندند، واقعیت ندارد طور دیگری با او رفتار می‌کنند! اگر کسی وابسته‌ی به سرمایه‌داران نباشد و مراکز قدرت سرمایه‌داری نباشد، نه حرفش زده می‌شود، نه صدایش به گوش کسی می‌رسد و نه آزادی بیان دارد! آری؛ سرمایه‌داران آزادند که به وسیله‌ی روزنامه‌ها و رادیوها و تلویزیون‌های خودشان، هر چه را که دلشان می‌خواهد، بگویند؛ این آزادی، ارزش نیست؛ این آزادی، ضد ارزش است. مردم را به بی‌بندوباری و به بی‌ایمانی بکشند؛ هر جا می‌خواهند، جنگ درست کنند؛ هر جا می‌خواهند، صلح تحمیلی درست کنند؛ هر جا می‌خواهند، اسلحه بفروشند. آزادی یعنی این!

طبیعی بود که برای ملتی که با جان خود و عزیزانش قیام کرده بود و در راسش یک عالم ربانی و جانشین پیامبران قرار داشت. نظام غربی نمی‌توانست الگو باشد. پس، ما الگو را نه از رژیمهای شرقی و نه از رژیمهای غربی گرفتیم؛ ما الگو را از اسلام گرفتیم و مردم ما بر اثر آشنایی با اسلام، نظام اسلامی را انتخاب کردند. مردم ما کتابهای اسلامی خوانده بودند؛ با روایات آشنا بودند؛ با قرآن آشنا بودند؛ پای منابر نشسته بودند. در این دهه‌های اخیر، روشن‌فکران مذهبی از علما، روحانیون، فضلا و دانشگاهیان کارهای زیادی کرده بودند. برای مردم یک سلسله ارزشها جافاده بود و دنبال آنها بودند. در محیط رژیم گذشته هر چه نگاه می‌کردند، از این ارزشها خیری نبود. انقلاب برای دستیابی به آن ارزشها بود. و اما این ارزشها چیست؟ من در اینجا تعدادی از این ارزشها را عرض می‌کنم. البته اگر بخواهیم این ارزشها را در یک کلمه بیان کنیم، من عرض می‌کنم اسلام؛ اما اسلام یک کلمه‌ی، مجمل است و تفصیل گوناگونی از آن می‌شود. ملت ما به دنبال ارزشهایی بود که هم‌اکنون در داخل اسلام هست و من به بخشی از آنها اشاره می‌کنم:

ارزش اول، ایمان است. مردم از هر هرک مسلمان و بی‌بندوباری و بی‌ایمانی بیزار و ناراضی بودند و می‌خواستند دلشان به ایمانی قرص باشد. ارزش بعدی، عدالت است. مردم می‌دیدند که جامعه، جامعه‌ی غیر عادلانه‌ای است. بی‌دریغ از بالا تا پایین ظلم می‌کردند؛ خودشان هم به خودشان ظلم می‌کردند. در داخل رژیم طاغوت، آنجا هم نسبت به همدیگر ظلم و بی‌عدالتی روا می‌داشتند؛ به مردم هم بی‌نهایت ظلم می‌شد. در فضاوت ظلم می‌شد، در تقسیم ثروت ظلم می‌شد، در کار ظلم می‌شد، به شهرهای دور دست ظلم می‌شد، به آدم‌های ضعیف ظلم می‌شد. همه جا ظلم محسوس بود و انسان با پوست و گوشت خودش ظلم را حس می‌کرد. مردم به دنبال عدالت و رفع شکاف طبقاتی و رفع فقر بودند. این هم یکی از ارزشهایی بود که مردم دنبالش بودند. این مقوله‌ی دیگری غیر از عدالت است. در جامعه، کسی یا مجموعه‌ای در اوج غنا و برخورداری؛ اما یک عده‌ی دیگر از اولیات زندگی محروم. این چیزی است که هرکسی از آن مشتمل می‌شود و آن را نمی‌پسندد. مردم به دنبال رفع شکاف طبقاتی و نزدیک کردن فاصله‌ها بودند. ما مثل کمونیستها ادعا نمی‌کردیم که همه بیابان‌خور دولت شوند و ما به همه حقوق مساوی بدهیم؛ نه. اما شکاف طبقاتی به این صورت و با این عمق، برای مردم و انقلابیون مسلمان و برای رهبر آنها قابل قبول نبود.

رژیم طاغوت و رژیمهای قبل از آن در ایران، مردمی نبودند. مردم هیچ‌کاره بودند. یک نفر به کمک انگلیس‌ها آمده بود، در تهران کودتا کرده بود و خودش را پادشاه نامیده بود. بعد هم که خواست از ایران برود یعنی خواستند او را ببرند؛ چون پیر شده بود و به دردشان نمی‌خورد پسرش را جانشین خودش کرد! آخر این پسر کیست و چیست؟! پس مردم چه کاره‌اند و رای آنها چیست؟! این‌ها اصلاً مطرح نبود. قبل از آنها هم قاجاریه بودند. یک فاسد می‌مرد، یک فاسد دیگر به جای خودش می‌گذاشت. مردم در اداره و تعیین حکومت، هیچ‌کاری محض بودند. مردم این را نمی‌پسندیدند. مردم می‌خواستند که حکومت متعلق به آنها باشد؛ برخاسته‌ی از آنها باشد؛ رای آنها در آن اثر داشته باشد.

ارزش بعدی، دین‌داری است. مردم می‌خواستند متدین باشند. آن رژیم گذشته در همه جا در محیط جامعه، در سربازخانه، در دانشگاه و در مدرسه سعی می‌کرد مردم را به بی‌دینی سوق دهد؛ اما مردم نمی‌خواستند. مردم متدین بودند. مردم نشان دادند که ایمان و اعتقاد به اسلام، تا اعماق جان آن‌ها نفوذ دارد.

ارزش دیگر، دوری از اسراف و تجمل در سطح زمامداران است. البته تجمل و اسراف در همه جا بد است؛ اما آن چیزی که مردم را وادار می‌کرد که نسبت به این قضیه حساسیت نشان دهند، رفتارهای مسرفانه و متجملانه و ولخرجیها با مال مردم در سطح حکومت بود. این از آن چیزهایی بود که مردم نمی‌خواستند. نظام اسلامی بر اساس این ارزش به وجود آمد که چنین چیزی نباشد.

ارزش دیگر، سلامت دینی و اخلاقی زمامداران است. مردم می‌خواستند کسانی که در راس جامعه‌اند، متدین باشند؛ فاسد نباشند؛ اخلاقشان فاسد نباشد؛ رفتارشان فاسد نباشد؛ خودشان فاسد نباشند؛ دوروبری‌هایشان فاسد نباشند، که آن روز بودند!

رواج اخلاق فاضله، یکی دیگر از ارزشها بود. مردم مایل بودند که اخلاق نیک و خلیقات اسلامی پسندیده در بین آن‌ها شیوع پیدا کند و برادری، محبت، همکاری، صبر، اغماض، بخشش، دستگیری از ضعفا و کمک به ضعفا و گفتن حق بین آن‌ها رایج شود.

آزادی فکر و بیان هم یکی از ارزشهای انقلاب بود. مردم می‌خواستند آزادی فکر کنند. آن روز، آزادی فکر، آزادی بیان و آزادی تصمیم‌گیری هم نبود. مردم این را نمی‌خواستند؛ می‌خواستند این آزادیها باشد.

یکی دیگر از ارزشها، استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی است. مردم می‌خواستند که این کشور از لحاظ سیاسی، محکوم فلان رژیم اروپایی یا امریکا نباشد؛ از لحاظ اقتصادی، اقتصادش وابسته به کمپانیهای جهانی نباشد که هر کاری می‌خواهند، با این کشور بکنند. از لحاظ فرهنگی، با فرهنگ عمیق و غنی‌ای که دارد، کورکورانه تابع و دنباله‌رو فرهنگ بیگانه نباشد.

ارزشها که می‌گوییم، یعنی دین، ایمان، استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، آزادی فکر، رواج اخلاق فاضله، حکومت مردمی، حکومت صالح و انسانهای برخوردار از دین و تقوا در راس کارها، ابزار تحقق این خواسته‌ها چه بود؟ روح ایمان و جهاد و فداکاری و ایثار همین مردم مومن. آن چیزی که توانست این بنای رفیع و این بنای اسلامی را بعد از قرن‌ها در این مملکت استوار کند، چه بود؟ آن عبارت بود از اینکه ارزشهایی از این قبیل که عرض کردیم پایه بنای نظام جدید باشد و زندگی نوینی در این منطقه از عالم براساس این ارزشها به وجود آید. برای این‌ها مردم فداکاری کردند و جان خود و فرزندان‌شان را در معرض جهاد فی سبیل الله و شهادت قرار دادند و بسیاری هم شهید شدند. مردم می‌دانستند چه می‌خواهند؛ مردم دنبال این ارزشها بودند. من بعدا عرض خواهم کرد که همه‌ی این ارزشها در جامعه قابل تحقق است و آنچه به‌وسیله‌ی نظام اسلامی به وجود آمد، آن مقداری بود که هیچ‌کس گمان آن را هم نداشت و تصور آن را هم نمی‌کرد.

البته ما امروز چون خودمان را با وضعیت مطلوب مقایسه می‌کنیم، بسیار عقیمیم؛ اما اگر با آن وضعیتی که در آن روز بود، با آن وضعیتی که در جاهای دیگر بود، مقایسه کنیم، آن وقت می‌بینیم که این نظام بسیار با توفیق توانست در این میدان حرکت کند و این انقلاب حقیقتاً کارایی نشان داد و مردم همین را می‌خواستند. آن وقت بروند بنشینند بگویند که مردم نمی‌دانستند چه می‌خواهند! نخیر؛ مردم می‌دانستند. مردم اسلام را می‌خواستند. اسلام، فقط نماز خواندن و سجده کردن نیست آن‌ها هم جزو اسلام است اسلام یعنی بنای یک نظام اجتماعی و یک زندگی عمومی برای یک ملت، بر پایه‌های مستحکمی که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت آن‌ها را تامین کند. می‌تواند علم و پیشرفت و صنعت و ثروت و رفاه و عزت بین‌المللی و همه چیز را برای آن‌ها فراهم کند. مردم دنبال این بودند.

کسانی که خودشان اسلام را نه می‌شناختند و نه ته دلشان چنان اسلامی را می‌خواستند؛ حد اقلش این بود که جرات نمی‌کردند به رژیمهای طاغوتی غربی پشت کنند یا بی‌اعتنایی کنند؛ امروز می‌نشینند و این طرف آن طرف می‌گویند که مردم در رفراندوم جمهوری اسلامی نمی‌دانستند چه می‌خواهند! چطور نمی‌دانستند چه می‌خواهند؟! مردم اگر نمی‌دانستند، چگونه هشت سال جنگ تحمیلی را با فداکاریهای خودشان پیش بردند؟! چیزی را که نمی‌دانند، چطور برایش فداکاری می‌کنند؟! مردم خوب می‌دانستند چه می‌خواهند؛ امروز هم خوب می‌دانند چه می‌خواهند.

این ارزشهایی که در جامعه هست و پایه‌ی نظام اسلامی است، باید اولاً یکجا پذیرفته شود. اگر بعضی از این‌ها را قبول داشته باشیم، بعضیها را قبول نداشته باشیم، کار ناقص است. اگر به بعضی اهمیت دهیم، به بعضی اهمیت ندهیم، مقصود حاصل نخواهد شد. ثانیاً خود انقلاب، حرکت و تحول و رفتن به جلوس، بر پایه‌ی این ارزشها جامعه باید حرکت کند، تحول پیدا کند و به جلو برود. باید روز به روز روشهای غلط را اصلاح کند و یک‌قدم جدید بردارد تا بتواند به نتیجه برسد. عزیزان! انقلاب یک امر دهقی نیست؛ یک امر تدریجی است. یک مرحله‌ی انقلاب که تغییر نظام سیاسی است، دهقی است؛ اما در طول زمان، انقلاب باید تحقق پیدا کند. این تحقق چگونه است؟ این تحقق به آن است که آن بخشهایی که عقب مانده و تحول پیدا نکرده است، تحول پیدا کند و روز به روز راههای جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و روشهای جدید، در چارچوب و بر پایه‌ی آن ارزشها در جامعه به وجود بیاید و پیش برود، تا آن ملت بتواند با نشاط و با قدرت به سمت هدف خودش حرکت کند. برگشت، غلط است؛ عقبگرد، خسارت است؛ اما ایستادن هم غلط است؛ باید حرکت کرد و به جلو رفت.

و اما این پیشرفت‌ها در کجاست؟ این تحولی که می‌گوییم باید به وجود بیاید و این حرکت به جلو در کجاست؟ در همه‌ی مناطق مربوط به زندگی جامعه. قوانین، تحول پیدا می‌کند و باید روز به روز بهتر و کامل‌تر شود. در فرهنگ و در اخلاق عمومی مردم، روز به روز بایستی تحول صورت گیرد و پیشرفت حاصل گردد. در نظام علمی و آموزشی کشور، در فعالیتهای اقتصادی، در هنر، در امور حکومت و اداره‌ی کشور، حتی در حوزه‌های علمی، بایستی انسانهای بافکر و شجاع و روشن‌بین، روز به روز روشهای جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و آرمان‌های جدید را دنبال کنند. اساس، همان ارزشهاست. در چارچوب همان ارزشها پیش بروند و تحولات را به وجود آورند. آن وقت انقلاب، یک انقلاب کامل و روز به روز می‌شود و تمام شدنی هم نیست. این تکامل، تمام شدنی هم نیست؛ یعنی هر ده سال، بیست سال یک‌بار، اگر انسان به کشور نگاه کند، خواهد دید که در بخشهای مختلف، پیشرفت و ترقی ایجاد شده است.

پس، سه عنصر در اینجا لازم شد. دلم می‌خواهد که جوانان بیشتر به این نکات توجه کنند. بخصوص عناصری که در زمینه‌ی فعالیتهای سیاسی تاثیرگذارند، درست توجه کنند. سه عنصر در اینجا اساسی است: یکی اینکه ارزشهایی که انقلاب براساس آن‌ها پدید آمده است، مورد توجه باشد و به شدت از آن‌ها حراست شود. دوم اینکه این ارزشها را باهم ببینند. این‌طور نباشد که یکی به استقلال سیاسی و فرهنگی و اقتصادی توجه کند، اما به دین‌داری توجه نکند؛ یا به دین‌داری توجه کند، اما به آزادی فکر توجه نکند؛ یا به آزادی فکر و بیان توجه کند، به حفظ دین و ایمان مردم توجه نکند. اگر این‌طور باشد، کار ناقص انجام می‌گیرد. باید به همه‌ی مجموعه ارزشها توجه شود. بالاتر از همه، دستگاه‌های حکومتی هستند که باید به تمام این ارزشها توجه کنند و همه‌ی آن‌ها را مورد حفاظت و حراست قرار دهند. عنصر سوم، حرکت به جلو است. رکود و سکون و سکوت موجب می‌شود که جمود و تجرد و کهنگی به وجود آید و ارزشها کارایی خودش را از دست بدهد. کهنگی، دنباله‌اش ویرانی است. اگر بخواهند کهنگی به وجود نیاید، باید پیشرفت و حرکت به جلو باشد. این حرکت به جلو، همانی است که من در روز تاسوعا از آن به «اصلاحات انقلابی» تعبیر کردم. اگر اصلاحات، پیشرفت و نوآوری براساس ارزشهای انقلاب نباشد، جامعه دچار ناکامی خواهد شد. این، آن اصول اساسی است. به ارزشها توجه کنیم؛ در ارزشها تعیض قائل نشویم، در چارچوب ارزشها تحول و حرکت به جلو را با جدیت تمام دنبال کنیم.

البته به‌طور طبیعی در جامعه کسانی هستند که به بعضی از این سه رکن توجه می‌کنند، اما به بعضی دیگر توجه نمی‌کنند. بعضی افراد هستند به ارزشها توجه می‌کنند، اما به پیشرفت و تحول توجه پیدا نمی‌کنند. بعضی هم بعکس، به تحول و پیشرفت توجه پیدا می‌کنند از تغییر و نوآوری صحبت می‌کنند اما به رعایت ارزشها توجه لازم را نمی‌کنند. نه اینکه قبول ندارند قبول هم دارند اما مسالهی اولشان، مسالهی ارزشها نیست؛ مسالهی پیشرفت و تغییر و تحول می‌شود. یک عده هم بعکس، نه اینکه به تحول عقیده نداشته باشند، اما مسالهی اولشان حفظ ارزشهاست. در زمینه‌ی ارزشها، یکی به مسالهی تدين و ایمان مردم بیشتر توجه پیدا می‌کند؛ یکی به مسالهی استقلال کشور از کمند تصرف قدرت‌ها بیشتر توجه می‌کند؛ یکی به مسالهی آزادی توجه بیشتری پیدا می‌کند؛ یکی به مسالهی اخلاق توجه بیشتری پیدا می‌کند. البته این امری طبیعی است که اشکالی هم ندارد. بهترش این است که همه به همه‌ی اجزا توجه کنند؛ اما اگر یک عده به یک بخش توجه پیدا کردند، یک عده به یک بخش دیگر توجه پیدا کردند؛ بسیار خوب، این‌ها می‌توانند مکمل هم باشند. کسانی که در جامعه به ارزشها اهمیت می‌دهند، این‌ها مکمل کسانی هستند که به تحول و پیشرفت اهمیت می‌دهند. مکمل کسانی شوند که به ارزشها توجه پیدا می‌کنند.

البته اختلاف به وجود می‌آید، اما این اختلاف مهم نیست. ممکن است کسانی که به ارزشها بیشتر توجه دارند، به کسانی که به تحول بیشتر توجه دارند، بتازند که شما به ارزشها بی‌اعتنایی و بی‌احترامی می‌کنید؛ یا آن کسانی که به تحول اهمیت بیشتری می‌دهند، به کسانی که به تحول کمتر توجه می‌کنند، ولی به ارزشها توجه بیشتری می‌کنند، بگویند شما به پیشرفت و ترقی و به جلو رفتن اعتنایی ندارید و ایستایی را ترویج می‌کنید. این‌ها در جامعه هست و یا ممکن است پیش بیاید؛ اما اشکالی ندارد و مهم نیست. باید همدیگر را تحمل و قبول کنند. وقتی که اساس را که ارزشها و حرکت در چارچوب این ارزشهاست همه به‌طور کلی قبول دارند، اینکه حالا یک عده کمتر به یک بخش توجه می‌کنند و بیشتر به بخش دیگر توجه می‌کنند، چندان اهمیتی پیدا نمی‌کند. دعوا نباید بشود. مرزی که بین این‌ها وجود دارد، یک مرز واقعی و یک مرز تعیین‌کننده نیست. می‌توانند باهم یک وحدت عمومی را تشکیل دهید؛ هویت کلی جامعه اسلامی و انقلابی را تشکیل دهند و در

واقع مثل دو «جناح» عمل کنند. دو جناح، یعنی دو بال یک پرنده. اگر هر دو بال یک پرنده خوب حرکت کند، پرنده بالا و پیش خواهد رفت. کسانی که پایبند به ارزشهایند، اگر این پایبندی را خوب حفظ کنند البته به تحول هم بی‌اعتنا نباشند کسانی هم که پایبند و دل‌بسته‌ی تحول و پیشرفت و رو به جلو رفتن و تغییر و تبدیلند، اگر این را حفظ کنند البته به ارزشها هم توجه داشته باشند جامعه از هر دو سود خواهد برد و هر دو جناح به نفع جامعه عمل خواهند کرد و در واقع انقلاب را تکمیل می‌کنند و پیشرفت را در سایه‌ی ارزشها تحقق می‌بخشند و می‌توانند خوب باشند.

البته آن چیزی که می‌تواند همه‌ی این ارزشها را مورد نظر قرار دهد و در همه‌ی زمینه‌ها پیشرفت را شامل حال همه‌ی آنها کند، چیزی است که در قانون اساسی و در فقه ما پیش‌بینی شده است و آن این است که یک فقیه عادل زمان‌شناسی در جامعه حضور داشته باشد که انگشت اشاره و هدایت او بتواند کارها را پیش ببرد.

چرا فقیه باشد؟ برای اینکه ارزشهای دین و ارزشهای اسلامی را بشناسد. بعضی ممکن است آدمهای خوبی باشند، اما باین آشنا نباشند و نتوانند آنچه را که مفاد قرآن و سنت و حدیث و مفاهیم دینی است، درست درک کنند. ممکن است اشتباه کنند و غرضی هم نداشته باشند. پس، باید فقیه باشد.

چرا باید عادل باشد؟ برای اینکه اگر او از وظیفه تخلف کند، ضمانت اجرا از دست خواهد رفت. او اگر به فکر خودش باشد، به فکر دنیا باشد، به فکر کامجویی خودش باشد، به فکر قدرت‌طلبی باشد، به فکر حفظ مسند باشد، آنوقت آن ضمانت لازم برای سلامت این نظام باقی نخواهد ماند. لذا اگر از عدالت افتاد، بدون اینکه لازم باشد کسی او را عزل کند، خودش معزول است.

چرا زمان‌شناس باشد؟ برای اینکه اگر زمان‌شناس نباشد و دنیا را نشناسد، فریب خواهد خورد. باید زمان‌شناس باشد، تا دشمن را بشناسد، تا حیل‌ها و ترفندها را بشناسد، تا بتواند در مقابل ترفندها آنچه را که لازمی وظیفه و مسئولیت اوست، آن را تدارک ببیند و انجام دهد. این سازوکارها لازم، در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. این آن چیزی است که مطلوب است.

البته امروز در نظام اجتماعی ما، آن جناحهایی که من عرض کردم که بعضی بیشتر به ارزشها توجه می‌کنند، بعضی به تحول و پیشرفت توجه می‌کنند همدیگر را کمتر تحمل می‌کنند! اگر همدیگر را بیشتر از آنچه که امروز تحمل می‌کنند، تحمل کنند، وجود دو جناح نه فقط مضر نیست، بلکه مفید هم هست. می‌توانند به هم کمک کنند و مکمل یکدیگر باشند. مطلوب این است که همه به همه‌ی اجزای لازم توجه داشته باشند و عمل کنند. اما اگر هم نشد و عده‌ای به این بخش، عده‌ای هم به آن بخش توجه کردند، لاقابل با یکدیگر دشمنی نکنند.

خطرهایی در اینجا وجود دارد. مهم این است که به خطرها توجه شود. هر دو طرف قضیه را خطرهایی تهدید می‌کند. آن‌هایی که به ارزشها توجه می‌کنند و تحول و تغییر و پیشرفت را ندیده می‌گیرند، خطر تخریب‌شان می‌کند؛ باید مراقب باشند. آن‌هایی که به تحول و تغییر توجه می‌کنند و ارزشها را در درجه‌ی اول قرار نمی‌دهند، خطر انحراف برایشان وجود دارد؛ این‌ها هم باید مراقب باشند. هر دو طرف باید مواظب باشند. مبادا گروه اول دچار جمود و تخریب شود. مبادا گروه دوم دچار انحراف و زمینه‌سازی برای دشمن و مخالفان اساس ارزشها شود. اگر دو گروه این توجه را داشته باشند، آنوقت جامعه می‌تواند جامعه‌ای باشد که با همان وحدتی که مورد نظر و لازم است، زندگی خودش را به سمت تکامل و تعالی‌ای که اسلام برای او در نظر گرفته، پیش ببرد.

پس یک خطر، عبارت شد از اینکه دو جناح و دو طرف، خودشان غفلت کنند و دچار خطر شوند. اما خطر بزرگتر از این هم وجود دارد. آن چیست؟ آن خطر نفوذ است. از هر دو طرف ممکن است افرادی نفوذ کنند. گاهی یک دشمن از هر دو طرف نفوذ می‌کند؛ از آن طرف به عنوان ارزش‌گرایی می‌آید و با هرگونه تحولی مخالفت می‌کند؛ حتی با راههای رفته هم مخالفت می‌کند و می‌خواهد حرکت انقلابی را برگرداند. از این خطرناک‌تر، این طرف قضیه است؛ به عنوان تغییر و تحول و پیشرفت، کسانی بیایند که با اساس ارزشها و با اصل اسلام و با اصل تدین مردم و با اصل عدالت اجتماعی مخالفند؛ دچار همان سرمایه‌سالاری غربی‌اند؛ دنبال کیسه دوختن‌اند؛ با اصل رفع تبعیض طبقاتی مخالفند؛ با نام دین هم مخالفند، و لو به زبان نیاورند! این‌ها به نام تحول، به نام تغییر، به نام پیشرفت، به نام اصلاح، بیایند وارد میدان شوند و میدان‌داری کنند. این‌ها ممکن است در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند. اگر این‌گونه آدم‌های بیگانه و غریبه در بدنه‌ی اقتصادی جامعه نفوذ کنند، البته خطرناک است؛ چون اقتصاد و مال و ثروت در جامعه مهم است و باید دست انسانهای امین باشد. اما از آن خطرناک‌تر این است که بیایند در مراکز فرهنگی نفوذ کنند؛ ذهن مردم، ایمان مردم، باورهای مردم، خط سیر صحیح مردم را قبضه کنند و در اختیار بگیرند. همان چیزی اتفاق بیفتد که در صحنه‌ی مطبوعات و صدا و سیما دنیای غرب اتفاق می‌افتد؛ یعنی سرمایه‌سالاری. همچنان که رادیوها و تلویزیون‌های بین‌المللی امپراتوری خبری دنیا در دست سرمایه‌دارهاست، این‌ها به داخل کشور ما بیایند و مراکز فرهنگی را هم تصرف کنند و از طریق فرهنگی بخواهند اثر بگذارند. این همان چیزی است که بنده چند سال قبل از این، نشانه‌های آن را در گوشه و کنار مشاهده کردم و «تهاجم فرهنگی» را گفتم. بعضی پذیرفتند، بعضی هم اصلش را انکار کردند و گفتند اصلاً تهاجم فرهنگی وجود ندارد!

اگر کسانی بیایند با عدم اعتقاد به اساس ارزشها، دم از تحول بزنند؛ معلوم است که تحول مورد نظر آن‌ها چیست! تحول مورد نظر آن‌ها، یعنی تحول نظام اسلامی به نظام غیر اسلامی! تحول مورد نظر آن‌ها، یعنی حذف نام اسلام، حذف حقیقت اسلام و حذف فقه اسلامی! اتفاقاً ما بعضی از این‌ها را هم می‌شناسیم. حالا بعضی که از تفاله‌ها و پس‌مانده‌های رژیم گذشته‌اند که در آن رژیم خوردند و چریدند و گوشت حرام بالا آوردند؛ بعد هم توانستند خودشان را در لابلای جماعت مردم جا بزنند و حالا بتوانند نفسی تازه کنند و سر بلند کنند و ادعای آزادی و مردم‌سالاری و دموکراسی کنند؛ همان کسانی که عملی ظلم و جور دستگاهی بودند که بیش از پنجاه سال بر این مملکت حکومت کردند و یک‌دوره مردم‌سالاری در آن پنجاه سال نبود؛ حالا همین کسانی که با همه‌ی وجود برای آن رژیم کار کردند، بیایند شعار اصلاحات بدهند! این اصلاحات معنایش چیست؟! این اصلاحات، یعنی همان اصلاحات آمریکایی! یعنی حالا که شما ملت ایران دست آمریکا را قطع کردید، بیایید برگردید و روشن‌تان را اصلاح کنید؛ اجازه بدهید اربابان آمریکایی به داخل تشریف بیاورند و بازم زمام اقتصاد و فرهنگ و اداره‌ی امور کشور را به دست گیرند! یک عده هم کسانی هستند که مال آن رژیم نیستند؛ اما از اول انقلاب، بلکه بعضی پیش از انقلاب، نشان دادند که به اداره‌ی کشور برطبق احکام اسلام از بن دندان عقیده‌ای ندارند. آن‌ها اسم اسلام را می‌خواهند و اسم اسلام را دوست می‌دارند. دشمن اسلام به آن معنا هم نیستند؛ اما مطلقاً اعتقادی به فقه اسلامی، به احکام اسلامی و به حاکمیت اسلامی ندارند. معتقد به همان روشهای فردگانه. اوایل انقلاب هم یک عده از همین‌ها توانستند امور را قبضه کنند و در دست گیرند. اگر امام به داد این انقلاب نمی‌رسید، همین آقایان، خشک خشک انقلاب و کشور را به دامن آمریکا برمی‌گرداندند! این‌ها هم دم از اصلاح می‌زنند؛ گاهی دم از اسلام هم می‌زنند؛ اما در کنار کسانی قرار می‌گیرند که شعار ضدیت با حکومت اسلامی، شعار سکولاریزم و حکومت منهای دین و حکومت غیر دینی و حکومت ضد دینی و لائیسزم را می‌دهند! بیادست که این‌ها نفوذینند. این‌ها جزو آن دسته‌ای نیستند که ارزشها را قبول دارند و معتقد به تحولند؛ نه. این‌ها نفوذینند؛ این‌ها بیگانه و غریبه‌اند. بنده چند ماه قبل از این در همین منبر نماز جمعه بحث «خودی» و «غیر خودی» را مطرح کردم؛ اما فریاد بعضیها بلند شد که چرا می‌گویید «خودی» و «غیر خودی»! بله، این‌ها غیر خودی‌اند؛ این‌ها انقلاب و اسلام و ارزشها را قبول ندارند؛ جناحهای خودی باید حواسشان را جمع کنند.

من دو، سه نکته‌ی دیگر را در اینجا عرض می‌کنم: نکته‌ی اول این است که هم آن بیگانه‌ها، هم پشتیبانان خارج از کشورشان، هم سرویسهای جاسوسی، هم

آن‌هایی که در رادیوها پشتیبانی تبلیغاتی برایشان می‌کنند، هم آن‌هایی که احتمالاً به صورت آشکار یا پنهان پول حواله‌ی آنها می‌کنند، این‌ها بدانند که این انقلاب اجازه نخواهد داد، بنده تا مسئولیت دارم و تا نفس می‌کشم، اجازه نخواهم داد که این‌ها با مصالح این کشور بازی کنند. بنده کسی نیستم؛ این را هم بدانند؛ من هم که نباشم، هرکس دیگری در این مقام و مسئولیت باشد، همین‌طور است. غیر از این امکان ندارد. آن دست ملکوتی و الهی که اصل ولایت فقیه را در قانون اساسی گذاشت، فهمید چه کار می‌کند. آن کسی که در این مسند هست، اگر همین دفاع از مصالح انقلاب و مصالح کشور و مصالح عالی‌ه کت اسلامی و مصالح مردم و این روحیه و این عمل را نداشته باشد، شرایط از او سلب شده است؛ آن وقت صلاحیت نخواهد داشت؛ لذاست که شما می‌بینید با همین اصل مخالفند؛ چون می‌دانند که مسئله، مسأله‌ی اشخاص نیست. زیدی یا این نام، این مسئولیت را به عهده گرفته است؛ البته با او دشمنند، اما می‌دانند که مسئله با او تمام نمی‌شود؛ او هم نباشد، یکی دیگر باشد، بازهم قضیه همین است؛ لذا با اصلش مخالفند. بدانند تا وقتی که این اصل نورانی در قانون اساسی هست و این ملت از بن دندان به اسلام عقیده دارند، توطئه‌های این‌ها ممکن است برای مردم دردسر درست کند؛ اما نخواهد توانست این بنای مستحکم را متزلزل سازد. حرف من خطاب به جناح‌ها این است: برادران عزیز! خوبشاوندان! بیایید مرزهای جدید و نویی را تعریف کنید. نظام اسلامی به ایمان این خیل عظیم مردم متکی است. ممکن است از لحاظ سیاسی، یک عده از مردم به یک جناح، یک عده هم به یک جناح دیگر معتقد باشند اما به اسلام معتقدند. خیال نکنند آن روزی که آن جناح در انتخابات برنده می‌شود، یک طور است؛ آن روزی که آن جناح دیگر برنده می‌شود، طور دیگری است؛ نه. این‌ها مذاق‌ها و مسلک‌های سیاسی و تشخیص‌های سیاسی است. اعتقاد به اسلام متعلق به این مردم است. مردم آن کسی را انتخاب می‌کنند، آن کسی را به آن مرکز قدرت چه مجلس، چه ریاست جمهوری، چه جاهای دیگر؛ هر جا که جای انتخاب است می‌فرستند که معتقدند براساس ارزش‌های اسلامی می‌خواهد این مملکت را از فقر و تبعیض و بی‌عدالتی و بقیه‌ی ضعف‌هایی که دارد، نجات دهد. مردم دنبال اسلامند. این دو جناحی که در داخل نظام قرار دارند، مرزهای جدیدی را تعریف کنند. اولاً مرز بین خودشان را کم‌رنگ کنند و قدری بیشتر باهم گرم بگیرند؛ ثانیاً مرزشان را با آن بیگانه‌ها آشکارتر و واضح‌تر کنند.

بینید، بحث اینکه حکومت و دولت با مخالفان نظام چگونه رفتار می‌کند، یک بحث است؛ اما این بحث که فلان جناح سیاسی داخل نظام، مواضع خود را در مقابل مخالف چگونه تعریف می‌کند، یک حرف دیگر است. ما به عنوان حکومت، این مخالفی که در داخل جامعه وجود دارد و لو مخالف نظام هم هست تا وقتی که توطئه و معارضا نکرده است، جان و مال و عرض و

ناموس و حیثیت او امانت است؛ ما باید از او دفاع کنیم و می‌کنیم. اگر دزدی در خیابان رفت و دزدی کرد، ما نمی‌پرسیم که خانه‌ی موافق نظام را دزدی کرده است یا خانه‌ی مخالف نظام را؛ از هرکس دزدی کرده باشد، مجازاتش می‌کنیم. کسی که به طور غیر قانونی قتل نفس کند، ما نمی‌گوییم چه کسی را کشته است؛ اگر غیر قانونی کشته باشد، باید مجازات شود؛ فرقی نمی‌کند. آن وقت که می‌خواهیم پلیس و مأمور امنیت را مأمور کنیم که برود امنیت را حفظ کند، نمی‌گوییم برو امنیت را در آن منطقه و خانه و شهری که مردم آن بیشتر معتقد به نظامند، حفظ کن؛ نه. حکومت نسبت به همه‌ی آحاد مردم وظیفه‌ای دارد؛ مسلمان باشند، غیر مسلمان باشند؛ موافق نظام باشند، مخالف نظام باشند؛ تا وقتی به معارض و توطئه‌کننده و برخوردکننده و عامل دشمن تبدیل نشده‌اند، رفتار حکومت با آن‌ها، رفتاری مثل مومنین و مثل بقیه‌ی مردم است و هیچ تفاوتی ندارد. این یک حرف است؛ اما رفتار جناح‌های سیاسی، غیر از رفتار حکومت است. جناح‌های سیاسی باید موضعشان را مشخص کنند. باید صریحاً نسبت به آن کسی که با اسلام مخالف است، با انقلاب مخالف است، با راه امام مخالف است، با اساس اسلامی برای این نظام مخالف است، موضع و مرزهایشان را روشن کنند. همین‌طور در مقابل کسانی هم که علی‌الظاهر متدینند، اما به تحول انقلاب و به اصل انقلاب هیچ اعتقادی ندارند متحجران و جامدان باید مرزهایشان را مشخص کنند. نمی‌گوییم جنگ و دعوا و مبارزه کنند؛ اما موضع خود را مشخص کنند. این حرف ما به جناح‌های سیاسی است.

البته آحاد مردم موضعشان روشن است. خطاب من، خطاب به آحاد مردم نیست؛ آحاد مردم می‌دانند. من آن روز هم عرض کردم که واقعا هیچ شکوه‌ای از این ملت عظیم و شجاع و مومن و سلحشور و انقلابی و با وفا و پرگذشت و صمیمی نیست. آنچه که توقع هست، از این اثرگذاران سیاسی است؛ از کسانی است که می‌نویسند؛ از کسانی است که می‌گویند. نباید بگذارند که آنچه دشمن می‌خواهد، انجام بگیرد.

امروز اساس حرکت دشمن علیه این نظام، یک حرکت بازهم فرهنگی و روانی است. می‌خواهند مردم را به آینده‌ی این کشور بدبین و ناامید کنند. می‌خواهند مردم را به انقلاب بدبین کنند. می‌خواهند مردم را به دولتمردان بدبین کنند. می‌خواهند مردم را به مسئولان متدینی که در بخش‌های مختلف هستند در قوه‌ی مجریه، در قوه‌ی قضائیه، در قوه‌ی مقننه بدبین کنند. می‌خواهند بین مسئولان جدایی بیندازند و تقار ایجاد کنند. می‌خواهند تصویر تاریکی از آینده درست کنند. آنچه که موجب شد من از مطبوعات گله و شکایت کنم، این است. آن مطبوعات فاسد، درست همین کارها را می‌کردند؛ تصویر از آینده، تصویر کج، معوج، نومی‌کننده، تصویر از وضع فعلی؛ تصویر خلاف واقع، ایجاد جو تشنج در جامعه، ایجاد بدبینی در قشرها نسبت به یکدیگر. بعضی‌شان حتی در پی ایجاد این فکر که مسئولان کارایی ندارند! این هم از آن غلط‌هاست؛ نه. دولت کارایی دارد، امکانات دارد و می‌تواند کارهایی را بکند و مشغول هم هستند و به فضل پروردگار وظایف خودشان را انجام می‌دهند. خواست دشمن همین‌هایی بود که عرض کردم. ناپستی هیچ‌کس به این کمک کند.

همه‌ی کسانی که در صحنه‌ی سیاسی کشور حضور دارند، به ارزش‌ها و پایه‌های اساسی این انقلاب اعتماد کنند. بدانید آن چیزی که می‌تواند این کشور را نجات دهد، همان چیزهایی است که همه در اسلام مندرج است و اسلام است که می‌تواند. خوشبختانه امروز مسئولان کشور انسان‌های کارآمد و مومنی هستند. من بازهم مجدداً عرض می‌کنم که مسئولان کشور، روسای قوا، رئیس‌جمهور، بسیاری از اجزا دولت البته من به بعضی از اجزا دولت ایراد دارم و معتقدم که وظایفشان را یا درست نمی‌شناسند و یا درست پایبندی نشان نمی‌دهند اعضای مجلس و ان شا الله به فضل الهی مجلس آینده، این‌ها کسانی هستند که می‌توانند این امید را در مردم تقویت کنند که آینده در این کشور، آینده‌ی خوبی خواهد بود و نیروهای این مردم ان شا الله در خدمت به بنا و سازندگی مادی و معنوی این کشور به راه خواهد افتاد و به فضل پروردگار دشمن نخواهد توانست این مردم را از ادامه‌ی این مسیر بازدارد و مردم نخواهند گذاشت که تسلط اهریمنی و جهنمی بیگانگان متجاوز و پرتوقع مجدداً به این کشور برگردد.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک / ۱۳۷۹/۰۸/۲۲

امروز رادیوهای بیگانه همه‌ی تلاششان این است که اختلافات جناحی را مرتب تشدید کنند. اگر کسی رادیوهای بیگانه را گوش کرده باشد برای ما تقریباً همه‌ی مضامین رادیوها را هر روز می‌آورد؛ می‌دانیم این‌ها چه کار می‌کنند و به شگرد تبلیغ آن‌ها آشنا باشد، خواهد دید همه‌ی تلاششان این است که جناح‌های سیاسی را به جان هم بیندازند؛ کسانی را که متعلق به انقلابند همه متعلق به انقلابند؛ همه متعلق به اسلامند؛ همه دلسوز این ملتند؛ همه دنبال امام عزیز و بزرگوارمان هستند و راه او را دنبال می‌کنند سعی می‌کنند به جان هم بیندازند و فاصله‌ی بین آن‌ها را زیاد کنند؛ اما متقابلاً فاصله‌ی بین جناح‌های اسلامی را با افراد معدود مخالف و دشمن انقلاب و بی‌علاقه‌ی به نظام جمهوری اسلامی کم‌کنند. من عکس این را به شما توصیه می‌کنم؛ من توصیه می‌کنم برادران مسلمان، برادران انقلابی، برادران معتقد به ارزش‌های انقلاب، هر چه می‌توانند فاصله‌ی بین خودشان را کم کنند؛ باهم دوست و رفیق باشند؛ باهم همکار باشند؛ علیه یکدیگر جوسازی و فعالیت نکنند؛ اما فاصله را با دشمن‌ها زیاد کنند. این‌ها توصیه‌هایی است که علی‌رغم دشمنان این ملت، در دل جوانان جا گرفته است. هر جا ما این توصیه‌ها را کردیم، احساس کردیم و دیدیم و تجربه کردیم که این نسل جوان مومن، با دل‌های روشن و پاک و صافشان و با روح‌های صمیمی‌شان، آن لب مطلب را فهمیدند و به کار گرفتند و فوایدش برای کشور آشکار شد. اینجا نیز همین‌طور خواهد بود.

بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

چهار پنج سال قبل از این، در الجزائر انتخابات آزادی برگزار شد؛ اما تا دیدند این انتخابات به پیروزی چند نفری که آن‌ها را نمی‌پسندیدند، منتهی خواهد شد، سازماندهی و کمک کردند و یک کودتای نظامی به راه انداختند و مردم را سرکوب کردند. همه هم در دنیا اعتراف می‌کردند که آن انتخابات، آزاد بود؛ مظهری از

مردم‌سالاری و به قول آنها دموکراسی بود؛ اما در عین حال کوبیدند و سرکوب کردند! اگر کسی سوال می‌کرد چرا سرکوب می‌کنید، برایش استدلالی مطرح می‌کردند: چون اسلام‌گراها سر کار می‌آیند و آنها با نظرات ما در زمینه مسائل جهانی و دموکراسی مخالفند! یعنی برای خودشان پایه‌های اصولی فرهنگی و فکری را تعریف می‌کنند؛ به هیچ‌کس هم در دنیا اجازه نمی‌دهند که در این پایه‌ها مناقشه و خدشه‌ای کند و حرف مخالفی بزند؛ اما پایه‌های فکری شما و اصول و مبانی و ارزش‌ها و دل‌بستگی‌های مستحکم و اثبات‌شده فکری اسلامی را مورد مناقشه قرار می‌دهند و اگر بگویند چرا، اعتراض می‌کنند: چند قرآنی است؛ این یک قرآنی است، آن هم یک قرآنی است؛ لذا به پلورالیزم فرهنگی معتقد می‌شوند! اگر بگویند چرا، شما را به دگم بودن و تخریب‌گرایی متهم می‌کنند که چرا شما با پلورالیزم فرهنگی مخالفید؛ در حالی که خودشان در زمینه تعریف منافع و مفاهیمی که این منافع بر آن مبتنی است، به هیچ‌وجه معتقد به پلورالیزم نیستند و آن را قبول نمی‌کنند! این‌هاست که بایستی جوان مسلمان و جوان دانشجو، از سر آگاهی نسبت به این اهداف و مطامع فکر کند، تصمیم بگیرد، حرف بزند و اقدام کند. عده‌ای به عنوان حرف نو، همان حرف‌ها را به فارسی برمی‌گردانند و در باره‌اش حرف می‌زنند و مقاله می‌نویسند و همه‌ی ارزش‌های یک انقلاب و پایه‌های مستحکم فکری یک ملت را مورد خدشه و مناقشه قرار می‌دهند. در حالی که این‌ها حرف نو نیست؛ این‌ها حرف‌های شناخته‌شده است؛ منشأ این حرف‌ها و انگیزه‌ی گویندگانشان هم معلوم است. کسانی که این فکر و فرهنگ را تولید کرده‌اند، برای همین مقصود بوده است که بر ملتها و کشورها و فرهنگ‌های دیگران مسلط شوند. آیا این درست است که ما بیاییم حرف آنها را ترجمه و تکرار کنیم؟!

متن حکم تنفیذ هشتمین دوره ریاست‌جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۸۰/۰۵/۱۱

رئیس‌جمهور محترم را به یاد خدا و اغتنام فرصت زودگذر و اخلاص در عمل توصیه می‌کنم؛ و قدردانی از ملت، و مراقبت از منافع ملی، و اولویت دادن به نیاز فشرهای مستضعف، و گرمی شمردن ارزش‌های والای دین و انقلاب را به ایشان متذکر می‌گردم و توفیق و هدایت و کمک الهی را برای ایشان و همه‌ی مسئولان کشور مسئلت می‌کنم.

بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۱/۰۳/۱۲

این انقلاب بر پایه‌ی اصول مستحکمی بنا شد؛ هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را- که برای ملتها از مهم‌ترین ارزش‌هاست- مورد توجه قرار داد، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب، ترکیبی از عدالتخواهی و آزادیخواهی و مردم‌سالاری و معنویت و اخلاق است؛ منتها این عدالت را نباید با آن عدالت ادعایی و موهومی که کمونیستها در شوروی سابق یا در کشورهای امار خود شعارش را می‌دادند، اشتباه کرد؛ این عدالت اسلامی است با تعریف خاص خود. همچنین آزادی در نظام جمهوری اسلامی را با آزادی غربی- که به معنای مهارگسیختگی صاحبان قدرت و سرمایه و همچنین به معنای بی‌بندوباری انسانها در هرگونه رفتار و عمل است- نباید اشتباه کرد. این آزادی اسلامی است؛ هم آزادی اجتماعی است، هم آزادی معنوی است و هم آزادی فردی با قید اسلامی و با فهم و هدایت و تعریف اسلام است. این معنویت و اخلاقی را هم که جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی جزو اصول خود قرار داده است، نباید با دین‌داری‌های متحجر، بی‌منطق و ایستا در بسیاری از جوامع اشتباه کرد. آن دین‌داری‌ها، به‌ظاهر و در زبان دین‌دار، اما با ایستایی و تخریب و عدم فهم مسیر سعادت برای جامعه و انسان همراه است. این پسوند اسلامی بعد از عدالت و آزادی و معنویت، بسیار پرمعناست و باید به آن توجه کرد.

بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه / ۱۳۸۱/۰۵/۰۵

اولین هدف آنها این است که ملت را نسبت به نظام اسلامی دل‌سرد و ناامید نکند؛ بیشتر تبلیغات و شایعه‌پراکنی آنها متوجه به این هدف است. نقطه‌ی دومی که به آن امید بسته‌اند، این است که بتوانند اعتقادات و ایمان مردم را که موتور حرکت آنها در گذشته‌های سخت بوده است، خاموش کنند و از مردم بگیرند. هدف سوم این است تا آنجایی که می‌توانند، کاری کنند که مشکلات معیشتی مردم- که دستگاه‌های اجرایی و مسئولان دولتی و غیره تلاش می‌کنند آنها را برطرف کنند- حل نشود. از یک طرف با شایعه‌پراکنی و تبلیغات سو علیه نظام و انقلاب و امام و ارزش‌های انقلابی، مردم را بدبین و ناامید کنند؛ از طرف دیگر با تلاش‌های گوناگون مانع از اصلاح امور مردم شوند و نگذارند مشکلات مردم برطرف گردد؛ از یک طرف هم هر ضعیفی که در کشور وجود داشته باشد- و لو ضعیف‌هایی که مدیران اجرایی و دولتها دارند- آن را به نظام اسلامی نسبت دهند.

پیام به گردهمایی دفتر تحکیم وحدت / ۱۳۸۱/۰۵/۲۷

گردهمایی دفتر تحکیم وحدت برای این‌جانب خاطره‌انگیز است. آنچه در سالیان نخستین انقلاب در زیر این نام تحقق یافت، یکسره تأثیرگذار و در مواقعی تعیین‌کننده بود. این نام، فهرستی از ارزش‌های حقیقی انقلاب را در برابر چشم نگاه می‌دارد؛ پایبندی جوانان و پرشور به مبانی نظری و عملی انقلاب، تشکیل صفوف مقدم در عملیاتی کردن آرزوهای امام بزرگوار در باره‌ی دانشجویان، تاباندن نور امید به افق‌هایی که بیگانگان برای تیره جلوه دادن آن می‌کوشیدند، افتخار و اعتزاز به مسلمانان و انقلابی بودن خویش و بالاخره سهیم شدن در تشکیل فهرست طولانی شهیدان انقلاب و جنگ تحمیلی. آن‌روز و امروز انگیزه‌های شناخته و ناشناخته‌ای همواره خواسته‌اند این عنصر فعال و مفید را از انقلاب و نظام اسلامی جدا کنند. مراکز قدرت استکباری نیز میل و اصرار خود را بر چنگ انداختن به ذهن و دل دانشجویان، امروزه آشکارتر از همیشه ابراز می‌دارد.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ / ۱۳۸۲/۰۸/۱۲

جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضائی.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۸۲/۱۱/۱۵

ارزش این انقلاب از این جهت است که ایران را از سلطه‌ی قدرتهای مستکبر جهانی نجات داد. شما ببینید در دنیا زیاده‌خواهان و انحصارطلبان بین‌المللی با ملتها چه می‌کنند! همین‌ها بر این کشور، بر این ملت، بر نفت ما، بر فرهنگ ما، بر دولت ما و بر همه‌ی منابع انسانی و مالی ما مسلط بودند. انقلاب دست این‌ها را قطع کرد؛ این‌ها را از این کشور بیرون راند و سلطه‌شان را از سر این ملت کم کرد. این، ارزش انقلاب ماست. قدر این انقلاب را بدانیم؛ آن را در مسیر خود حفظ نماییم و کمک کنیم به سمت اهداف والای خود پیش برویم. همین اصول و مبانی و پایه‌هاست که آینده و سرنوشت و اقتصاد و فرهنگ و دین و دنیای ما را بهبود خواهد بخشید و زخمهای پیکر ایران عزیز و مظلوم را التیام خواهد داد.

بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما / ۱۳۸۲/۰۹/۱۱

سوم، ریشه‌دار کردن شناخت و باور به ارزش‌ها و بنیانهای فکری انقلاب و نظام اسلامی. صرف اینکه ما در زمینه‌ی انقلاب و نظام، چیزهایی را کلیشه‌ی و شعاری تکرار کنیم، کافی نیست؛ باید نسبت به این شعارها در مردم باور حقیقی به وجود بیاید؛ این، کار رسانه‌ی ملی است.

بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان / ۱۳۸۲/۱۲/۲۴

سالها این ملت در سختی‌های ناشی از سلطه‌ی بیگانه گذراند تا اینکه زمینه برای انقلاب اسلامی آماده شد. رهبری حکیم، پرفدرت، با اراده و عزم راسخ و نافذ در همه‌ی دلها، در میان مردم به وجود آمد و وارد میدان شد؛ ملت هم تجربه پیدا کرده بودند؛ لذا انقلاب اسلامی شکل گرفت و این دفعه ترفند دشمن بی‌اثر ماند؛ چون ملت و رهبران در انقلاب اسلامی تجربه پیدا کرده بودند. در دوره‌ی مشروطه، رهبران و مردم نمی‌دانستند کمین بیگانگان با آمادگی‌های قبلی چقدر خطرناک است؛ لذا حصارهای خودشان را برچیدند و مهیای قبول حمله‌ی دشمن شدند؛ دشمن هم آمد و هر کار خواست، در این کشور کرد. این دفعه در انقلاب اسلامی، با استفاده از تجربه‌ی مشروطیت، هم ملت ما، هم رهبران روحانی ما و هم روشن‌فکران صادق ما فهمیدند که باید حصار معنوی- یعنی حصار ایمان، ارزشهای انقلابی و حصار بیداری- را در مقابل توطئه‌های دشمن محکم نگه دارند.

بیانات در دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان / ۱۳۸۲/۱۲/۲۳

درس خواندن، پاک‌دامنی و پرهیز از سرگرمی‌های عاقل و باطل، جزو وظایف جوانهاست. البته من با سرگرمی و تفریح و شادی جوانها خیلی موافقم؛ اما بعضی از سرگرمی‌ها و تفریح‌های منحرف را دشمن به قصد غافل کردن ما و جوانان عمدا وارد جامعه‌ی ما می‌کند. این، مخصوص جامعه‌ی ما نیست؛ در خیلی جاهای دیگر هم این کار را می‌کنند. در یکی دو سال گذشته خبرهای متعددی داشتیم که در کشورهای مختلف آسیایی- مثل مالزی و چین و ...- و حتی کشورهای اروپایی، سیدی‌هایی که به صورت قاچاق وارد کشورشان شده بود و آنها برای جوانها گمراه‌کننده و مضر تشخیص داده بودند، جمع‌آوری و منهدم کردند. در واقع با این سیدی‌ها مثل مواد مخدر- که دوروبر این‌ها گشتن، برای جوانها گناه است- برخورد کردند. کسانی هم که این محصولات را قاچاق می‌کنند، غالبا صهیونیست‌های خبیث هستند؛ این‌ها عامل گمراهی و فساد جوانها در خیلی از کشورها، بخصوص در کشورهای اسلامی، و به‌طور ویژه در ایران هستند. چرا؟ چون از آینده‌ی ایران می‌ترسند. نمی‌خواهند ملت ایران به پیشرفت علمی و پیشرفت مدنی و پیشرفت اجتماعی‌ای برسد که برای بقیه‌ی کشورهای اسلامی الگو شود؛ کما اینکه حرکت‌های اسلامی در کشورهای دیگر نشان می‌دهد که ملت ایران تا الآن هم الگو شده؛ منتها روزی که شما بتوانید فله‌های علم و ایمان و همزیستی‌های انسانی و اخلاقی را فتح کنید و جامعه‌ی پیشرفته‌ی عادلانه‌ی معنوی برخوردار از ماده و معنا را به وجود آورید و ارزشهای انقلاب را نهادینه کنید، اسلحه‌ی دشمن بکلی از کار می‌افتد. می‌خواهند نگذارند شما به آنجا برسید.

بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۸۲/۱۲/۲۷

در راس کار باید کسانی قرار بگیرند که ایمانشان به اسلام و انقلاب و ارزشهای اسلامی و انقلابی در حد کافی باشد؛ در ارزشهای اسلام تردید نداشته باشند و توان و نشاط و قدرت تحرک و پیگیری‌شان متناسب با این‌همه کاری باشد که جمهوری اسلامی دارد، تا ان شا الله کشور جلو برود.

بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۲/۰۱/۰۱

مردم بایستی هوشمندانه و آگاهانه انتخاب کنند و در میان نامزدهای گوناگون، کسی را که احساس می‌کنند به این معیارها نزدیک است، برگزینند؛ این یک کار بزرگ است و کار شما مردم است. مردم باید با چشم باز در این صحنه‌ی مهم حاضر شوند و ان شا الله خدای متعال کمک کند و دل‌های مردم را هدایت کند تا فرد با کفایت، شجاع، بااخلاص، دارای روح مردمی، شاداب و بانشاط، مومن به هدفها و ارزشهای انقلاب، مومن به مردم، مومن به نیروی مردم و معتقد به حق مردم را انتخاب کنند؛ این مهم‌ترین بخش مشارکت عمومی مردم در امسال است. در همه چیز مشارکت عمومی مهم است، و این از جمله‌ی کلیدی‌ترین است.

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی / ۱۳۸۲/۱۰/۱۲

این وضع جدیدی که در کشور به وجود آمده است و تشکیل دولت و گرایش‌هایی که امروز در عموم مردم و در دولت‌مردان مشاهده می‌شود، این نوید را می‌تواند بدهد که اوضاع برای برگرداندن جهت‌گیری غلط، اوضاع مساعدی است؛ نه به این معنا که همه چیز از پیش قابل حدس قطعی باشد؛ بلکه بسته به این است که ما چه کار بکنیم، لیکن زمینه، زمینه‌ی مساعدی است؛ چون شعارهایی مطرح شده که منطبق با مبانی انقلاب بوده و مردم به این شعارها پاسخ داده‌اند؛ و من مکرر این را گفته‌ام. ما در انتخاباتی که چند ماه پیش گذراندیم، اکثریت قریب به اتفاق مردم، به ارزش‌های انقلاب رای دادند؛ چه آن‌هایی که به آقای احمدی‌نژاد رای دادند، چه آن‌هایی که به آقای هاشمی رفسنجانی رای دادند؛ چون آقای هاشمی هم یکی از برجستگان انقلاب است؛ ایشان یک شخصیت انقلابی، روحانی و معمم است و بسیاری از کسانی که به ایشان رای دادند، در واقع به همین ارزش‌ها رای دادند. نباید تصور کرد که هفده میلیون به شعارهای آقای احمدی‌نژاد رای دادند و ده میلیون دیگر رای ندادند؛ قضیه این‌گونه نیست؛ بلکه اکثریت بزرگی از مردم در این انتخابات پایبندی خودشان را به دین، به ارزش‌های انقلاب، به دل‌بستگی‌های امام نشان دادند و دولتی هم بر این اساس تشکیل شده و همین شعارها را هم این دولت تکرار می‌کند و ادامه می‌دهد و حرکت می‌کند، مردم هم استقبال می‌کنند و با آغوش باز این حرف‌ها را می‌پذیرند. این، نشان‌دهنده‌ی یک زمینه‌ی بسیار خوبی است که ما باید از این زمینه استفاده کنیم. بنابراین، در وضع جدید، به نظر من پویایی، نشاط، انگیزه و نوآوری اعضای این مجموعه بایستی مضاعف بشود؛ نمی‌شود قبول کرد که ما یک مجموعه‌ی فرهنگی داریم که آن را به عنوان قرارگاه اصلی مسائل فرهنگی و کارزار فرهنگی قرار داده‌ایم- یک چنین کارزاری در همه‌ی ادوار و در همه‌ی کشورها اجتناب‌ناپذیر است- در عین حال، در این قرارگاه اصلی، بی‌نشاطی یا رکود یا عدم پیشرفت ملاحظه و مشاهده بشود؛ این را من اصلا تصور نمی‌توانم بکنم.

بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزده دی / ۱۳۸۲/۱۰/۱۹

ملت ایران در طول این بیست و هفت سال پیش رفته است؛ موفق شده است. وضع امروز کشور ما قابل مقایسه با وضع بیست و هفت سال قبل نیست. جوانان ما، فضلا ما، روشن‌بینان و روشن‌فکران ما رشد کرده‌اند و پیش رفته‌اند؛ ملت ما، علی‌رغم همه‌ی بدخواهی‌ها و ملعنت‌هایی که دشمنان در تبلیغاتشان کرده‌اند، به مبانی انقلاب پایبندتر و علاقه‌مندتر شد، که نمونه‌اش را در همین انتخابات ریاست جمهوری دیدید؛ ملت به شعارها رای داد؛ شعار عدالت‌طلبی، شعار خط امام، شعار پایبندی به ارزش‌های اسلامی؛ ملت دور این مجورها جمع شدند. بحمد الله مسئولان هم توانستند خودشان را در عرصه‌ی حرکت، به مردم نشان دهند. امروز بحمد الله همت و حرکت مسئولان ما- مسئولان دولتی، نمایندگان مجلس- برای پیشرفت به سمت مبانی و ارزش‌های انقلاب ستودنی است؛ آن‌ها کار می‌کنند و حرفه‌ای‌تری را که گفته شده، به مرحله‌ی عمل نزدیک می‌کنند. برای یک ملت، چه از این بالاتر؛ و چه از این زیباتر و شیرین‌تر؟ بدخواهان جمهوری اسلامی هم همین مسائل را می‌بینند.

بیانات در دیدار مردم گرمسار / ۱۳۸۵/۰۸/۲۱

هیچ‌وقت در این کشور در طول سالهای گذشته، از دوران جوانی و نوجوانی ما، به یاد نداریم که در ماه رمضان، در مساجد کشور یا در مسجد گوهرشاد مشهد، مردم بیایند اعتکاف بکنند. در ایام البیض سه روز متعارف ماه رجب یا ماه شعبان، ما تعداد معدودی در قم دیده بودیم که اعتکاف می‌کردند؛ آن هم غالبا طلبه‌ها، در غیر آن معمول نبود. امروز در ایام اعتکاف، دانشگاه‌ها و مساجد و سرتاسر کشور و مساجد جامع، مملو از معتکفین است؛ علاوه بر آن، در دهه‌ی آخر ماه رمضان، جمعیت عظیمی مشغول اعتکاف بودند. چه کسانی؟ پیرمردها؟ پیرزن‌ها؟ نه، همین جوانها، جوان‌ترین‌ها، این دیگر در دنیا نظیر ندارد. این نسل جوان امروز ماست. امروز گرایش به دین و ارزشهای انقلابی، وجه غالب جامعه است.

بیانات در مراسم دانش‌آموزی دانشجویان دانشکده‌ی افسری دانشگاه امام حسین(ع) / ۱۳۸۵/۰۹/۰۴

از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که شما را موفق کند؛ توفیقات الهی همچنان شامل حال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی باشد و شما بتوانید همیشه در همه‌ی دورانها- چه در دورانی که خطری این کشور را تهدید بکند یا نکند- شاخصی برای امنیت، آسایش ملت ایران و حفاظت از ارزشهای انقلاب اسلامی باشید.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم در آستانه انتخابات مجلس خبرگان / ۱۳۸۵/۰۹/۲۳

همین شعار انرژی هسته‌ای- که مردم ما در هر نقطه‌ی کشور و به هر مناسبتی آن را مطرح می‌کنند و یک خواست ملی را این‌طور در صحنه تجسم و عینیت می‌بخشند- نشان‌دهنده‌ی حضور آگاهانه‌ی مردم در صحنه است. حضور مردم در صحنه، معنایش این است که آحاد مردم- پیر و جوان، قشرهای مختلف، مرد و زن در هر نقطه‌ای از کشور- مسائل اساسی کشور را مسائل خودشان بدانند؛ مسائل علمی و پیشرفت علمی و فنی را مسئله‌ی اساسی خودشان به حساب آورند؛ پایبندی کشور و نظام و مسئولان به ارزشهای اساسی انقلاب را به عنوان یک خواست حقیقی خودشان همه جا مطرح و مطالبه کنند؛ این‌ها حضور مردم در صحنه است. حضور مردم در صحنه یعنی بی‌تفاوت نبودن؛ سرنوشت کشور را رها نکردن؛ بی‌رغبت نبودن نسبت به حوادثی که در کشور می‌گذرد؛ این معنای حضور در صحنه است.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

امروز ایران یک کشور آزاد است؛ با این مردم‌سالاری واضح- که مردم‌سالاری ما در دنیا بسیار کم‌نظیر است- با این ارتباط مستحکم بین مردم و مسئولان کشور؛ این ایران از نظر آمریکایی‌ها، از نظر دولت آمریکا و سیاستمداران آمریکا یک کشور نامطلوب به حساب می‌آید؛ این نشان‌دهنده‌ی جهت‌گیری استکبار جهانی در مقابل حقایق موجود عالم است. البته آمریکایی‌ها از این دشمنی سودی نبرده‌اند و باز هم نخواهند برد. ملت ایران روز به روز قوی‌تر می‌شود و ارزشهای انقلاب روز به روز برجسته‌تر و تازه‌تر می‌شود.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۸۶/۰۱/۰۱

اعتماد به نفس، اعتماد به مسئولین کشور، اعتماد به دولت، همان چیزی است که دشمنان می‌خواهند نباشد. دشمنان می‌خواهند مردم به دولت- که مسئولیت اداره‌ی امور کشور را دارد- بی‌اعتماد باشند؛ سعی کنید این نقشه‌ی دشمن را خنثی کنید. من از دولت حمایت می‌کنم. از همه‌ی دولت‌های بر سر کار و منتخب مردم حمایت کردم، بعد از این هم همین خواهد بود؛ از این دولت هم به طور خاص حمایت می‌کنم. این حمایت، بی‌دلیل و بی‌حساب و کتاب نیست. اولاً جایگاه دولت در نظام جمهوری اسلامی و در نظام سیاسی کشور ما جایگاه بسیار مهمی است، ثانیاً بیشترین مسئولیتها را دولت بر دوش دارد؛ بعد هم این جهت‌گیری‌های دینی و این ارزش‌گرایی انقلابی و اسلامی خیلی ارزش دارد. سخت‌کوشی، تلاش فراوان، ارتباط با مردم، سفرهای استانی، جهت‌گیری عدالت و زی مردمی؛ این‌ها خیلی قیمت دارد و من قدر این کارها را می‌دانم. من به خاطر این چیزها از دولت حمایت می‌کنم. البته این حمایت، حمایت بی‌حساب و کتاب نیست؛ توقعاتی هم در مقابلش از دولت دارم. اولین توقع من این است که به مسئولین دولتی می‌گویم خسته نشوند؛ اعتماد به خدا را از دست ندهند؛ به خدا اعتماد کنند و به این مردم اعتماد کنند؛ زی مردمی خودشان را حفظ کنند؛ در دام تجمل‌گرایی‌هایی که افرادی می‌افتند، نیفتند؛ مراقب و مواظب باشند؛ در مخاصمات جناحی وارد نشوند؛ وقتشان را با دعوای سیاسی تلف نکنند؛ با همه‌ی وجود و با همه‌ی توان برای این مردم کار کنند؛ آنچه را که با مردم در میان می‌گذارند، به تحقق برسانند و دنبال کنند.

بیانات در دیدار نمایندگان هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی / ۱۳۸۶/۰۲/۰۸

مجلس را که کسی نصب نمی‌کند؛ مجلس را مردم انتخاب می‌کنند؛ معنایش این است که دل این ملت برای همان چیزی می‌تپد که کسانی برنامه‌ریزی کرده بودند که آن را قلع ماده کنند؛ دل این ملت برای اصول اسلامی می‌تپد. نمی‌خواهیم ادعا کنیم که همه‌ی آحاد ملت جزو مقدسین درجه‌ی یک‌اند؛ اما می‌خواهیم ادعا کنیم که آن‌هایی هم که در عمل جزو مقدسین درجه‌ی یک نیستند، برای اسلام و برای ارزشهای اسلامی و برای ارزشهایی که این انقلاب به این کشور داد، اهمیت قائلند و طعم آن‌ها را چشیده‌اند. حافظه‌ی تاریخی این ملت، نمی‌تواند آن دورانی را که این کشور بزرگ و این ملت تاریخی، بازیچه‌ی دست استعمارگران و بازیگران صهیونیست شده بود، فراموش کند؛ می‌خواستند اقتصاد او را، فرهنگ او را، دل مردم را، جهت زندگی مردم را، پوشش مردم را، عقاید مردم را، دست‌مایه‌ی بازی خودشان قرار بدهند؛ اهانتی از این بزرگتر به این ملت متصور نبود. فقر بود، تبعیض بود، زورگویی بود، ظلم بود؛ در عین حال، همه‌ی این‌ها با اهانت به مقدسات بود، با جهت‌گیری‌های ضد اسلامی و قرآنی و دینی بود؛ با کشاندن مرد و زن به سمت منجلاب فساد بود. حافظه‌ی این ملت، آن دوران را فراموش نخواهد کرد. اگر فرض کنیم در زمان حاضر، اکثر افراد ملت، آن دوران را با پوست و گوشتشان لمس نکرده‌اند- چون جوانند؛ البته ماها لمس کرده‌ایم- اما یک ملت چیزهایی را در ذهن و حافظه‌ی خود نگه می‌دارد و آن‌ها به معارف آن ملت، فهم آن ملت و بصیرت آن ملت تبدیل می‌شود. ملت این اصول را دوست دارد.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۶/۰۶/۰۲

شما هم دولتی هستید که این دو خصوصیت را جزو شعارها و برنامه‌های عملکرد خودتان قرار داده‌اید؛ هم به مردم امید می‌دهید، هم وعده‌ی عدالت می‌دهید. همان امید هم به خاطر این است که شما پرچم عدالت را بلند کرده‌اید و دم از عدالت می‌زنید. حقیقتاً هم خلا امروز دنیا، بیش از همه چیز خلا عدالت است. در کشور و جامعه‌ی خود ما هم بیشترین چیزی که این جامعه تشنه‌ی اوست، عبارت است از عدالت. وقتی ما به مشکلات، کمبودها، توقعات و انتظارات مردم و آرزوهای بلندی که در ذهن خود ما برای مردم هست، نگاه می‌کنیم، می‌بینیم تقریباً همه‌ی این‌ها برمی‌گردد به مسئله‌ی تامین عدالت؛ که اگر عدالت تامین بشود، همه‌ی این چیزها حل خواهد شد. شما عدالت را مطرح کردید، خیلی خوب است. البته ممکن است در این وادی طولانی و پرخطر و دشوار، شما بتوانید قدمهایی را طی کنید؛ ممکن است تا پایان راه، عمرهای ما یا فرصت‌های خدمتگزاری کفاف ندهد؛ اما همین قدمی که می‌گذارید و جهتی که اتخاذ کرده‌اید، بسیار باارزش و زنده‌کننده‌ی این شعار است. بنابراین امسال، تصادف هیئت دولت و این هفته مبارک با نیمه‌ی شعبان یک تصادف دلنشینی است و معنایی را در ذهن انسان تداعی می‌کند.

شهید رجایی و شهید باهنر هم حقیقتاً از کسانی بودند که امروز برای ما، دو نقطه برای همین مفاهیم والا و باارزش محسوب می‌شوند؛ یعنی حقیقتاً آنچه آن‌ها را به حرکت وامیداشت- که ما از نزدیک می‌دیدیم- عشق به عدالت و عشق به ارزشهای انقلاب و این‌ها بود. جا دارد که شما هفته‌ی دولت را به یاد آن‌ها بزرگ و گرامی بشمارید و خودتان را به آن بزرگوارها منتسب بدانید. ان شا الله یادشان گرامی باشد.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۶/۰۶/۰۲

مسئله‌ی پایبندی به اصول و ارزشهاست که خیلی شاخص مهمی است. دولت، هم در قول و شعار- که مهم است- و هم در عمل، نشان می‌دهد که به اصول انقلاب و ارزشهای انقلاب پایبند است. توجه کنید به اینکه وقتی به همه‌ی انقلاب‌های بزرگ دنیا نگاه می‌کنیم- تحولات عظیم سیاسی که در این قرون نوزدهم و بیستم میلادی در دنیا اتفاق افتاده و قبل از این‌ها انقلاب فرانسه- می‌بینیم این انقلابها در مدت کوتاهی به مبادی و اصول خودشان پشت کردند و بی‌وفایی کردند! این- بدون هیچ تحلیلی- برخاسته و برگرفته‌ی از متن تاریخ است. حالا گاهی اوقات این اصول را به زبان می‌آورند؛ اما همه می‌دانستند که این مفاهیم تغییر کرده؛ هم در فرانسه و هم در انقلاب شوروی در مدت کوتاهی این‌طور شد و این مبانی در قول و عمل تغییر کرد و دگرگون شد. در این خرده انقلاب‌هایی هم که در این مدت در گوشه و کنار دنیا اتفاق افتاده، بدون استثنا- یعنی تا آنجایی که من اطلاع دارم، حتی یک مورد استثنا برای این پیدا نمی‌کنم- این مبانی تغییر کرده است.

این برای انقلاب ما یک پدیده معجزآسا و بی‌نظیر است که ما امروز همان شعارهایی را می‌دهیم و همان اصول و مبانی‌ای را برای خودمان برنامه‌ی عمل کرده‌ایم که در اول انقلاب همانها اعلام شده بود؛ یعنی در برنامه‌ریزی‌های ما و در خواست ما، هیچ تخطی‌ای از این اصول صورت نگرفته است. این خیلی مهم است. روشها تغییر پیدا می‌کنند، لکن مبانی و اصول باقی می‌مانند. این اصول اساسی باقی مانده. همه‌ی دشمنی و خصومتی هم که با انقلاب ما انجام می‌گیرد، برای بقا این اصول است. شاید در مرور زمان و در دوره‌های مختلف، عبارتهایی بر روی این اصول نشست؛ اما امروز انسان می‌بیند که این اصول از همیشه شفافتر، زنده‌تر و برجسته‌تر مطرح است؛ در زبان شما و در شعارهای شما و در برنامه‌هایی که اعلام می‌کنید، اینها مطرح می‌شود و شماها چون مسئول هستید، آنچه که می‌گویید، در مقام حرف باقی نمی‌ماند و یک خط و شیار و عمقی را در جامعه به وجود می‌آورد؛ این طبیعت مسئولیت است. البته در بین الهالین عرض بکنیم که به همین علت، مسئولیت حرف زدنهای شما هم بالا می‌رود و این‌طور نیست که حرفی که می‌گوییم، مثل خطی که روی آب می‌کشیم برطرف بشود؛ نه، حرفی که می‌زنید، در واقعیتها و در ذهنیت‌های جامعه، تاثیرات ماندگاری دارد؛ حالا کوتاه یا بلند. پس شعارهای شما، فضای اصول‌گرایی و فضای ارزشهای انقلابی و فضای وفاداری به مبانی امام و انقلاب را بر جامعه حاکم کرده است؛ این خیلی چیز باارزشی است. اولین و مهم‌ترین شاخصه‌ی دولت شما این است.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۶/۰۶/۲۳

در مورد تضعیف جمهوری اسلامی و محاصره‌ی جمهوری اسلامی هم قضیه بعکس شده. به همت مردم ایران، به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی پروردگار، این ملت نردبان اعتدال و ترقی را همین‌طور پی‌درپی، پله بعد از پله پیموده و بالا رفته است. امروز ما از لحاظ موقعیت سیاسی از چهار سال قبل و پنج سال قبل که آمریکائی‌ها آن هدف را شروع کردند، بالاتریم. امروز ما از لحاظ تمکن علمی بالاتریم؛ از لحاظ منابع مالی جلوتریم. امروز ملت ما از لحاظ نشاط و آمادگی روحی جلوترند. امروز ملت ما از لحاظ حاکمیت ارزشهای انقلابی و مبانی امام بزرگوار، جلوتر از گذشته است. در طول این چهار پنج سال هرچه تلاش کردند، بعکس، ملت ایران زنده‌تر، هوشیارتر، بانشاطتر و در صحنه‌ترند و در هیچ مسأله‌ای نیست که انسان ببیند ملت ایران از خودشان بی‌تفاوتی نشان می‌دهند. در حالی که جای حضور آنهاست. محصول آمریکا این است: شکست کامل در قضیه اهداف خود. علاوه بر این، آمریکائی‌ها امروز از طرف امت اسلامی مورد سوالند و استیضاح می‌شوند. امروز آمریکا در افکار عمومی ملت اسلام و امت اسلامی محکوم است. می‌شنوید این نظرخواهی‌ها و نظرسنجی‌های گوناگون را در اطراف دنیای اسلام؛ همه حکایت می‌کند از منفوریت آمریکا و محکومیت آمریکا؛ اینها مورد سوالند.

بیانات در دیدار مردم یزد / ۱۳۸۶/۱۰/۱۲

شهر شما و استان شما- برادران و خواهران عزیز یزدی!- مرکز دانش، مرکز هنر، مرکز کار و تلاش و ابتکار، مرکز ایمان و دین‌باوری است. همواره مردم عزیز شهر یزد و استان یزد را به عنوان مردمی بااستعداد، نجیب، سرشار از ایمان و باور دینی، سرشار از نیروی کار و ابتکار و تحرک و آماده در همه‌ی میدانهای که در طول تاریخ معاصر ما از ملت ایران انتظار می‌رفته است، هم قبل از انقلاب به چشم دیدیم؛ تجربه کردیم، هم بعد از پیروزی انقلاب، مردم یزد درخشیدند؛ در عرصه‌های دفاع مقدس، در عرصه‌ی دفاع از هویت انقلاب اسلامی و پس از پایان دفاع مقدس، تا امروز هم در عرصه‌ی دفاع از ارزشهایی که مورد تهاجم سیاسی و فرهنگی دشمنان قرار گرفته بود. در همه‌ی این میدانها، مردم عزیز یزد را پایه‌رکاب، آماده‌به‌کار، کمر بسته و دارای عزم و تصمیم مشاهده کردیم و آزمودیم.

بیانات در دیدار مردم ابرکوه / ۱۳۸۶/۱۰/۱۵

اگر ملاحظه می‌کنید که ملت ایران امروز در مجامع جهانی و در محیط بین‌المللی یک چهره‌ی پرافتخار و سربلند است، همه‌ی ملت ایران از همه‌ی مناطق در ایجاد این تصویر نیکو و زیبا از ملت ایران سهیمند؛ همه تلاش کردید، همه زحمت کشیدید. پس این دو عامل باید باشد: هم مسئولین باید این احساس مسئولیت را نسبت به نیازهای مردم در خودشان روز به روز تقویت کنند، که من می‌توانم به شما عرض کنم خوشبختانه مسئولین دولتی و وزرای ما و رئیس‌جمهور ما و مدیران ارشد کشور این احساس مسئولیت را دارند. بینی و بین الله، انسان نگاه که می‌کند، می‌بیند در این احساس مسئولیت حقا و انصافا چیزی کم ندارند؛ کار هم زیاد می‌کنند، تلاش هم انصافا تلاش خستگی‌ناپذیری است. یک خدمت بزرگشان هم علاوه بر خدمات مادی و عمرانی و رسیدگی به امور مردم، همین است که شعارهای انقلاب را، ارزشهای انقلاب را سر دست می‌گیرند، به آنها افتخار می‌کنند؛ این خیلی مهم است. بودند و هستند در میان افراد ما در کشور، کسانی که قدر این شعارها را ندانستند. باید به آنها افتخار می‌کردند، اما افتخار نکردند. خوشبختانه مسئولین ارشد کشور همیشه سربلند و مفتخر به این شعارهای انقلاب و ارزشهای انقلاب بوده‌اند. پس ملت این رکن اولی را باید مطمئن باشد که هست و آن عبارت است از اهتمام مسئولین کشور و مدیران کشور برای بهبود وضع در سراسر کشور.

بیانات در دیدار مردم تبریز / ۱۳۸۶/۱۱/۲۸

آن کسانی که در طول این سالهای وسط ناگهان هیجان‌زده شدند، اعلام کردند که انقلاب تمام شد، انقلاب مرد، امام فراموش شد، خطا کردند، بد محاسبه کردند، اشتباه کردند. انقلاب بانشاطتر شد. ارزشهای انقلاب زنده‌تر شد. امروز آن کسی که بیاید بین مردم و شعارهای انقلاب را مطرح کند، مردم به او رای می‌دهند؛ مردم او را می‌خواهند؛ چون کارائی انقلاب را می‌بینند؛ کارهایی که انقلاب در این کشور کرده، جایگاهی که برای این ملت در دنیا به وجود آورده، روح اعتماد به نفسی که در جوانان این ملت دمیده شده، اینها چیزهایی است که گاهی در صد سال هم به دست نمی‌آید. این انقلاب اینها را انجام داد. مشکلات این‌جوری حل می‌شود. جوان، استعداد، تواناییهای درونی، آمادگیهای لازم، از حالت بالقوه بتدریج به حالت بالفعل تبدیل می‌شوند. انسانهای خام به فرآورده‌های برجسته‌ی انسانی تبدیل می‌شوند و قدرت مدیریت، قدرت سازندگی، قدرت تولید، قدرت دویدن در مسابقات انسانها در سطح جهان- مسابقات ملتها- به آنها داده می‌شود و یک ملت جلو می‌افتد. مایه‌ی همه‌ی اینها انقلاب و ارزشهای انقلاب است. این ارزشها باید پایدار بماند و مانده است؛ تا امروز این ارزشها پایدار مانده است؛ زنده‌تر شده است. من بارها گفته‌ام: جوان امروز ما از جوان سال ۱۳۵۹ که جنگ تحمیلی شروع شد، آمادگی‌اش برای حضور در میدان نبرد اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. ما راهمان برای آینده مشخص است و برنامه‌ریزی به صورت کلان بر رفتار عمومی انقلاب به توفیق الهی و به فضل پروردگار حاکم است. ما می‌دانیم چه می‌خواهیم بکنیم.

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم / ۱۳۸۶/۱۲/۲۳

ملت ایران همچنانی که در این حدود سی سال نشان داده است، هرجائی که آزمونی برای نشان دادن اقتدار ملی بوده است، وارد شده است. اگر راهپیمائی بوده است، تظاهرات بوده است، اگر انتخابات بوده است، اگر حضور در جبهه‌ها در دوران دفاع مقدس بوده است- هرجائی که مظهر از مظاهر قدرت ملی محسوب می‌شده است- ملت ایران با هوشیاری، با شجاعت در آن حضور پیدا کرده است. و همین است که در طول این سی سال که تقریباً از انقلاب می‌گذرد، کشور شما، ملت شما، دولت شما روز به روز قوی‌تر شده است؛ روز به روز آرمانهای انقلاب و مبانی انقلاب و ارزشهای انقلاب در او زنده‌تر شده است. ارزشهای انقلاب چیست؟ ارزشهای انقلاب در درجه‌ی اول، استحکام ایمان و دیانت در دلهاست- که منشا همه‌ی کارها و مجاهدتها این است- عدالت اجتماعی است، مبارزه با فساد است، آزادی مردم در انتخاب است، عدم تحمیل آرا فردی و حزبی و دولتی و غیره بر مردم است، که مردم آزادانه فکر کنند، آزادانه عمل بکنند؛ در چارچوب مقررات اسلامی. مردم‌سالاری دینی یعنی این. اینها ارزشهای انقلاب و مبانی انقلاب است. لذا شما که می‌خواهید بروید پای صندوق رای و رای بدهید، هدفان این باشد که یک مجلسی تشکیل بشود پایبند به همین مبانی انقلاب و ارزشهای انقلاب. نماینده، متدین، امین، معتقد به عدالت اجتماعی-

استقرار عدالت در سرتاسر کشور- متنفر از فساد در هر بخشی و در هر طبقه‌ای از طبقات مسنولین، معتقد به عزت جمهوری اسلامی؛ مجلس باید یک چنین مجلسی باشد. ما هفت دوره مجلس شورای اسلامی را گذراندیم. در مجلس شورای اسلامی گاهی اتفاق افتاده است که کسانی آمده‌اند که با اسم «اسلامی» برای این مجلس مخالفت کرده‌اند! در دوره اول که بحث این بود که اسم مجلس چه باشد- که آمده بود «مجلس شورای اسلامی»- یک عده‌ای ایستادند که نه، «اسلامی» نباشد! خوب، این نماینده ملت ایران نیست. ملت ایران برای اسلام این فداکاریها را کرده است. ملت ایران عظمت خود را، عزت خود را، اقتدار خود را، آسایش و رفاه خود را در اسلام جستجو می‌کند. یک عده‌ای پیدا شدند که با اسم «اسلامی» برای مجلس مخالفت کردند! خوب، این مطلوب نیست. یا یک کسانی در یک مجلس دیگری پیدا شدند، تصمیم گرفتند برطبق خواسته‌ی مخالفین که می‌گفتند بساط انرژی هسته‌ای را جمع کنید، در کشور قانون بگذارند که دولت را الزام کنند که دنبال انرژی هسته‌ای نرود! این هم بود در یکی از مجالس ما. این چیزی نیست که ملت ایران آن را بخواهند. اما در همین مجلس هم- همین مجلسی که الآن بر سر کار هست- قانون گذراندند و دولت را موظف کردند که بایستی انرژی هسته‌ای را دنبال کند و موانع سر راه را برطرف کند. همه جور داشتیم.

بیانات در دیدار افشار مختلف مردم / ۱۳۸۶/۱۲/۲۲

امیدواریم خدای متعال کمک کند به ما ملت ایران و آحاد مردم عزیزمان در شهرهای مختلف- چه در تهران، چه در استانهای گوناگون و شهرهای مختلف؛ چه در نقاط روستاها و مناطق دورافتاده- که همه ان شا الله بتوانند در این انتخابات با شور و شوق، با انگیزه و با قصد قربت شرکت کنند و ان شا الله محصول این شرکت عمومی، اولاً عزت ملت ایران و هیبت ملت ایران در چشم دشمنان بشود و جلو فتنه‌انگیزیهای دشمنان را بگیرد، ثانیاً یک مجلس کاملاً مفید برای ملت و نافع برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب و ارزشهای انقلاب به وجود بیاید و ان شا الله کمک حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) شامل حال همه‌ی ما باشد و ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام که این راه را جلو ما ملت ایران باز کرد، ان شا الله با پیغمبر و اولیائش محشور باشد.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

امام در وصیت‌نامه‌شان تاکید می‌کنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه‌ی اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ‌کس- هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای- نمی‌تواند و نباید ادعای مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستاجر این انقلاب بداند. اگر قرار بود کسی خود را نسبت به این انقلاب مالک و صاحب بداند، از همه مناسب‌تر و شایسته‌تر، خود امام بود که انقلاب بر محور عزم و اراده و شخصیت او به وجود آمد؛ ولی امام خود را هیچ‌کاره و خدا را همه‌کاره می‌دانند. این در بیانات امام موج می‌زند و در وصیت‌نامه به آن تاکید و تصریح شده است. پس صاحب این انقلاب مردمند. وظیفه‌ای بر دوش همگان سنگینی می‌کند و آن حفظ این امانت بزرگ الهی است. مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهت‌گیری‌های انقلاب است؛ به ارزشها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی- بعد دینی- را از انقلاب جدا کنند یا بعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بعد سلطه‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بعد ضد استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند. انگیزه‌های مختلف، به بهانه‌های مختلف همیشه ممکن است وارد میدان شوند، برای اینکه شعارهای انقلاب و هدفهای انقلاب را تغییر دهند. مردم باید هوشیار باشند؛ بدانند. این انقلاب با شعارهای خود زنده است. اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن است؛ پایند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی است؛ سلطه‌ستیزی است؛ ستیزه‌ی با استکبار است؛ دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه‌ی از همه‌ی مظلومان.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۷/۰۴/۰۲

گفتمان عمومی دولت این‌هاست؛ به طور خلاصه: زنده کردن و بازسازی برخی خصوصیات جوهری انقلاب و منطق امام؛ و مقابله‌ی با کسانی که می‌خواستند این ارزشها و این مفاهیم اساسی را منسوخ کنند، یا از بین ببرند، یا ادعا می‌کردند که منسوخ شده و از بین رفته؛ این چیز بارزتری است. این خصوصیت دوم و امتیاز دومی است که در این دولت هست.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

علت دشمنی عمیق و آشتی‌ناپذیر استکبار و در رأس آنها آمریکا و شبکه‌ی صهیونیستی دنیا با جمهوری اسلامی، این حرفهایی که گاهی گوشه و کنار گفته می‌شود - چه چیزهایی که آنها شعارش را میدهند، چه صورتی که بعضی در داخل میکنند - نیست. مسئله این است که جمهوری اسلامی یک «نفی» با خود دارد، یک «اثبات».

نفی استعمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله‌ی قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی میکند.

یک چیزهایی را هم اثبات میکند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش؛ نه فقط دنباله‌روی در مسئله‌ی دانش، و فتح قله‌های دانش؛ اینها جزو چیزهایی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری میکند.

این نفی و این اثبات؛ اینها دلیل دشمنی آمریکا و دشمنی شبکه‌ی صهیونیستی دنیاست. اگر نفوذ آمریکا را قبول کنیم، دشمنی‌ها کم خواهد شد؛ اگر راضی شویم که ملت ما به وسیله‌ی بیگانگان به طرق مختلف تحقیر شود، دفاع از هویت ملی یا دفاع از ارزشهای اسلامی را کنار بگذاریم، مطمئناً دشمنی‌ها به همین نسبت کم خواهد شد. اینکه می‌گویند جمهوری اسلامی رفتار خود را عوض کند، یعنی این. شنگته‌اید گاهی مسنولین سیاسی کشورهای مستکبر از قبیل آمریکا، درباره‌ی ایران که صحبت میکنند، می‌گویند؛ ما نمی‌گوئیم جمهوری اسلامی از بین برود، می‌گوئیم جمهوری اسلامی رفتارش را عوض کند. رفتارش را عوض کند، یعنی این؛ یعنی از این نفی و از این اثبات دست بردارد. این را می‌خواهند.

با همین ایستادگی در این نفی و در آن اثبات، جمهوری اسلامی توانسته با جبهه‌ی گسترده‌ی مجهز به انواع امکانات مواجه شود و در مقابل او مقاومت کند؛ همان حالتی که در هشت سال دفاع مقدس بود که شرق و غرب و اروپا و ناتو و بعضی از کشورهای عربی و همه، دست به دست هم دادند علیه جمهوری اسلامی و جمهوری اسلامی بالاخره همه‌ی آنها را وادار به عقب‌نشینی کرد و خود هیچ عقب‌نشینی نکرد. در عرصه‌ی سیاسی و در سالهای بعد از جنگ تا امروز همین معنا وجود داشته؛ یعنی جمهوری اسلامی توانسته در مقابل این جبهه‌ی عظیمی که در برابرش شکل پیدا کرده، بایستد؛ نه فقط عقب‌نشینی نکند، بلکه پیشروی کند و به دشمن ضربه وارد کند. این، اتفاق افتاده.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۴

همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است؛ در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندان که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ با اولین برخورد با یک جسم سخت در هم میشکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمانهای جمهوری اسلامی است؛ عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزا ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر مردمی بودن مسنولان کشور

را دست‌کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله‌ی خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده‌ی مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی‌های دشمن فراموش شود، اگر رودرپایستی‌ها، ضعفهای شخصی، ضعفهای شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخشهای اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمیکند؛ خیلی اثری نمیبخشد و پسوند «اسلامی» بعد از مجلس شورا؛ مجلس شورای اسلامی؛ دولت جمهوری اسلامی، به تنهایی کاری صورت نمیدهد. اصل قضیه این است که مراقب باشیم آن روح، آن سیرت از دست نرود، فراموش نشود؛ دلمان خوش نباشد به حفظ صورت و قالب. به روح، معنا و سیرت توجه داشته باشید. این، اساس قضیه است.

بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت / ۱۳۸۷/۰۹/۲۲

اجتناب از اشرافیگری؛ یعنی ضد ارزش کردن. در انقلاب ما این نکته وجود داشت؛ این را بتدریج بعضی‌ها سعی کردند کم‌رنگ کنند. این در مسائل اقتصادی ما اثر دارد، در مسائل روانی ما اثر دارد. اشرافیگری و گرایش به اشرافیگری، یک ضد ارزش بود در انقلاب. یعنی افرادی در سطوح مختلف بودند که از اینکه به اشرافیگری نسبت داده شوند، یا از آنها چیزی دیده شود که جزو خصوصیات اشرافیگری باشد، بشدت اجتناب میکردند. مسئولین کشور در درجه‌ی اول متعهد به این قضیه هستند و باید باشند. این تدریجا ضعیف شد. امروز خوشبختانه همان موج ضد ارزش کردن اشرافیگری، بحمدالله وجود دارد؛ یعنی دولت، مسئولین دولتی ساده‌زیستند، مردمی هستند و این خیلی فرصت خوبی است؛ نعمت بزرگی است. این یکی از شاخصهاست.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه / ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

جهت‌دهی جریان‌های سیاسی به پایبندی به ارزش‌های اسلامی- انقلابی، دفاع از منافع ملی، دشمن‌ستیزی، قانون‌پذیری و اصول اخلاقی

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه / ۱۳۸۷/۱۰/۲۱

انتظار می‌رود این سیاستها که با رویکرد مبنایی پیشرفت و عدالت تنظیم شده، بتواند در جای جای کلیه فعالیتهای کشور چه در بعد تقنین و چه در بعد اجرا ظاهر گردد. بی‌گمان اهتمام و دقت نظر جناب‌عالی و هیئت محترم دولت و مجلس محترم شورای اسلامی و سایر دستگاه‌های رئیسی نظام می‌تواند در این باره نقش تعیین‌کننده ایفا کند. انتظار دارم در دوره‌ی پنج‌ساله آینده اقدامات اساسی برای تدوین الگوی توسعه ایرانی- اسلامی که رشد و بالندگی انسانها بر مدار حق و عدالت و دستیابی به جامعه‌ی متکی بر ارزشهای اسلامی و انقلابی و تحقق شاخصهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در گرو آنست، توسط قوای سه‌گانه‌ی کشور صورت گیرد.

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی / ۱۳۸۷/۱۱/۲۸

همه بدانند که امروز دشمنان نظام جمهوری اسلامی از برکندن این بنیان مستحکم، احساس عجز می‌کنند؛ سعی‌شان این است که به وسائل گوناگون، به دست خود کسانی که تو این انقلاب بودند و هستند، از این محتوا ذره ذره بکنند. جمهوری اسلامی، اسمش جمهوری اسلامی باشد، اسمش نظام انقلابی باشد، اما از محتوای اسلام، از محتوای انقلاب در آن خیری نباشد. اسم چه ارزشی دارد؟ محتوا لازم است؛ محتوا مهم است. وظیفه‌ی من، وظیفه‌ی شما این است که از محتوای انقلابی، از اصول باارزش انقلاب دفاع کنیم و نگذاریم این مبانی باارزش و این ارزشهای والا نادیده گرفته بشود؛ این وظیفه‌ی ماست.

بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه امام حسین (ع) / ۱۳۸۸/۰۱/۲۶

تبریک عرض می‌کنم به شما جوانان عزیز و فرزندان و نورچشمان عزیز این ملت، ورودتان را به عرصه‌ی پاسداری از ارزشهای انقلاب اسلامی.

بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشگاه امام حسین (ع) / ۱۳۸۸/۰۱/۲۶

امروز شما در عرصه‌ی دیگری هستید؛ در عرصه‌ی علم، در عرصه‌ی پیشرفت از لحاظ روحیه، سازندگی خود و کشور و آمادگی برای دفاع. دشمنان، قدرتهای بزرگ مستکبر جهانی- که دشمنان ملتها، نه فقط دشمن ملت ایران، دشمنان انسانیت و فضیلت هستند- این‌ها غالبا با تشر زندگی می‌کنند، با نشان دادن ابهت کارشان را به پیش می‌برند؛ هیبت خودشان را بر ملتها تحمیل می‌کنند، با هیبت خودشان آنها را از میدان در می‌برند. از هیبت ابرقدرتها ترسید. هیبت معنوی شما در دل آنها، بیشتر از هیبت مادی آنها در دل ملتهاست. شما وقتی به ایمان خود، به آمادگی‌های خود، به دانش خود، به تدبیر خود، به حساب و کتاب مدبرانه و مدیرانه‌ی خود تکیه می‌کنید، آن وقتی که ارزشهای عظیم برآمده‌ی از دل انقلاب را اجر می‌نهیید و به آنها اعتنا می‌کنید، ایمان خودتان را با آنها حفظ می‌کنید، آنچنان ابهتی در دل همه‌ی ملتها از شما حاصل می‌شود که از ابهت آنها در دل ملتها بی‌خبر بیشتر است. امروز دشمنان می‌دانند با ملت ایران، با این جوانان مومن، با این مردان مصمم، با این مسئولان و دولتمردانی که به پایبندی به ارزشها افتخار می‌کنند، ملت ایران با چنین سرمایه‌های ارزنده‌ای، از هیچ تشری، از هیچ هیبتی واهمه نمی‌کند. این را می‌دانند.

بیانات در دیدار مردم بيجار / ۱۳۸۸/۰۲/۲۸

نسل جوان ما خوشبختانه امروز یک نسل غالب در سرتاسر کشور است. جوانها بهوش باشند، بیدار باشند. معیارها مشخص است. در انتخابات، این آگاهی باید اثر کند؛ در بیان خواسته‌های ملت این آگاهی باید تاثیر بگذارد؛ در حضور گوناگون، در مسائل مختلف، این آگاهی بایستی اثر بگذارد. ملت ایران در انتخابات خود- معیارهای انتخابات را من آن روز عرض کردم، این هم مکمل آنهاست- توجه کند؛ کسانی با رای ملت سر کار نیابند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا. ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیابند که بخواهند با تملق‌گویی به غرب، به دولتهای غربی، به دولتهای زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین‌المللی دست و پا کنند. این‌ها برای ملت ایران ارزشی ندارد. کسانی سر کار نیابند که دشمنان ملت ایران طمع بوزند که به وسیله‌ی آنها بتوانند صفوف ملت را از هم جدا کنند، مردم را از دینشان، از اصولشان، از ارزشهای انقلابیشان دور کنند. ملت باید آگاه باشد. اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامه‌ی راه امام و ارزشها و اصول ترسیم‌شده‌ی به وسیله‌ی امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است.

پیام درپی حضور حماسی مردم در دهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

انتخابات ۲۲ خرداد، با هنرنمایی ملت ایران، نصاب تازه‌ای در سلسله‌ی طولانی انتخاباتی ملی پدید آورد. مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوقها و رای بیست و چهار میلیونی به رئیس‌جمهور منتخب، یک جشن واقعی است که به حول و قوه‌ی الهی، خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند. دیروز شما توانستید ثابت کنید که ایران به برکت شعارها و ارزشهای انقلاب اسلامی، در برابر تهاجم سیاسی و روانی از چنان مصونیت و صلابتی برخوردار است که با گذشت سی سال از آغاز مردم‌سالاری دینی در این کشور، از همیشه تازه‌نفس‌تر و سرزنده‌تر در صحنه حاضر گشته و دوستان و دشمنان را به ادامه‌ی راه روشن خود مطمئن می‌سازد.

بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی / ۱۳۸۸/۰۴/۰۳

مجلس قوهی مفکره‌ی کشور است. فکر در لباس قانون تجلی می‌کند، بعد در سراسر وجود کشور سریان و جریان پیدا می‌کند. چیزی که دائم باید در نظر باشد، این است که ببینیم فکر این قوهی مفکره‌ی اولاً نسبتش با ارزشهای اساسی انقلاب چیست- چون این شاخه‌ای رونیده بر بدنه‌ی عظیم و قد کشیده و مستحکم انقلاب است دیگر- ثانیاً نسبتش با جامعه، با مشکلات کشور و با نیازهای مردم چیست. یک نگاه به مبدا، یک نگاه به منتها؛ یک نگاه به خاستگاه، یک نگاه به هدف؛ این باید روشن باشد. اگر این شد، آن وقت قوانین، هم اصیل خواهد بود، درست خواهد بود، صحیح خواهد بود، هم کارآمد خواهد بود. اگر اولی نباشد، قانون مثل شاخه‌ی از درخت بریده است؛ اصالت خود را از دست خواهد داد و دیگر قانون اصلی نیست. اگر دومی نباشد، قانون اصیل است، مشروعیت دارد، اما مقبولیت ندارد. اگر منطبق بر خواسته‌های جامعه و نیازهای فوری و به‌روز و نیز نیازهای بلندمدت جامعه نباشد، آن وقت دیگر مقبولیت نخواهد داشت به حسب هر مقداری که در آن جهت کمبود دارد. این یک نکته است که باید در نظر باشد.

حالا مثلاً فرمودید که به سیاستهای ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی توجه است. ببینید، این خودش یک شاخص است. اگر سیاستهای اصل ۴۴ را قبول داریم، فرض کنید قانونی بگذرانیم که با این سیاستها نخواند، چطور این مردود است از نظر شما؟ عین همین مسئله در شکل کلان مربوط به اصل ارزشهای انقلاب است، اصل مبانی انقلاب است. مبانی انقلاب را باید مرور کرد؛ فراموش نکنید. اینی که گفته بشود ما در نظرات امام- فرض بفرمائید حالت تعبیر «تردید» نمی‌کنند، اما حرف‌هایی می‌زنند که معنایش همان تردید است- تردید کنیم، این درست نیست. وصیت‌نامه‌ی امام، جمع‌بندی‌شده‌ی فرمایشات امام (رضوان الله تعالی علیه) مبانی انقلاب ماست، اصول انقلاب ماست. امام مرد بزرگی بود، آگاه بود، این‌ها را دانما در نظر داشته باشید. قانون، موضع‌گیری و حرکت بر این اساس باشد. ممکن است یک نفر یک‌جور بفهمد، یک نفر یک‌جور دیگر بفهمد- این اشکالی ندارد- اما باید هدف این باشد، محور این باشد.

بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوهی قضائیه / ۱۳۸۸/۰۴/۰۷

این نظام این‌قدر جواهر نخبه را به صحنه آورد و به پای انقلاب ریخت و این‌ها را از دست داد، اما نظام تکان نخورد. آن‌هایی که این ترورها را طراحی می‌کردند، قصدشان اشخاص نبود. در درجه‌ی اول قصدشان بی‌پایه کردن و تهی کردن و نخبه‌زدایی کردن از انقلاب بود، می‌خواستند انقلاب را با این ترورها، با این فقدانها به شکست بکشانند؛ اما این‌جور نشد و عکس این شد. یعنی پایه‌ی اصلی نظام که عبارت است از ارتباط مردم و نظام، بیشتر شد. این‌ها همه عبرت‌های انقلاب ماست. و به شما عرض بکنم امروز هم همین است. امروز هم اگر جان‌هایی خودشان را در معرض فداکاری و قربانی شدن برای نظام، برای خدا قرار بدهند و در این راه قربانی بشوند، این نظام مستحکم‌تر خواهد شد؛ ریشه‌های این نظام مثل همان شجره‌ی طیبه‌ای که در قرآن خدای متعال فرموده است، «اصلها ثابت و فرعها فی السماء»، این‌جور مستحکم است. دل‌پایمان را این‌جور با مبانی و اصول و ارزشهای انقلاب پیوند بدهیم.

بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت / ۱۳۸۸/۰۴/۱۶

یکی از اساسی‌ترین حرف‌هایی که در این انتخابات ملت ما زد - و در واقع باید گفت انقلاب ما زد - این بود که جمهوریت خودش را با فریاد قوی اثبات کرد. در واقع این حضور هشتاد و پنج درصدی، پتک جمهوریت بود بر سر دشمنانی که دائم علیه انقلاب هی حرف زدند، علیه اسلام حرف زدند، در پایه‌های جمهوریت نظام به خیال خودشان خدشه کردند. آن حضور قوی، نشان‌دهنده‌ی این معنا بود. بعد هم ملاحظه کردید که در اظهارات نامزدهای محترمی که وارد این میدان شدند، غالباً دم از پیروی خط امام و گرایش به ارزشها، دل‌بستگی به ارزشها در بیاناتشان بود؛ اگرچه حالا در بعضی از موارد حرفی زده می‌شد که منطبق با این کلی نبود، اما همه آنچه که می‌گفتند و آنچه که مطرح می‌کردند، می‌خواستند این را نشان بدهند که دل‌بستگی به راه امام، به خط امام، به انقلاب، به پایه‌های انقلاب وجود دارد. این خیلی حرف مهمی است. این نشان‌دهنده‌ی این است که همه احساس کردند که ملت ایران به این سمت گرایش دارد. این جهت کلی حرکت ملت ایران را نشان می‌داد؛ یعنی جهت اسلامیت، جهت هضم بودن و مطیع بودن در مقابل امر الهی‌ای که امام بزرگوار ما مظهرش بود. بنابراین، آن جمهوریت نظام و این اسلامیت نظام، با این انتخابات هر دوی این‌ها تثبیت شد؛ تأیید شد. این‌ها پیام‌های مهمی است؛ این‌ها را باید درک کرد و باید این پیام‌ها را فهم کرد.

بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس / ۱۳۸۸/۰۴/۲۳

یکی از نقصهای کار ما هم البته این است که ما آثارمان امکان انعکاس بین‌المللی، کمتر پیدا کرد. البته دلالتی دارد؛ این جشنواره‌های بین‌المللی، کارهایی را که حقیقتاً راوی خوب و درستی از دفاع مقدس یا از انقلاب یا از ارزشهای نظام جمهوری اسلامی باشد، مطلقاً به خود راه نمی‌دهند و دوست ندارند؛ مگر وقتی مجبور باشند یک چیزی را در مجموعه‌ی کار خودشان راه بدهند. سیاست جشنواره‌های بین‌المللی، سیاست برخلاف و برعکس این است؛ اما بالاخره مستمع به این جشنواره‌ها اختصاص ندارد و می‌توان مستمعینی، طالبانی، خوانندگانی برای کتابها، بینندگان برای فیلمهای دفاع مقدس پیدا کرد؛ در صورتی که برای کار و اثر ترجمه‌ی درست و خوبی انجام بگیرد که به نظر من یکی از عرصه‌های کار این است. امیدواریم که خداوند متعال به شماها توفیق بدهد، بتوانید در این زمینه‌ی کار دفاع مقدس هرچه تلاش ممکن است، انجام بدهید. هم مسئولین تلاش کنند، هم هنرمندان تلاش کنند، هم در بخشهای تحقیقاتی- که خیلی مهم است. خوشبختانه تحقیقات خوبی هم دارد در بعضی از مراکز انجام می‌گیرد- هم در آن بخشهایی که اسناد را در اختیار دارند؛ نگهداری اسناد، پردازش اسناد، تدوین اسناد؛ این‌ها خیلی مهم است؛ این‌ها نایبستی بگذارند از دست برود؛ در اختیار محققین قرار بگیرد و ان شا الله ادبیات دفاع مقدس از تحقیق استفاده کند؛ هنر دفاع مقدس هم از ادبیات و تحقیق حد اکثر استفاده را ان شا الله بکند.

بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۹/۰۴/۰۸

از یاد شهیدان عزیزمان، مرحوم شهید رجانی و شهید باهنر و همچنین شهید عراقی غفلت نکنیم؛ اینها در واقع سرسپرده و دل‌سپرده‌ی ارزشهای انقلاب بودند. علت اینکه خدای متعال نام و یاد اینها را باقی گذاشته، شاید همین است. این، نوعی شکر الهی و شکر پروردگار عالم است از بندگان خودش؛ «ان الله شاکر علیم». با اینکه ما هیچ طلبی نداریم، خدا هم شکرگزار می‌کند. خدای متعال از بندگان که با اخلاص کار کردند و همه‌ی سرمایه‌ی خودشان را آوردند وسط، شکرگزار می‌کند. یکی از بخشهای شکرگزار می‌کند همین است که این نام نیک در سالهای متمادی برای اینها باقی میماند. امیدواریم که ان‌شالله این چهره‌های نورانی، در جامعه‌ی ما همچنان زنده باشند؛ چون اینها نماد ارزشها هستند. زنده بودن اسم اینها به معنای زنده بودن ارزشهاست. یا باید به این شکل ان‌شالله جریان پیدا کند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی / ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

یکی دیگر از نقاط قوت ما در این مدت، انتقال ارزشهای انقلاب به نسل دوم و سوم بود. امروز شما جوانها را نگاه میکنید، می‌بینید این ارزشها را دریافت کرده‌اند. همین شهید عزیز اخیر ما، مصطفی احمدی روشن - شهیدی که شهادتش دل ما را سوزاند - یا آن شهید جوان قبلی، شهید رضائی‌نژاد، که اوائل امسال به شهادت رسید، اینها دو تا جوان، دانشمند، سی و دو سه ساله بودند؛ امام را درک نکردند، جنگ را درک نکردند، دوران انقلاب را درک نکردند، اما اینجور با شجاعت، با شهامت درس می‌خوانند، تحصیلات میکنند، مقامات عالی را طی میکنند؛ میدانند و می‌فهمند هم که مورد تهدیدند، اما می‌روند؛ این خیلی مهم است. این ارزش است؛ این ارزشهای انقلاب است در نسل سوم، احمدی روشن و رضائی‌نژاد و امثال اینها نسل سوم انقلابند. همین حرکت عظیم این جوانها که بعد از شهادت احمدی روشن اعلام کردند ما حاضریم بیائیم کار کنیم، خیلی مهم است؛ اینها را نباید دست‌کم گرفت. یکی از نقاط قوت و مثبت ما همین است که این ارزشها به

نسل‌های دوم و سوم منتقل شد. البته ریزش داشته‌ایم، توبه‌کار از انقلاب و پشیمان از انقلاب داشته‌ایم، اما رویش‌های ما بیشتر از ریزش‌های ما بوده است. نیروهای فرسوده ریزش پیدا کردند، اما نیروهای جوان و باطراوت بالا آمدند و رویش پیدا کردند.

انتصاب حجت‌الاسلام یعقوبی به امامت جمعه بجنورد / ۱۳۹۱/۰۴/۲۹

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ ابوالقاسم یعقوبی دامت توفیقاته اکنون که جناب حجت‌الاسلام‌المسلمین آقای حاج شیخ حبیب الله مهمان نواز دامت برکاته پس از دوره‌ای طولانی خدمات تحسین برانگیز و ارزشمند به فرهنگ دینی مردم منطقه و ارتقا ارزش‌های انقلابی و اسلامی در آن سامان، بخاطر ضعف جسمانی مسئولیت امامت جمعه را واگذار کرده‌اند، جنابعالی را که به زیور علم و عمل آراسته و از سوابق قابل تقدیری در مسئولیت‌ها برخوردارید به امامت جمعه شهر بجنورد منصوب می‌کنم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

توانائی و ظرفیت ملت ایران در حفظ انقلاب و پاسداری انقلاب عظمت و اهمیتی دارد که شاید بشود گفت از اهمیت خود اصل انقلاب کمتر نیست. ملت ایران در طول این سی‌وسه سال توانست این دستاورد عظیم را با کیفیت بالا حفظ کند. شما به این انقلابیانی که در این یک سال و نیم اخیر در منطقه اتفاق افتاده است، نگاه کنید. شما که به طور مجموعی نگاه میکنید، میتوانید قضاوت کنید که این انقلابها در جهت درست حرکت میکنند یا نمیکند. دشمنان، مستکبرین، به طور مشخص رژیم صهیونیستی، دولت آمریکا، دولتهای غربی، دارند تلاشهایی میکنند برای اینکه بر این انقلابها سوار شوند و آنها را منحرف کنند. شما ببینید اینها دچار چه چالشهای بزرگی هستند.

با توجه به این چالشها انسان میفهمد چه کار بزرگی در کشور ما انجام گرفته است که این انقلاب در جهت درست به سمت آرمانها راه خودش را حفظ کرده است؛ از ریل ارزشها و آرمانها بیرون نیفتاده است و حرکت خود را به جلو ادامه داده است. این در حالی است که چالشها و تهدیدها هم روند فزاینده‌ای داشته. از روز اول، تهدیدهایی که انقلاب و کشور با آنها مواجه بوده، دائما پیچیده‌تر شده؛ هم ترور بود، هم شورشهای قومی بود، هم جنگ بود، هم تحریم بود، هم محاصره بود. هرچه جلوتر آمدیم، تهدیدها را پیچیده‌تر کردند؛ دشمنان و مخالفین نظام، سردمداری کردند. ماجراهای تیر سال ۷۸، ماجراهای سال ۸۸، همه انواع و اقسام تهدیدهایی است که این انقلاب و این کشور و این ملت با آنها مواجه بود. این ملت از همه‌ی اینها عبور کرد و با استحکام در راه خودش دارد پیش میرود. اینها چیزهایی است که ما امروز و همیشه نیاز داریم که آنها را مورد نظر قرار بدهیم؛ ما را کمک خواهد کرد در پیمودن راههای دشوار، گذشتن از پیچهای تند و گردنه‌های سخت.

چیزی که در این حرکت سی‌وسه ساله انسان مشاهده میکند، درسی که انقلاب داد و امام بزرگوار باقی گذاشت، این است که در این حرکت سی و سه ساله، آرمانها و آرزوهای عظیمی که اسلام آنها را به ما القا میکند و تعلیم میدهد، از نظر دور نماند؛ در عین حال واقعیت‌های موجود جامعه و جهان هم مورد توجه قرار گرفت؛ این کمک کرد به این که این حرکت بتواند ادامه پیدا کند؛ یعنی ترکیب آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی با واقع‌بینی. یک حرفی را سر زبانها انداختند، درباره‌اش نوشتند و گفتند؛ الان هم انسان در گوشه و کنار میشنود که ملاحظه‌ی واقعیت‌های جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی نمیسازد. آرمان‌گرایی را اشتباه کردند با رویاگرایی. آنچه که ما میخواهیم دنبال کنیم و اصرار بر آن داریم، این است که واقع‌بینی، مشاهده‌ی واقعیت‌های جامعه و جهان، با آرمان‌گرایی و تعقیب آرمانها و آرزوهای بزرگ ملت ایران هیچگونه تنافی و تعارضی ندارد. اگر ما توانستیم آرمان‌گرایی را با واقع‌بینی و واقع‌گرایی همراه کنیم، ترجمه‌ی عملیاتی‌اش میشود اینکه ما تدبیر را با مجاهدت ترکیب کنیم؛ هم مجاهدت کنیم و مجاهدانه حرکت کنیم، هم این حرکت مجاهدانه در یک چهارچوب تدبیرشده‌ای قرار بگیرد؛ که این، آگاهی عمومی، آگاهی دست‌اندرکاران، همراهی دلها و زبانها در همه‌ی عرصه‌ها را میطلبد.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۱/۰۶/۰۲

یک بخش دیگر از این نقاط قوتی که به نظر من روی آن باید تکیه کرد، مسئله‌ی برجسته شدن ارزشهای انقلاب است. در این سالهایی که دولت نهم و دولت دهم بر سر کار بودند تا امروز، گفتن انقلاب و ارزشهای انقلاب و چیزهایی که امام به آن توصیه میکردند و ما آنها را از انقلاب آموختیم، خوشبختانه کاملا برجسته شده؛ مسئله‌ی ساده‌زیستی مسئولان، استکبارستیزی، افتخار به انقلابیگری، یک دوره‌ای بر ما گذشت که اسم انقلاب و انقلابیگری و اینها به انزوا افتاده بود؛ سعی میکردند به عنوان یک ارزش منفی یا ضد ارزش، از این چیزها یاد کنند؛ مقاله مینوشتند، حرف میزدند، گفته میشد. امروز خوشبختانه اینچنین نیست، درست بعکس است؛ گرایش عمومی مردم و مسئولان کشور به حرکت انقلابی، جهتگیری انقلابی، ارزشهای انقلابی و میانی انقلاب است. این را توجه داشته باشید که یکی از عوامل گرایش مردم به دولت، همینهاست؛ یعنی مردم به این ارزشها اهمیت میدهند. مسئله‌ی دعوت به عدالت، مسئله‌ی ساده‌زیستی، دور بودن مسئولان از تجمل؛ اینها خیلی چیزهای مهمی است.

بیانات در آخرین دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت دهم / ۱۳۹۲/۰۴/۲۲

یک نکته‌ی دیگر هم که در مورد این دولت در طول این هشت سال مورد نظر بود و بارها هم به آن اشاره کردم، این است که این دولت بحمدالله توانست شعارهای انقلاب را سر دست بگیرد و به آنها افتخار کند و آنها را در جامعه مطرح کند. یکی از کارهای مهمی که جبهه‌ی ضدانقلاب - چه انقلاب ما، و چه انقلابهای دیگر - در طول تاریخ و در عرض دنیا داشتند و میکردند، این بوده است که سعی کنند ارزشهای انقلاب را کمرنگ کنند. به اینجا هم محدود نمیشود؛ اول ارزشها را کمرنگ میکنند، بتدریج آنها را محو میکنند؛ اگر میدان پیدا کنند، آنها را تبدیل به ضد ارزش میکنند؛ این کاری است که در دنیا معمول است؛ این را ما در تاریخ انقلابهای دنیا مشاهده میکنیم؛ و در انقلابیانی هم که زمان خود ما - در طول این عمر طولانی‌ای که ما کردیم - دیدیم و خبر شدیم، این را مشاهده کردیم. جبهه‌ی مقابل انقلاب و ضدانقلاب، شعارهای انقلاب را هرگز فراموش نخواهد کرد؛ یعنی میدانند که در این رویارویی، در این هم‌اوردی، آن چیزی که توانست جبهه‌ی انقلاب را پیروز کند و جبهه‌ی ضدانقلاب را به هزیمت وادار کند، در درجه‌ی اول این شعارها بود؛ که هرچه شعارها پررنگ و جذاب و واقعی و برای مردم مفهوم و ملموس بود، کمک آن به پیشرفت انقلاب بیشتر شد. سعی میکنند این شعارها را بتدریج محو کنند، کمرنگ کنند.

در مورد کشور و انقلاب ما هم این کار را دشمن شروع کرد؛ البته موفق نشدند؛ خدا را شکر میکنیم. دشمن نتوانست شعارهای انقلاب را کمرنگ و سپس محو کند. به نظر من یک بخش عمده‌ای از این هم مربوط میشود به هوشیاری امام بزرگوارمان. آنچه که امام بزرگوار از اظهارات خود، از گفته‌های خود، از نوشته‌های خود در میان ما باقی گذاشت، بیانات است، محکومات است؛ متشابهات نیست که کسی آنها را نفهمد. آخرین سخن امام هم وصیتنامه‌ی امام است. من همیشه به مسئولین و کسانی که در دولتهای گوناگون یک کار مهمی دستشان بوده است، توصیه میکردم که به وصیتنامه‌ی امام مراجعه کنند. وصیتنامه‌ی امام، لب ارزشهای مورد نظر امام است؛ اینها را امام باقی گذاشته، زنده گذاشته است. لذاست که این ارزشها قابل تحریف نیست، قابل تغییر نیست. بله، ندیده گرفتن اینها امری است که میسر است برای کسانی که بخواهند ندیده بگیرند.

این دولت این شعارها را مطرح کرد، برجسته کرد، سر دست گرفت، به آنها افتخار کرد؛ در مجامع جهانی، احساس شرم از انگیزه‌های انقلابی و از اهداف انقلابی و از شیوه‌های انقلابی نکرد؛ این خیلی کار بزرگی بود.

بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها / ۱۳۹۲/۰۵/۱۵

این پیشرفت علمی و این توفیقاتی که تا امروز در محیط علمی کشور اتفاق افتاده است، به برکت انقلاب اسلامی است؛ این به برکت اسلام است، به برکت انقلاب

است. اگر عامل فعال و پیشبرنده انقلاب و اعتقاد دینی نمیتوانست اوضاع کشور را به طور عموم و از جمله در مسئله علم تحت تاثیر قرار دهد، یقیناً شعاع نفوذ قدرتهای سلطه‌گر اجازه نمیداد یک کشوری مثل ایران - که آنها چشم طمع به آن دوخته‌اند - بتواند در زمینه علم این پیشرفت‌ها را بکند و این خودباوری و اعتماد به نفس را به دست آورد؛ نمیگذاشتند؛ کمابینه جاهای دیگر هم نمیگذارند؛ آنجائیهایی که آنها تسلط و نفوذ دارند. این انقلاب اسلامی بود که آمد آن فضا را شکست و فضای علمی را غالب کرد. بنابراین همه باید خودمان را مدیون بدانیم و متعهد بدانیم به حفظ و پاسداری آرمانهای انقلاب و ارزشهای انقلاب.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۹۳/۰۶/۰۶

اولین شاخص [جولت اسلامی]، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - بخصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی میشود. این شاخص اول است. ما خوشبختانه برای اعتقاد درست و برای آنچه که باید آن را حق دانست، دچار ابهام و سردرگمی نیستیم؛ علاوه بر منابع اسلامی - که حلال. ممکن است از منابع اسلامی، افراد گوناگونی تلقی‌های مختلفی داشته باشند - ما مجموعهی رهنمودهای امام بزرگوار را داریم؛ امام، مورد اعتقاد و قبول و اذعان همه ما است. خب، مجموعهی بیانات امام، مجموعهی موضع‌گیری‌های امام، مجموعهی رهنمودهای امام در اختیار ما است. این شد آن شاخص؛ به این باید اعتقاد داشته باشیم؛ بر طبق این باید عمل بکنیم؛ در موارد اشتباه، به این شاخص اصلی مراجعه بکنیم؛ این میشود سلامت اعتقادی. اصول و ارزشهای انقلاب هم همینها است، مبانی ارزشی انقلاب هم در همین بیانات وجود دارد. اینها چیزهایی است که اگر به آنها پایند باشیم و دلبسته‌ای به آنها باشیم و برنامه را بر اساس این دلبستگیها انجام بدهیم، به نظر میرسد که کار موفق و خوش‌آینده خواهد بود و پیش خواهیم رفت.

دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۳/۰۶/۱۸

نماز جمعه نسبت به اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی نیز وظیفه دارد و نماز جمعه باید به ارزشهای اسلامی پایبندی مبتنی بر مبانی فکری و عقلی داشته باشد.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

آن چیزی هم که میتواند استقلال را تامین بکند برای انقلاب اسلامی ما، تکیه صریح و شفاف بر مبانی انقلاب است؛ اصول انقلاب، مبانی انقلاب، ارزشهای انقلاب، به‌شکل صریح و شفاف مورد تکیه باید قرار بگیرد. همچنانکه امام بزرگوار این‌چنین بودند؛ امام از اول شروع نهضت، همه‌ی حرف خود را صریح، بدون ابهام بیان کرد. از اول، امام رژیم طاغوتی موروثی استبدادی سلطنتی را نفی کرد، ملاحظه نکرد؛ از اول معلوم بود که امام دنبال یک نظام و یک تشکیلات مردمی است. سلطنت موروثی، مردود؛ نظام استبدادی، مردود؛ نظام فردی و منکی به اراده‌ی فرد، مردود؛ اینها را امام صریح بیان کرد؛ پرده‌پوشی نکرد. امام بصراحت بیان کرد که نظام اسلامی - نظامی بر مبنای اندیشه‌ی اسلام و ارزشهای اسلامی - باید سر کار بیاید؛ پرده‌پوشی نکرد. امام در قضیه‌ی مقابله‌ی با شبکه‌ی صهیونیستی خطرناکی که بر دنیا می‌خواهد حکومت بکند، هیچ ملاحظه‌ای نکردند، حرفی را پوشیده نگذاشتند، صراحتاً در مقابل صهیونیسم موضع گرفت. امام در مقابل رژیم صهیونیستی که یک رژیم جعلی و غاصب است که بر منطقه‌ی فلسطین مظلوم حکومت میکند، صریحاً موضع گرفت؛ هیچ ملاحظه‌ی پرده‌پوشی نکرد؛ ببینید اینها اصول و پایه‌ها است. امام در اینکه ما با نظام سلطه مخالفیم، هیچ پرده‌پوشی نکرد. نظام سلطه یعنی آن نظام بین‌المللی‌ای که منکی است به تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ امام قاطعاً این را رد کرد. آن نظام سلطه هم در شکل کامل خود تجسم و تجسد پیدا میکند در رژیم و دولت کنونی ایالات متحده آمریکا؛ لذا امام صریحاً در مقابل آمریکا موضع گرفت. موضع‌گیری ما در مقابل آمریکا به مناسبت این نیست که اینها یک ملتی باشند که ما با این ملت مخالف باشیم یا خصوصیات نژادی تاثیری داشته باشد؛ مسئله اینها نیست؛ مسئله این است که منش و ذات و رفتار دولت ایالات متحده آمریکا، مداخله‌گری و سلطه‌گری است؛ امام در مقابل این، موضع صریح و شفاف گرفت. برای همین است که شما می‌بینید انقلاب بعد از گذشت ۲۵ سال بر اصول و مبانی و بر ریل حقیقی خود استوار و پابرجا است؛ انقلاب عوض نشد، حرف خود را عوض نکرد، راه خود را عوض نکرد، هدفهای خود را عوض نکرد؛ خیلی مهم است.

بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام / ۱۳۹۳/۰۲/۲۰

در همه‌ی مسائل زندگی - در دانش، در مدیریت، در پیشبرد سبک زندگی، در حفظ ارزشهای انقلابی؛ در همه‌ی مسائل مهم - همین چند نکته، هم لازم است و هم ممکن؛ هم باید نوآوری و ابتکار را در همه‌ی کارها مورد توجه جدی قرار داد، هم زیبایی و چشم‌نوازی را، هم پرمغز بودن و پرمضمون بودن را؛ از کارهای سطحی در همه‌ی مسائل زندگی و مهم کشور باید صرف‌نظر کرد و به کارهای عمیق، پرمغز و ماندگار توجه کرد.

بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

Friday September ۲۰ ۲۰۱۶

PM ۲:۱۳

برای انقلابی بودن شاخصهایی وجود دارد. من پنج شاخص را در اینجا ذکر میکنم. البته بیش از اینها میشود خصوصیات را گفت لکن من فعلاً پنج شاخص برای انقلابی‌گری ذکر میکنم که ما باید سعی کنیم در خودمان این پنج شاخص را ایجاد کنیم و حفظ کنیم، هرچا هستیم؛ یکی در کار هنر است، یکی در کار صنعت است، یکی در کار فعالیت سیاسی است، یکی در کار فعالیت علمی است، یکی در کار فعالیت اقتصادی و بازرگانی است؛ فرقی نمیکند؛ این شاخصها در همه‌ی افراد ما ملت ایران میتواند وجود داشته باشد. پنج شاخص که اینها را شرح خواهم داد [عبارتند از]: شاخص اول، پایبندی به مبانی و ارزشهای اساسی انقلاب {...}

شاخص اول، پایبندی به ارزشهای مبنائی و اساسی اسلام است. بنده در سال گذشته در همین جلسه راجع به مبانی امام صحبت کردم؛ مبانی اساسی ما اینها است. مبانی اول، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است، اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد؛ یک شاخه اسلام متعجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرتهای مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده‌اند و میکنند؛ یک جاهایی آنها را به وجود می‌آورند، یک جاهایی آنها را راهنمایی میکنند، یک جاهایی آنها را کمک میکنند؛ اسلام ناب در مقابل آنها است؛ اسلام ناب اسلامی است که همه‌جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل میشود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصی‌مان معین میکند، هم تکلیف ما را در جامعه معین میکند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین میکند؛ این اسلام ناب است. این یکی از مبانی است که باید به این پایند بود.

یکی دیگر از مبانی، محور بودن مردم است که وقتی ما مردمی بودن را و محور بودن مردم را با اسلام همراه میکنیم، ترکیب آن میشود جمهوری اسلامی؛ جمهوری اسلامی یعنی این؛ مردم محورند، مقاصد برای مردم است، هدفها متعلق به مردم است، منافع مال و ملک مردم است، اختیار در دست مردم است؛ اینها مردمی بودن است؛ رای مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود.

یکی از آن مبانی اساسی و ارزشهای اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحول، به تکامل، و تعامل با محیط، البته با پرهیز از انحرافها و خطاهایی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد. تحول و تکامل؛ هم فقه ما، هم جامعه‌شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما باید روزبه‌روز بهتر بشود، منتها به دست آدمهای خیره، به دست آدمهای وارد، به دست انسانهای اهل تعمق و کسانیه که اهلیت ایجاد راه‌های نو را

دارند؛ نیمه‌سوادها و آدم‌های ناوارد و مدعی نمیتوانند کاری انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ اینها همه یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاده باید حرکت کرد.

حمایت از محرومان؛ یکی از مبانی اساسی و ارزش‌های اساسی نظام اسلامی عبارت است از حمایت از محرومان. یکی دیگر حمایت از مظلومان است در هر نقطه‌ی عالم. اینها ارزش‌های اساسی انقلاب است؛ از اینها نمیشود صرف‌نظر کرد. اگر کسی، کسانی یا جریانی نسبت به محرومین بی‌تفاوت باشد، یا نسبت به مظلومان عالم بی‌تفاوت باشد، این شاخص در او وجود ندارد.

خب، اگر این پایبندی به ارزش‌های اساسی وجود داشت -که این شاخص اول بود- حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود و در تندباد حوادث، این حرکت تغییر پیدا نمیکند. [اما] اگر این پایبندی وجود نداشت، نقطه‌ی مقابل این پایبندی، عمل‌گرایی افراطی است؛ یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن؛

میکشند از هر طرف، چون پر کاهی مرا

وسوسه‌ی این‌وآن، دمدمی خویشتن

این میشود عمل‌گرایی؛ هر روزی انعطاف به یک جهت و به یک سمت؛ این منافات دارد با آن پایبندی. در تعبیر قرآنی، این پایبندی به ارزش‌ها را «استقامت» نام نهاده‌اند: فاستقم كما أمرت و من تاب معك -آیه‌ی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی هود- یا ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائكة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة؛ در تعبیر قرآنی، اسم این پایبندی به مبانی و ارزش‌ها استقامت است.

بیانات در مراسم دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش / ۱۳۹۵/۰۷/۰۷

این کشور به‌خاطر استقلال، به‌خاطر ایمان، به‌خاطر اعتقاد به اسلام، به‌خاطر اعتقاد به حاکمیت دین خدا در زمین و در جامعه، به‌خاطر ارزش‌ها و الایی که در نظر دارد، یک جبهه‌ی بزرگی هم از دشمنان دارد که اینها دائم مشغولند. البته نزدیک به چهل سال است که مشغول حمله کردن و یقیناً ناکام شدند؛ تا امروز ناکام شده‌اند، بعد از این هم به توفیق الهی ناکام خواهند شد.

بیانات در مراسم دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش / ۱۳۹۵/۰۷/۰۷

در دوران دفاع مقدس همه‌چیز کشور مورد تهاجم قرار گرفت؛ نه فقط مرزهای کشور، [بلکه] هویت ملی کشور، نظام اسلامی کشور، انقلاب بزرگ ملت ایران، ارزش‌های فراوانی که این ملت بزرگ در مقابل چشم خود قرار داده بود، همه مورد تهاجم قرار گرفت.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۶/۰۱/۰۱

در سال ۹۵ -سال گذشته- با وجود اینکه کشور دچار مشکلات اقتصادی بود ولی ملت ایران از دو جهت خوش درخشید؛ هم از جهت پایبندی به مسائل انقلاب و ارزش‌های انقلاب و نظام اسلامی که مظهر آن پرشور بودن راه‌پیمایی عظیم بیست‌ودوم بهمن و اجتماعات مردم در مورد مسائل مربوط به انقلاب بود که نشان دهنده‌ی پایبندی و شور و هیجان و دل‌بستگی ملت ایران به مسائل انقلاب بود؛ جهت دوم، پایبندی مردم به مسائل ایمانی و دینی بود. امسال به گزارش مورد اطمینانی که از سراسر کشور در ماه مبارک رمضان، در ماه محرم و ماه صفر و بقیه‌ی مراسم دینی داده شد، شور و حضور و دل‌بستگی مردم به مسائل ایمانی، از همیشه بیشتر بود. هم در قضایای مربوط به انقلاب، هم در قضایای مربوط به مسائل دینی و ایمانی، حضور مردم و بروز هم‌ت‌های بلند مردم از همیشه بیشتر بود. این خیلی مهم است از این جهت که اولاً سمت و سوی حرکت ملت ایران را و هویت ملت ایران را به رخ دوست و دشمن میکشد. نه راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن مربوط به یک سلیقه‌ی سیاسی است و نه جلسات محرم و ماه رمضان و اعتکاف و راه‌پیمایی اربعین مربوط به یک سلیقه‌ی سیاسی است، [بلکه] مربوط به همه‌ی ملت ایران و مربوط به همه‌ی سلاخ‌گونگان کشور است. پس این نشان میدهد که سمت و سوی حرکت ملت ایران، سمت و سوی انقلابی و دینی است؛ مربوط به هر سلیقه‌ی سیاسی که باشند. [پس] هویت ملت ایران را به رخ دوست و دشمن کشید. این یک، دوم اینکه اجتماع عمومی مردم و وحدت ملی را هم به همه نشان داد. وقتی شما این سال ۹۵ را از آغاز تا انجام نگاه کنید، همه‌ی قضایا این دو نشانه‌ی مهم را نشان میدهد؛ هم همبستگی مردم را در مسائل اساسی زندگی با وجود اختلاف‌نظرها در مسائل فرعی و سیاسی گوناگون نشان میدهد -اما در جهت اصلی که جهت نظام و جهت انقلاب است، مردم همسو و هم‌جهتند- این یک، و بعد دل‌بستگی مردم را نشان میدهد به انقلاب و به نظام و به مسائل دین و ایمان؛ این در دنیا خود را نشان داده است، این به رخ دشمن و دوست کشیده شده است؛ این [مربوط به] سال ۹۵.

بیانات در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۹۶/۰۲/۱۲

انقلاب را بزرگ بدارید، گرمی بدارید، شما که دلسوز کشور و ملت هستید ارزش‌های انقلاب را به‌معنای واقعی کلمه زنده کنید و احیا کنید؛ کشور به این احتیاج دارد. این‌جور نباشد که ما به‌خاطر اهداف کوتاه‌مدت، به‌خاطر تحولات گوناگون عرصه‌ی سیاست‌های روزمره و زودگذر، از آن ارزش‌های والا فراموش کنیم، انقلاب را فراموش کنیم. امروز ما اگر میخواهیم در میدان علم پیش برویم، در میدان سیاست پیش برویم، در میدان اقتصاد پیش برویم، اگر میخواهیم کارهای بزرگ انجام بدهیم، احتیاج داریم به جرئت و اعتمادبه‌نفسی که انقلاب به یک ملت میدهد و به ما داد. آن جرئت و اعتمادبه‌نفس را از بین نبرید، آن را تضعیف نکنید. امروز ملت ایران به آن اعتمادبه‌نفس نیاز دارند؛ امروز هم جوان ما آماده است برای اینکه در راه‌های بزرگ، در کارهای بزرگ سینه سپر کند، وارد بشود، وارد میدان بشود؛ من عرض میکنم ما در داخل کشور میلیون‌ها جوان داریم که اگر تجربه‌ی مثل تجربه‌ی سال‌های ۶۰ برای کشور پیش بیاید، قطعاً اینها با کمال قدرت، با کمال عزت نفس، با کمال دل‌آوری و عزم وارد میدان میشوند و کشور را حفظ میکنند و نگه میدارند.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها / ۱۳۹۶/۰۲/۲۱

من حرف عمده‌ام امروز -که البته وقت زیاد نیست؛ بنده هم حالا تا آنجایی که بتوانم و حال و حوصله کمک کند عرض میکنم- توجه به مسئولیت معلمی و مسئولیت استادی است؛ این عرض عمده‌ی ما است. بالاخره استاد در محیط دانشگاه یک نقش‌آفرینی منحصر‌به‌فردی دارد. گمان نشود که حالا این جوانها هر کدام یک حرفی دارند، یک فکری دارند؛ نه، شما اثرگذارید در روح جوان، در دل جوان، در فکر جوان؛ او را وادار به فکر میکنید، وادار به حرکت میکنید؛ خیلی میتوانید اثر بگذارید. نقش استاد دانشگاه و معلم جوانان دانشجو، یک نقش کم‌نظیر و بی‌بدیلی است. اگر استاد احساس مسئولیت داشته باشد، متعهد باشد، مثبت‌اندیش باشد، امیدوار باشد، عزم و نیت قاطع برای اقدام در کشور داشته باشد، این در دانشجو اثر میگذارد. اگر استاد معتقد به اصالت‌های میهنی خودش، اصالت‌های سرزمینی خودش باشد، معتقد به مبانی دینی خودش باشد، معتقد به مبانی انقلابی خودش باشد، در دانشجو اثر میگذارد. عکسش هم همین‌جور [است]؛ استادی که نگاهش به بیرون از مرزها است، هیچ اعتقادی به محدوده‌ی کشور و مفاهیم رایج کشور و مفاهیم معتبر هویت قومی خودش ندارد و بی‌اعتنا است، طبعاً همان‌جور دانشجویی را تربیت میکند. این را ما در یک دوره‌ی مشاهده کردیم؛ حالا دیگر نمیخواهم وارد بحث بشوم؛ در یک دوره‌ی بسیار تلخی -در اوایل دوره‌ی پهلوی- این را در کشور دیدیم که چه‌جور اساتیدی، چه‌جور شاگردانی تربیت کردند، چه نسلی به وجود آمد که اگر انقلاب نمیشد، خدا میداند که آن نسل بکلی تهیدست از همه‌ی اصالت‌ها -اصالت‌های دینی و وطنی و ملی و همه‌چیز- و آنهایی که داشتند رو می‌آمدند، چه بر سر این کشور می‌آوردند. انقلاب واقعا نجات داد کشور را، از این بعد که آن تربیت‌شده‌ها، آن نسلی که در آن مجموعه و در آن دانشگاه و در آن محیط تربیت شده بودند، خدا میداند که چه میکردند با این کشور اگر میخواستند سر کار بیایند.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها / ۱۳۹۶/۰۳/۳۱

اساتید ما باید نقش خودشان را در ایجاد بالندگی در دانشگاه از یک سو، و حراست از ارزشهای انقلاب و اسلام در دانشگاه از سوی دیگر پیدا کنند و تعریف کنند؛ یعنی باید نقش‌آفرینی کنند. شما اساتید محترم در دانشگاه باید نقش‌آفرینی کنید. انگیزه‌های مخالف وجود دارد، باید نقش‌آفرینی بشود. دو جور نقش‌آفرینی وجود دارد؛ یکی شاگردپروری و عالم‌پروری است یعنی نقش‌آفرینی روی دانشجو؛ یکی نقش‌آفرینی در بیرون محیط دانشگاه؛ دو جور نقش‌آفرینی ما توقع داریم که اساتید دانشگاه ما داشته باشند.

بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها / ۱۳۹۶/۰۳/۳۱

نظام اسلامی حرفهای زیادی دارد؛ حرفهای تازه‌ی زیادی دارد- و در دهه‌های آینده، نیروی انسانی ما، نیرویی که امروز شما دارید تربیت میکنید، با همت خود، با عزم خود، با سواد خود و دانشی که آموخته، با روحیاتی که به او داده شده، خواهد توانست این حصار وابستگی و تعطیل و مانند اینها را بشکند و واقعا یک حرکت به معنای واقعی بکند و ایران و ایرانی در جایگاه واقعی خودش قرار بگیرد؛ یا این خواهد شد، یا خدای نکرده، وارد یک دوران تحقیرشدگی طولانی دیگری خواهد شد، اگر چنانچه این خصوصیات را نیروی انسانی ما نداشته باشد؛ اگر نیروی انسانی ما وابسته اندیشید، وابسته حرکت کرد، از وابستگی خوشش آمد، قدر استقلال را ندانست، قدر اسلام و ارزشهای اسلامی را ندانست، به خودش بی‌اعتماد بود -اگر این‌جور بود- آنوقت ما وارد یک دالان تاریک طولانی دیگری خواهیم شد، مثل همین دورانی که در زیرسلطه‌ی غرب از اندکی قبل از مشروطه تا قبل از انقلاب قرار داشتیم که با زحمت زیاد و با تلاش زیاد، توانستیم خودمان را به یک نحوی نجات بدهیم؛ باز وارد همان فرآیند تلخ دشوار گذشته خواهیم بود. این بستگی دارد به اینکه شما امروز این دانشجو را چه‌جوری پرورش بدهید. بنابراین پرورش دانشجو به نظر من خیلی مهم است.

متن حکم تنفیذ دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۹۶/۰۵/۱۳

با استمداد از هدایت و عنایت پروردگار و در سایه‌ی توجهات حضرت ولی‌الله‌اعظم (ارواحنا فداه) و با تیرک و تفال به همزمانی با ایام ولادت حضرت امام ابی‌الحسن‌الرضا (علیه‌الآل‌والتحیوه‌الطائبین)، اینجانب به پیروی از گزینش ملت ایران، رای آنان را تنفیذ و دانشمند محترم جناب حجت‌الاسلام آقای دکتر حسن روحانی را به ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب میکنم و با دعا برای موفقیت ایشان، موکدا توصیه میکنم که این منصب خطیر را وسیله‌ای برای کسب رضای الهی و ذخیره‌ای برای هنگامه‌ی لقا پروردگار قرار دهند و همت خود را متوجه استقرار عدالت، و جانب‌داری از محرومان مستضعف، و اجرای احکام اسلام ناب، و تقویت وحدت و عزت ملی، و توجه به توانمندی‌ها و ظرفیتهای عظیم کشور، و صراحت در بزرگداشت ارزشها و مبانی انقلاب اسلامی نمایند، و مطمئن باشند که ملت غیور و شجاع، خدمتگزاران کشور را در دشواری‌ها و در مقابله با زورگویی‌ها و زیاده‌خواهی‌های استکبار تنها نخواهد گذاشت. لازم میدانم بار دیگر درباره‌ی اجرای برنامه‌ی اقتصاد مقاومتی و توجه ویژه به موضوع اشتغال و تولید داخلی تاکید کنم و یادآوری نمایم که رای ملت و تنفیذ آن، موکول به حفظ و رعایت تعهد به صراط قویم و مستقیم اسلامی و انقلابی است.

دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت با رهبر انقلاب / ۱۳۹۶/۰۶/۰۴

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنانشان، «حفظ جهت‌گیری و روحیه‌ی انقلابی و دینی در دیپلماسی» را مهم خواندند و تاکید کردند: باید در مسائل دیپلماسی به انقلاب خود افتخار کنیم و از عمل کردن به هنجارهای ملی یعنی هنجارهای برآمده از انقلاب، نظیر ایستادگی در مقابل استکبار، ظلم‌ستیزی و مخالفت با نظام سلطه، احساس عزت کنیم. ایشان خاطرنشان کردند: پایبندی به مواضع و هنجارهای انقلابی باعث تشخیص و برانگیختن احترام دیگران می‌شود، ضمن اینکه این کار با استفاده از نرمش‌ها و پیچش‌ها و طنزهای هنر دیپلماسی منافاتی ندارد.

بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران / ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

این را هم ما عرض میکنیم، انقلاب ادامه دارد. اینکه بعضی‌ها این‌جور القا کنند، این‌جور بنویسند و بگویند که «خب انقلاب یک حادثه‌ای بود، تمام شد؛ برگردیم به زندگی عادی»، این خیانت به انقلاب است؛ انقلاب تمام نمیشود. من آن روز در این جمع این آقایان مسئولین گفتم: (۸) انقلاب، هنجارهای گذشته را به هم میریزد، هنجارهای جدیدی را در جامعه به وجود می‌آورد. حفظ این هنجارهای جدید، تداوم انقلاب است؛ و اینها سخت است، اینها کارهای مشکلی است. همان دستها و همان قدرتهایی که با اصل انقلاب با هم می‌وجود مخالف بودند و کارشکنی میکردند، با همین تداوم هنجارهای انقلابی [هم] مخالفت خواهند کرد، دشمنی خواهند کرد؛ کما اینکه می‌بینید دارند میکنند. بنابراین اگر انقلاب مبارزه لازم داشت تا به پیروزی برسد، امروز هم مبارزه لازم است تا بتوانیم این هنجارهای انقلاب را تثبیت کنیم؛ باید به نتیجه برسایم تا جامعه بشود جامعه‌ی اسلامی.

بیانات در دیدار بسیجیان / ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

ما در زمینه‌ی صنعت، در زمینه‌ی کشاورزی، در زمینه‌ی هنر، در زمینه‌ی سازندگی، در زمینه‌های گوناگون، در همه‌ی زمینه‌ها، هم حرف داریم که بخشی از حرفها را این دوستان در اینجا بیان کردند، هم نیاز داریم؛ نیاز به حرکت، نیاز به فکر، نیاز به تصمیم، نیاز به عزم راسخ، تا بتوانیم به آن مقاصد حقیقی و والای جمهوری اسلامی، خودمان را برسایم، کشورمان را برسایم؛ اینها همه حرکت لازم دارد، تحرک لازم دارد. این تحرک با سازماندهی نیروی مقاومت بسیج و همه‌جانبه‌نگری این نیرو تحقق پیدا میکند. و شما ناگهان مشاهده میکنید که یک حرکت عظیم سازندگی و تولید و پیشرفت در بخشهای مختلف، همراه با ایمان، همراه با بصیرت، همراه با اخلاص از سوی چند میلیون جمعیت در کشور به راه افتاده است؛ این خیلی چیز مهم و بابرکتی است؛ نیروی مقاومت بسیج این است و این وظیفه‌ی سنگینی است که بایستی انجام بگیرد.

بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی / ۱۳۹۶/۱۰/۰۶

نه دی دفاع از ارزشهای انقلاب بود، از ارزشهای دین بود. آنجا ایستادگی‌ای که ما کردیم، ایستادگی در دفاع از انتخابات بود. بنده صریحا گفتم فشار می‌آورند که باید انتخابات را ابطال کنید، من زیر بار ابطال انتخابات نخواهم رفت؛ این را من اعلان کردم. بحث سر ارزشهای انقلاب و ارزشهای نظام اسلامی است؛ آنروز هم بود، امروز هم هست. ما خیلی باید مراقب خودمان باشیم، خیلی باید مراقب باشیم.

بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی / ۱۳۹۷/۰۱/۰۱

در باب ارزشهای اصلی انقلاب و شعارهای انقلاب و اصول بنیادین انقلاب، آنچه من میتوانم عرض بکنم این است که انقلاب، امتحان خوبی در این زمینه پس داده است؛ یعنی ملت ایران توانسته است اصول بنیادین را و شعارهای اصلی انقلاب را به همان استحکام اول، تا امروز حفظ کند. شعارها و ارزشهای اصلی اینها است: استقلال، آزادی، مردم‌سالاری، اعتماد به نفس ملی و خودباوری ملی، عدالت، و برتر و بالاتر از همه‌ی اینها تحقق و پیاده شدن احکام دین و شریعت در کشور؛ این شعارها با همان طراوت اول حفظ شده است.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

انقلاب مراحل دارد؛ آنچه در اول انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله‌ی اول انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمانها و ارزشهای نو و با لغت نو، با تعبیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله‌ی اول انقلاب بود. بعد در مرحله‌ی دوم، این نظام بایستی ارزشها را محقق کند؛ این ارزشها و آرمانهایی که حالا اشاره میکنم و بعضی را میگویم، باید در جامعه تحقق ببخشد. به این ارزشها اگر بخواهد تحقق ببخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن میشود دولت انقلابی. بنابراین مرحله‌ی بعد از نظام انقلابی، ایجاد دولت انقلابی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت انقلابی تشکیل شد، آنوقت بایستی به‌وسیله‌ی اجرائیات درست -قانون درست، اجرای درست- این آرمانها و ارزشهایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی‌یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آنوقت نتیجه میشود جامعه‌ی انقلابی؛ یک جامعه‌ی انقلابی به وجود می‌آید که این مرحله‌ی چهارم است. حرکت انقلابی، نظام انقلابی، دولت انقلابی، جامعه‌ی انقلابی؛ این چهارم [است]. بعد که جامعه‌ی انقلابی درست شد، آنوقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید. حالا من تعبیر به «انقلابی» کردم؛ به جای کلمه‌ی «انقلابی» میتوانی کلمه‌ی «اسلامی» بگذاری؛ یعنی دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی، تمدن اسلامی؛ این مراحل است که وجود دارد.

بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان / ۱۳۹۷/۰۳/۰۷

انقلاب تمام نمیشود، انقلاب استمرار دارد، انقلاب ادامه دارد، انقلاب متوقف نمیشود. یک صیرورتی وجود دارد؛ صیوررت یعنی شدن، شدن دائم، تحول دائمی؛ در مسیر انقلاب یک صیوررت دائمی‌ای وجود دارد که این صیوررت دائمی، بتدریج آن آرزوهای بزرگ را، آن ارزشهای والا را، آن آرمانها را در جامعه تحقق میبخشد. خب، حالا این آرمانهای بزرگ چیست؟ من شش هفت مورد از این آرمانهای بزرگ را ذکر میکنم؛ البته فقط اینها نیست. یکی، عزت ملی است؛ این یکی از آرمانهای انقلاب است؛ این خیلی مهم است! عزت ملی یعنی احساس افتخار ملی که این احساس افتخار، ناشی از واقعیات باشد، ناشی از یک واقعیاتی در متن جامعه و بر روی زمین، و نه متکی بر توهمات و تصورات؛ والا گاهی اوقات احساس افتخار به حکومت کیان و هخامنشیان و مانند اینها هم بود؛ اینها تصورات واهی و توهم است، افتخارآفرین نیست. عزت ملی یعنی احساس افتخار، متکی به واقعیت؛ این خیلی مهم است. این عزت ملی از جمله چیزهایی است که اگر چنانچه در یک کشوری از بین رفت و نابود شد، هویت آن ملت نابود میشود؛ دیگر هیچ‌چیز گیر آن ملت نخواهد آمد. دوم، اعتمادبه‌نفس ملی؛ که بنده روی این اعتمادبه‌نفس ملی مفصلاً بحث کرده‌ام -در سالهای گذشته، در مجامع بزرگ- که این اعتمادبه‌نفس ملی، راه وابستگی را مینماید. اگر این اعتمادبه‌نفس وجود داشت، ملت احساس نمیکند که به وابستگی نیاز دارد، بلکه از وابستگی به دیگران میگریزد. استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی؛ این یکی از آرمانها است [برای] یک ملت؛ که اگر چنانچه این وجود داشت -یعنی استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی که هرکدام یک فصل طولانی‌ای دارد- آن ملت مجبور نمیشود که زورگویی و تحمیل را از زورگویان و زیاده‌خواهان عالم تحمل کند. یکی از آرزوها استقلال است. آزادی؛ آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی عمل. البته اینجا یکی از عزیزانی که صحبت کردند، یک جمله‌ی کوتاهی راجع به آزادی گفتند که کاملاً درست بود. آزادی از جمله‌ی مقولاتی است که حتماً به قانون، به چهارچوب احتیاج دارد. چون طبیعت آزادی این است که اگر قانون و چهارچوب وجود نداشته باشد، از حد تجاوز خواهد کرد، به تعدی و به ولنگاری و به جاهای بدی خواهد انجامید که امروز شما نمونه‌هایش را در غرب مشاهده میکنید. این آزادی اگر نباشد، رشد وجود ندارد. اگر در جامعه، آزادی فکر، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی عمل وجود نداشته باشد، رشد در جامعه متوقف خواهد شد. رشد جامعه -رشد معنوی جامعه- و پیشرفت جامعه، حتماً به این آزادی‌ها احتیاج دارد.

استقرار عدالت، نفی تبعیض، نفی فاصله‌های طبقاتی؛ اینها جزو آرزوهای بزرگ است. اصلاً در قرآن، اقامه‌ی قسط را مسئله‌ی اصلی و هدف پیغمبران میدانند: ليقوم الناس بالقسط (۳) ما [هم] راه پیغمبران را میرویم دیگر، ما راه اسلام و راه پیغمبران را داریم میرویم. بنابراین قطعاً عدالت، یکی از برترین یا شاید بشود گفت برترین آرمان و ارزشی است که دنبالش بایستی باشیم. با لفاظی هم عدالت درست نمیشود. عدالت البته چیز سختی است؛ اجرای عدالت جزو سخت‌ترین کارها است.

پیشرفت مادی و تمدنی به برکت علم و فناوری؛ این هم یکی از آرمانها است. یعنی کشور از عقب‌ماندگی باید نجات پیدا کند. یکی دیگر از آرمانها رشد اخلاقی‌های معاشرتی [است]؛ معاشرت مردم، معاشرتهای اخلاقی باشد. رحم، انفاق، ایثار، کمک، تعاون و مانند اینها؛ رشد این خلقیاتی که مربوط به معاشرت انسانها با هم در جامعه است.

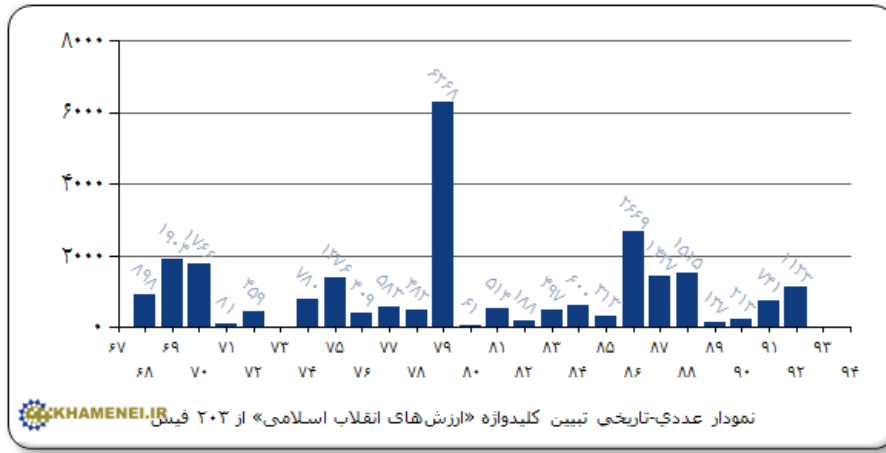
آماده‌سازی فضا برای رشد معنویت و رهایی از بردگی شهوت و غضب در انسانهای مستعد؛ این هم یکی از آن برترین آرزوها است که غالباً به این توجه نیست. باید فضا جوری بشود که انسانهای مستعد بتوانند در آن فضا حرکت کنند، امثال حاج میرزا علی‌آقای قاضی‌ها و علامه‌ی طباطبائی‌ها و شخصیت‌های برجسته‌ی این‌جوری به وجود بیایند؛ انسانهای والا و برتر که از این فضای مادی توانسته‌اند تعالی پیدا کنند و فراتر بروند؛ یعنی فضا بایستی برای این آماده بشود. البته همه‌ی ما استعداد یک چنین چیزی را نداریم اما در میان ما کسانی هستند که استعداد این حرکت را دارند، بخصوص در دوره‌ی جوانی.

...

بدیهی است که این آرمانها در کوتاه‌مدت تحقق پیدا نمیکند؛ اگر بخواهیم این آرمانها در جامعه تحقق پیدا کند، یک حرکت بلندمدت لازم دارد. یعنی چه؟ یعنی زنده بودن انقلاب.

دیدار وزیر امور خارجه، سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با رهبر انقلاب / ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

ایشان با تاکید بر اینکه دستگاه دیپلماسی، بخش اصلی سیاست خارجی کشور و نمای بیرونی نظام جمهوری اسلامی است، خاطرنشان کردند: وزارت امور خارجه و به‌ویژه سفرا باید عمیقاً به ارزش‌های اسلام و انقلاب پایبند باشند و رفتار و گفتار آنان، منعکس‌کننده‌ی این ارزش‌ها باشد.



مقالات مرتبط با کلیدواژه «ارزش‌های انقلاب اسلامی» :

راه‌کارهای انتقال ارزش‌های انقلاب اسلامی به نسل‌های آینده / نویسنده : حسین شیدائیان / ۱۳۸۵/۱۰/۰۱

بررسی مقایسه‌ای میانی اندیشه‌ای و کارکردهای مفهوم آزادی در انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران / نویسنده : مصطفی ملکوتیان / ۱۳۹۱/۰۸/۲۴

جانب هنجاری تلقی اسلامی از آزادی / نویسنده : احمد واعظی / ۱۳۹۱/۰۸/۲۴